



امام رضا سلام الله و صلواته عليه:

ان بسم الله الرحمن الرحيم اقرب الى اسم الله الاعظم من سواد العين الى بياضها

بسم الله الرحمن الرحيم، به اسم اعظم خداوند

نزدیکتر از سیاهی چشم به سفیدی اش است. عیون اخبار الرضا ج ۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

رویگرد قاعده‌مند به

گفتمان انقلاب

در یازدهمین دوره انتخابات

ریاست جمهوری

نظام مبارک جمهوری اسلامی

کتاب اول

تحلیل، آسیب‌شناسی و راهکار

برگرفته از اندیشه علامه سیدمنیرالدین حسینی الهاشمی

برگرفته از اندیشه علامه سیدمنیرالدین حسینی الهاشمی

سرپرست پژوهش: حجت الاسلام والمسلمین مسعود صدوق

تدوین: گروه مدل حسینیہ اندیشه

کارشناسان تدوین: حجج اسلام محمدصادق حیدری، احمد زیبایی نژاد و روح الله صدوق

کنترل نهایی: حجت الاسلام احمد زیبایی نژاد

تاریخ تدوین: خردادماه ۱۳۹۲

۹۱۹۲۵۳۸۶۹_۰۹۱۲۷۵۰۲۹۹۴

حسینیہ اندیشه

فهرست مندرجات

۱. بخش سیاسی

۱/۱. جزوه اول: بیان ضرورت انتخاباتی

۱/۲. جزوه دوم: تحلیل، آسیب‌شناسی و راهکارهای پیشنهادی

۲. بخش فرهنگی

۱/۱. جزوه اول و دوم: بیان ضرورت انتخاباتی، آسیب‌شناسی و راهکارهای پیشنهادی

۴. بخش اقتصادی

۱/۱. جزوه اول: بیان ضرورت انتخاباتی

۱/۲. جزوه دوم: بررسی علت تورم ۳۴ سال گذشته و لوازمات اقتصاد مقاومتی

رویکرد قاعده‌مند به گفتمان انقلاب

در بخش

سیاسی

جزوه اول: بیان ضرورت (انتخاباتی)

فهرست مندرجات

۱. مردم‌سالاری دینی به‌عنوان الگوی نظام سیاسی..... ۴
۲. آزادی؛ بزرگ‌ترین هدیه انقلاب اسلامی..... ۵
۳. عدالت همراه با عقلانیت و معنویت..... ۶
۴. نقد منصفانه دولت‌های گذشته بر اساس گفتمان انقلاب..... ۷
۵. برنامه‌های راهبردی با توجه به تهدیدات و فرصت‌ها..... ۷

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱. مردم‌سالاری دینی به‌عنوان الگوی نظام سیاسی

هنر بزرگ جمهوری اسلامی در آن است که توانسته در عمل، «مردم‌سالاری دینی» را به‌عنوان یک الگوی سیاسی در مقابل «دموکراسی‌های موجود در دنیا» مطرح کند.

در دموکراسی‌های موجود، «دنیا» اصل قرار گرفته است؛ یعنی مردم مشارکت می‌کنند تا کسی که فقط قادر به «تامین نیازمندی‌های مادی» آنان است سرکار بیاید. در این صورت «درگیری منافع گروه‌های اجتماعی با هم» بر سر امکانات محدود دنیوی، امری قطعی است و در این جوامع، «تنازع و دعواها» جریان می‌یابد. بر این اساس، ابزاری به نام «احزاب» شکل می‌گیرد تا بصورت قاعده‌مند، منافع را به سود طبقه خود و حامیان، مصادره کند که باعث می‌شود رای و مشارکت مردم در خدمت سهم‌خواهی و بده‌بستان و امتیاز‌طلبی احزاب پیروز قرار گیرد. لذا در دموکراسی‌های موجود قدرت، فسادآور خواهد بود و مردم زیرپای منافع احزاب و صاحبان قدرت و ثروت لگدمال می‌شوند.

اما در مردم‌سالاری دینی، «دنیا در سایه دین» مطلوب است که به همین دلیل، به‌جای تنازع بر سر دنیا و امکانات محدود آن، «تکیه به خدا، تکیه به مردم و تکیه به توانایی‌های خود» اصل قرار گرفته است و به‌جای آن که رای مردم به سود منافع حزبی و حامیان‌ش مصادره شود، مدیریت

نظام، به «خدمتگزاری و نوکری برای مردم» تعریف یافته است و لذا مردم سالاری واقعی فقط در ایران اسلامی محقق شده است. هر چقدر این دستاورد توسعه پیدا کند و بجای تخریب و خرده گیری بر آن، موانعش برطرف شود، آزادی های بیشتری نصیب مردم خواهد شد.

۲. آزادی؛ بزرگترین هدیه انقلاب اسلامی

البته آزادی در معنای الهی آن، بزرگترین هدیه انقلاب اسلامی به ملت ایران بوده و اساسا همین واقعیت است که مشارکت گسترده مردم در صحنه های مورد نیاز نظام را در طول مدت ۳۴ سال انقلاب رقم زده است. یکی از گواهان صدق این تحلیل، اصل تشکیل و نحوه عملکرد دادگاهها پس از انقلاب اسلامی و تلاش برای بازگشت مجرمین به دامن ملت در ابتدای پیروزی نهضت است که نمایانگر حلم و تحمل و منطق نظام در مقابل عنادها و عداوتهای داخلی است. ارزش این عملکرد در مقایسه با رفتار انقلابهای معاصر با ضدانقلابیون وضوح بیشتری می یابد؛ علاوه بر آنکه در نظامات دنیا نیز اصل در برخورد با مخالفین، «سرکوب» (به عنوان شاخصه اقتدار سیستم سیاسی) است.

در عرصه سیاست خارجی و در مقابل ادعاهای جهانی درباره «حقوق بشر»، نظام جمهوری اسلامی به تعالیم مکتب درباره «حقوق کفار و منافقین» عمل کرده است.

دیگر مظاهر مهم این عملکرد اخلاقی و انسانی نظام نیز در موضوعاتی همچون:

*تدوین سریع قانون اساسی و حرکت متناسب با آن در مقابل تأخیر طولانی تدوین قانون اساسی

در انقلابهای مختلف دنیا

*ارتباط مستقیم و علنی «مردم، اصناف و سازمان‌ها» با ولایت مطلقه فقیه در جلسات گفت و شنود و تصمیم‌سازی بر اساس آن به‌عنوان امری بی‌سابقه در روند مدیریت متعارف جهانی

*ارائه آزادی مطلق به مکاتب و احزاب سیاسی در ابتدای انقلاب تا زمان اعلام نبرد مسلحانه بر ضد نظام

*ارائه آزادی در چارچوب قانون اساسی و مصالح عالی‌ه نظام در طول سالهای گذشته و.... قابل مشاهده است.

۳. عدالت همراه با عقلانیت و معنویت

بعد عدالت هم در مکتب امام بسیار برجسته است. تعبیر «پابرهنگان و کوخ‌نشینان» جزو تعبیراتی بود که در کلام امام بارها و بارها تکرار شد. به مسئولین اصرار داشتند که به طبقات محروم و ضعفا برسید. به عنوان یک توصیه مهم به مسئولین اصرار داشتند که از اشرافیگری پرهیز کنند و به کاخ‌نشینی تمایل پیدا نکنند. آفت مسئولیت در یک نظامی که متکی به آراء و ایمان مردم است، این است که مسئولین به فکر رفاه شخصی و مال‌اندوزی بیفتند و در هوس زندگی اشرافیگری، به این در و آن در بزنند.

اگر بخواهیم عدالت به معنای حقیقی خودش در جامعه تحقق پیدا کند، باید با دو مفهوم «عقلانیت و معنویت» تنیده شود. زیرا اگر عقل و خرد در تشخیص مصادیق عدالت به‌کار گرفته نشود، انسان به «گمراهی و اشتباه» دچار می‌شود؛ خیال می‌کند چیزهایی عدالت است، در حالی که نیست. لذا انقلاب عظیم اسلامی ما ناشی از یک عقلانیت بود.

از طرفی اگر عدالت را از معنویت جدا کنیم، این هم عدالت نخواهد بود. عدالتی که همراه با معنویت نباشد، به «ریاکاری و دروغ و انحراف» تبدیل خواهد شد.

۴. نقد منصفانه دولت‌های گذشته بر اساس گفتمان انقلاب

دولتی‌هایی که از الگوهای غربی در «توسعه اقتصادی یا توسعه سیاسی» استفاده کردند، در واقع از بُعد «معنویت» غافل شدند زیرا الگوهای غربی در تعریف از عدالت و سایر مفاهیم کلیدی، دین و معنویت را به رسمیت نمی‌شناسند؛ همچنان که توجه به عدالت بدون استفاده از یک «عقلانیت» قوی و همه‌جانبه‌نگر، برخی مسئولان را در انتخاب جهت‌گیری‌های اساسی دولت، دچار اشتباه کرد.

۵. برنامه‌های راهبردی با توجه به تهدیدات و فرصت‌ها

بر اساس چارچوب فوق باید جمع‌بندی صحیحی از راه گذشته انقلاب اسلامی ارائه شود تا برنامه آینده را بر اساس آن تدوین نمود.

الگوهای مدیریتی حضرت امام (ره) همانند ارتش ۲۰ میلیونی، اطلاعات ۳۶ میلیونی، جهاد سازندگی، کمیته امداد و الگوهای موفق بودند که باعث شکستن مدیریت‌های متمرکز و آوردن مردم به صحنه دفاع از انقلاب شدند.

این نحوه از مدیریت داخلی، در واقع یک نوع اخلاق کاربردی است که بدلیل فرصت دادن به مردم برای حضور اجتماعی (رفتن به سمت مردم؛ نه مردم به سمت مسئولین بیایند)، جاذبه های حقیقی و معنوی ایجاد کرد و مردم در سایه این نوع آزادی‌ها، جذب رفتار اخلاقی نظام و امام شدند.

به نظر ما نمود همین اخلاق در سیاست خارجی نظام بود که افکار عمومی منطقه را به سمت انقلاب معطوف کرد و پایه‌های بیداری اسلامی را بنا نهاد.

حلم نظام اسلامی در مقابل کشتار خونین مکه - در حالیکه رفتار معمول دولتها در چنین فجایعی، لشگرکشی و برخورد نظامی است - یا گذشت اخلاقی نظام در مقابل دولت و ملت عراق و ارائه بزرگترین کمک‌ها به این کشور بعد از سقوط صدام - در حالیکه در عرف جهانی، سابقه جنگ و تخاصم تا دهه‌ها از یاد نمی‌رود - تنها برخی از نمونه‌های این رفتار اخلاقی است.

بزرگترین تهدید برای این راه طی شده، گفتمان علمی توسعه‌غربی^۱ است که این روند را نقد می‌کند و بر اساس محاسبات تخصصی خود، راه حل‌های دیگری پیشنهاد می‌دهد که در واقع مخالف حضور مردمی و محدود کننده آزادی‌های الهی است.

۱. مثال برای سفارشات گفتمان توسعه:

* ضرورت تحزب‌گرایی برای موفقیت مدیریت کلان کشور

* غیر منطقی بودن هزینه‌های صنعت دفاعی

* سوق دادن سیاست‌های جنگی کشور به سیاست‌های جنگ کلاسیک

بر این اساس، برنامه ما برای آزادی و آگاهی بیشتر مردم ایران بر مبنای ادبیات انقلاب، «فرهنگ‌سازی» در سطح نخبگان و مردم است که توصیه مؤکد رهبر انقلاب بر ادامه روند مناظرات (در نماز جمعه ۲۹ خرداد ۸۸) و راه‌اندازی کرسی‌های نظریه‌پردازی شاهدهی بر صحت آن است.

به عبارت دیگر همچنان که «رابطه دانشگاه با صنعت» امری ضروری است؛ برای حفظ دستاوردهای انقلاب و استفاده از ظرفیت آن در عملکردهای امروز، «رابطه دانشگاه با فرهنگ مقاومت و ادبیات وحی» نیز ضروری است.

باید «مدارس تخصصی انقلاب» تشکیل شوند تا از تعامل علمی دانشگاه با دستاوردهای گفتمان انقلاب به راه‌های جدید و میان‌بر دست یافت.

در این میان، ظرفیت رسانه‌ها و مطبوعات و به عبارت دیگر «خبرسازی» در نظام باید در خدمت این گفتمان‌سازی قرار گیرد و نظام آماری کشور نیز مرتباً تاثیر این روند را بر انگیزش‌های مردم اندازه‌گیری کند تا انقلاب سیاسی، گام اول خود را به سمت تحول فرهنگی بردارد.

رویکرد قاعده‌مند به گفتمان انقلاب

در بخش

سیاسی

جزوه دوم:

۱. تحلیل ۳۴ سال گذشته

۲. آسیب‌شناسی علل ناکارآمدی ساختارهای سیاسی

۳. راهکارهای پیشنهادی (در سطح ریاست جمهوری)

موضوع و تعریف تخصصی گفتمان انقلاب چیزی جز تئوریزه کردن انقلاب اسلامی نیست.

تحلیل انقلاب:

الف. قبل از انقلاب (مرحله تخریب): ادبیات «پیروزی خون بر شمشیر»، علت اقتدار انقلاب در

شکستن ساختارهای نظام موجود؛ در مقابل:

تئوری نبرد مسلحانه (مدیریت شرقی) و

تئوری نبرد پارلمان تئاریستی (مدیریت غربی)

← این دستاورد بزرگ در انقلاب‌های مردمی جهان اسلام مبنا قرار گرفته به نحوی که

هیچ‌یک از آنها از تئوری متداول مبارزه تبعیت نکرده‌اند. البته صدور این تجربه‌ی

مبارک، به معنای تئوریزه شدن آن نیست.

ب: بعد از انقلاب (مرحله تأسیس): در این مرحله، با حفاظت از «جریان پرستش اجتماعی» در

قالب اصل ولایت مطلقه فقیه توانسته است به ارتقاء مقیاس «آزادی» به معنای الهی دست

یابد که تحقق آن در محورهای ذیل قابل ملاحظه است:

۱. تدوین سریع قانون اساسی و حرکت متناسب با آن در مقابل تأخیر طولانی تدوین

قانون اساسی در انقلاب‌های مختلف دنیا

۲. مشارکت مردم در استقرار نهادهای حکومتی

۳. ارائه آزادی مطلق به مکاتب و احزاب سیاسی تا زمان اعلام نبرد مسلحانه بر ضد نظام و ارائه آزادی در چارچوب قانون اساسی و مصالح عالییه نظام بعد از اعلام نبرد

مسلحانه

۴. نهادسازی برای آزادی؛

* ولایت مطلقه فقیه (ارتباط مستقیم و علنی مردم، اصناف و سازمان‌ها با

رهبری مانند جلسات گفت و شنود با گروههای فوق و تصمیم‌سازی بر اساس

آن به‌عنوان امری بی‌سابقه در روند مدیریت متعارف جهانی)

* قوه قضاییه و قانون‌مداری در آن

در توضیح باید گفت که «آزادی» بمثابه بزرگترین هدیه انقلاب اسلامی به ملت ایران، تابع ماهیت دین‌محور، اخلاقی و انسانی انقلاب اسلامی بوده و همین موهبت است که مشارکت گسترده مردم در صحنه‌های مورد نیاز را رقم زده است. یکی از گواهان صدق این تحلیل، تشکیل و نحوه عملکرد دادگاه‌های انقلاب اسلامی و تلاش برای بازگشت مجرمین به دامن ملت در ابتدای پیروزی نهضت است که نمایان‌گر حلم و تحمل و منطق نظام در مقابل عداوت‌ها و عداوت‌های داخلی است. ارزش این عملکرد در مقایسه با رفتار انقلاب‌های معاصر با ضدانقلابیون وضوح بیشتری می‌یابد؛ علاوه بر آن که در نظامات مستقر نیز اصل در برخورد با مخالفین، «سرکوب» (به‌عنوان شاخصه اقتدار سیستم سیاسی) است.

در عرصه خارجی و در مقابل ادعاهای جهانی درباره «حقوق بشر»، نظام جمهوری اسلامی به تعالیم مکتب درباره «حقوق کفار و منافقین» عمل کرده درحالی‌که بر اساس معارف حقه، آنان نه تنها حائز فطرت انسانی بلکه پست‌تر از حیوانات (بل هم اضل) معرفی شده اند.

به نظر می‌رسد از ابتدای پیروزی نهضت، مدیریت انقلاب از جریان حقیقی آزادی غیرقابل انفکاک بوده است؛ زیرا آزادی منحصرأ وصف دستگاه ایمانی است و تنها مولفه‌ای که می‌تواند

آزادی حقیقی را تعریف کند، «ارتباط محدود با نامحدود» است که این ارتباط تنها در ادبیات توحیدی انبیاء و اولیاء الهی یافت می‌شود.^۱

← آسبیب: ضربه زدن «ت‌حزب‌گرای» به عنوان آزادیِ تئوریزه شده‌ی غربی به نظام (یعنی ترجیح

منافع گروهی بر منافع اسلام)

ج: بعد از انقلاب (مرحله مدیریت): مدیریت انقلاب در سطح جامعه‌شناسی است (نه در سطح مدیریت تخصصی اصطلاحی)؛ یعنی گفتمان انقلاب برای عبور از عقبه‌ها و فتنه‌های گوناگون در سه حوزه‌ی «امنیتی، نظامی و سیاسی»، نرم‌افزارهای متناسب با گفتمان خود را به صورت انقلابی و تخمینی در عمل به کار گرفته است:

* در حوزه امنیتی از طریق ترکیب دستگاه‌های اطلاعاتی روز با اطلاعات ۳۶ میلیونی

* در حوزه نظامی از طریق ترکیب دستگاه‌های نظامی روز با ارتش ۲۰ میلیونی

* در حوزه سیاسی داخلی از طریق ترکیب دستگاه‌های سیاسی روز با سازمان ائمه

جمعه، روحانیت، مساجد و هیئت‌های مذهبی

* در حوزه سیاست خارجی از طریق ترکیب دستگاه‌های دیپلماسی روز با کنگره عظیم

حج، حمایت از جنبش‌های آزادی بخش و ضد استکباری و ...

ترکیب‌های فوق را می‌توان در چارچوب «نهادسازی مردمی» در نظام جمهوری اسلامی تحلیل کرد که هدف آن، همراه کردن نهادها و مناصب تعریف شده و متداول جهانی با گفتمان انقلاب بوده است.

۱. مقاله تعریف آزادی در سه سطح آکادمیک، تخصصی و عمومی

توضیح آنکه، نتیجه استقلال فکری حضرت امام (قدس سره) از ادبیات تخصصی مدرنیته، نهادسازی برای تأمین حوائج نظام مقدس جمهوری اسلامی است که برای اولین بار در یک نظام محقق شده است. در واقع حضرت امام بدلیل توجه به نیازهای جدید ناشی از انقلاب اسلامی - که ساختارهای مدرنیته قادر به تأمین آنها نبودند - اقدام به تأسیس نهادهای مردمی کردند؛ مانند:

تأمین امنیت اسلامی شهرها توسط نهاد کمیته انقلاب اسلامی

تأمین مسائل امنیتی و نظامی انقلاب توسط نهاد سپاه پاسداران و بسیج مستضعفین

و

آسیب‌شناسی علل ناکارآمدی ساختارهای سیاسی نظام در دوران بعد از انقلاب

۱. عدم ارائه تعریف تخصصی از رفتارهای نظام، باعث عدم تبدیل نهادها به ساختارها و محصولات جدید شده است؛ یعنی عملکرد انقلاب به یک فرهنگ تخصصی مستقل تبدیل نشده و لذا نظام، در قبض و بسط بین نهادهای جدید و نهادهای رسمی قرار گرفته است. البته هزینه بحران‌های ناشی از این ناهنجاری، بوسیله اخلاق ایثار مردم جبران می‌شود.

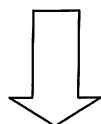
۲. چالش «اسلامیتِ اداره نظام» به علت فقدان تعاریف برخاسته از فهم حکومتی دین و فقه حکومتی

راهکارهای پیشنهادی (در سطح ریاست جمهوری)

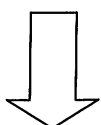
۱. ظرفیت انقلاب در نهادهایی به تئوریزه کردن آرمان‌ها و مطلوبیت‌های نظام جمهوری اسلامی و ساختارسازی برای آنها نیازمند است و این امر بدون تولید «الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت» ممکن نیست. در غیر این صورت، قضاوت درباره عملکرد نظام به امری سخت و پیچیده مبدل می‌گردد که گاه باعث سوق دادن تحلیل‌ها به سوی «سیاه‌نمایی» می‌شود.

۲. تبدیل نهادهایی به «ساختارسازی» نیازمند تولید تخصص جدید است و لذا رییس جمهور معتقد به گفتمان انقلاب باید در حداقلی‌ترین وظیفه، به نهادهایی در این جهت بوسیله‌ی برقراری ارتباط با دو دستگاه تخصصی کشور (حوزه و دانشگاه) بپردازد تا این دو دستگاه به ایفاء وظیفه خود در ساختارسازی همت گمارند.

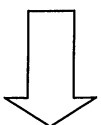
آغاز گفتمان انقلاب با نهادهایی



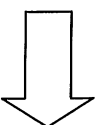
تئوریزه‌نشدن گفتمان انقلاب



عدم توجه به ساختارسازی



چالش (قبض و بسط) بین نهادهای رسمی و نهادهای انقلاب
(باعث ایجاد فتنه در داخل و نیاز به ارائه نسخه جدید به انقلاب‌های جهان اسلام در خارج)



ضرورت طرح مجدد گفتمان انقلاب
جهت تئوریزه نمودن آن

رویکرد قاعده‌مند به گفتمان انقلاب

در بخش

فرهنگی

جزوه اول و دوم:

بیان ضرورت، آسیب‌شناسی و راهکار پیشنهادی

فهرست مندرجات

*مقدمه: ضرورت «تدوین فرهنگ اسلامی» برای ساخت تمدن نوین اسلامی..... ۴

۱. تحلیل اجمالی وضعیت فرهنگی ابتدای انقلاب ۶

۲. عملکرد فرهنگی گفتمان انقلاب در سی ساله گذشته ۷

۳. آسیب‌شناسی چالش‌های فرهنگی نظام ۹

۴. راه‌کارهای پیشنهادی (در سطح ریاست جمهوری) ۱۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه: ضرورت «تدوین فرهنگ اسلامی» برای ساخت تمدن اسلامی

جامعه و تمدن‌ها بر اساس فرهنگ آن نظام به وجود می‌آید و تمدن نوین اسلامی نیز از این اصل مستثنی نیست. بر این اساس «اگر انحرافی در فرهنگ یک رژیم پیدا شود و همه ارگان‌ها و مقامات آن رژیم در صراط مستقیم انسانی و الهی پایبند باشند و بر استقلال و آزادی ملت از قیود شیطان عقیده داشته باشند و آن را نیز تعقیب کنند و ملت نیز به تعبیت از اسلام و خواسته‌های ارزنده آن پایبند باشند، دیری نخواهد کشید که انحراف فرهنگی بر همه غلبه کند و همه را خواهی نخواهی به انحراف کشاند و نسل آتیه را آن چنان کند که انحراف بصورت زیبا و مستقیم را راه نجات بداند و اسلام انحرافی را به جای اسلام حقیقی بپذیرد» (پیام حضرت امام خمینی (قدس سره)؛ صحیفه نور، جلد ۱۷، صفحه ۲۰۳)

از سویی دیگر هدف و مسیری که پرچمدار انقلاب مقام معظم رهبری برای نظام اسلامی ترسیم نموده‌اند «پیشرفت همه جانبه» است که از منظر معنویت و فرهنگ اسلامی، متغیر اصلی آن «رسیدن به فلاح و رستگاری» می‌باشد و براین اساس «اگر ما به این مقولات به طور جدی نپردازیم، پیشرفت اسلامی تحقق پیدا نخواهد کرد و تمدن نوین اسلامی شکل نخواهد گرفت. هرچه ما در صنعت پیش برویم، هرچه اختراعات و اکتشافات زیاد شود، اگر این بخش را ما درست نکنیم، پیشرفت اسلامی به معنای حقیقی کلمه نکرده‌ایم» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با جوانان استان خراسان شمالی ۱۳۹۱/۷/۲۳)

در بیانات مقام معظم رهبری، ابتدا «پیشرفت همه جانبه» به تمدن‌سازی نوین اسلامی تعریف شده و از آن به عنوان «هدف انقلاب اسلامی» نام برده می‌شود و ضمن تأکید بر «چند بُعدی» بودن مفهوم پیشرفت در فرهنگ اسلام، به ضرورت توجه به بحث «سبک زندگی» به عنوان یکی از ابعاد پیشرفت پرداخته شده است.

معظم‌له با تفکیک بخش اصلی و «نرم‌افزاری» تمدن از بخش ابزاری و «سخت‌افزاری» آن، به این نکته اساسی اشاره کرده‌اند که کشور ما علی‌رغم پیشرفت در بخش سخت‌افزاری تمدن، در «سبک زندگی» به عنوان بخش نرم‌افزاری تمدن پیشرفت نداشته است و این آسیب، موجب «عدم فلاح و عدم امنیت روانی» انسان و جامعه خواهد شد که بر این اساس، فهرستی از آسیب‌های سبک زندگی در جامعه امروز ایران طرح شده است.

سپس در تحلیل فضای بیرونی کشور به این مهم توجه داده شده که نظام جمهوری اسلامی در شرایطی به وجود آمده که تمدن غرب بر جهان حاکم است و این تمدن دارای فرهنگیست مهاجم که تمام دنیا از جمله جمهوری اسلامی را مورد حمله خود قرار داده است.

اما در مقابله با هجمه‌ی فرهنگ تمدن غرب، به جای برخورد از موضع «ضعف و انفعال»، از موضع «قدرت» اعلام می‌شود که انقلاب اسلامی ایران، داعیه‌دار ایجاد «تمدن نوین اسلامی» است و با «تمدن‌سازی» براساس «مکتب اسلام» نه تنها قادر است در مقابل هجمه فرهنگ غربی مقاومت کند، بلکه قادر خواهد بود دیگر فرهنگ‌ها را به طرف خود جذب کند. از این‌رو، تبیین و تحقق «فرهنگ زندگی اسلامی» بر اساس بن‌مایه‌های «خردورزی، اخلاق و حقوق» به امری ضروری مبدل می‌گردد که الزامات دستیابی به آن عبارتند از:

۱- «ایمان به مکتب اسلام»؛ به علت عدم امکان تمدن‌سازی بدون ایدئولوژی و مکتب

۲- «کار پُرحجم و با کیفیت برای استنباط عقل عملی اسلامی از منابع»؛ به علت غنی بودن منابع اسلام

۳- «عدم تقلید از غرب»؛ به علت مهاجم و هویت‌زدا بودن فرهنگ غربی

۴- «دوری از تحجر و سکولاریسم پنهان»؛ به عنوان آسیب‌های جدی نخبگان در دستیابی به فرهنگ زندگی

به نظر می‌رسد بررسی مسأله «سبک زندگی» در ارتباط با «تمدن‌سازی» و اشاره به چنین الزاماتی برای دستیابی به آن، نخبگان و اندیشمندان و اصحاب فکر و فرهنگ را مخاطب اصلی این سخنان قرار می‌دهد. اما آیا وضعیت علمی موجود کشور پاسخگوی چنین مطالبه و قادر بر

رعایت چنان الزاماتی خواهد بود؟ آیا فضای تحلیلی و تخصصی کشور در بررسی این سفارش علمی، تناسبی با ضرورت و هدف اعلام شده از سوی رهبری معظم دارد؟

یا تفاوت در نحوه ورود و خروج به این موضوع مهم میان «ادبیات انقلاب» و «جامعه علمی کشور»، عملی نشدن این ایده را - همانند آنچه برای ایده‌های قبلی اتفاق افتاده - در پی خواهد داشت؟

۱. تحلیل اجمالی وضعیت فرهنگی ابتدای انقلاب

در ابتدای پیروزی انقلاب، دشمنان داخلی از آزادی‌های ارائه شده به مکاتب و احزاب سوء استفاده کرده و از این‌رو، دانشگاه‌ها به عرصه جولان اتاق‌های فکری بدل شدند که مأمّن فعالیت‌های امنیتی و اطلاعاتی و نظامی شده بود و ابراز عقاید در آنها برای براندازی نظام و سهم‌خواهی از آن قرار گرفته بود.

این روند از طریق انقلاب فرهنگی متوقف شد و سپس دو نهاد فرهنگی یعنی «حوزه» و «دانشگاه» به‌عنوان صاحبان ادبیات‌های تخصصی در جامعه، به مرجع فرهنگی کشور تبدیل شده و حائز سهم تاثیر برای اعمال قدرت در نظام شدند.

توضیح آنکه ادبیات حوزه، تعبد به وحی و تسلیم در برابر شارع مقدس را به‌عنوان اصل در فعالیت تخصصی خود قرار داده و لذا دارای منطقی «حجیت‌گرا» است که در عین حال با منفتح دانستن باب اجتهاد، از فرهنگ اهل سنت فاصله گرفته است. از سوی دیگر اخلاق محور بودن حوزه، باعث پذیرش رسیدن آن در نزد مردم شده که بهترین دلیل آن، صرف هزینه‌های مردمی برای فرهنگ مذهب و نمایندگان آن است و سهم تاثیر آن را در ساختارهای جامعه نشان می‌دهد.

از طرفی علوم انسانی موجود در دانشگاه‌ها از طریق «پیش‌فرضها، نظریه‌ها و کنترل‌های حسی»، بر اساس منطقی «حس‌گرا» به فعالیت علمی برای دستیابی به کارآمدی عینی می‌پردازد که محصول نهایی آن، تحقق رفاه مادی است.

۲. عملکرد فرهنگی گفتمان انقلاب در سی‌ساله گذشته

بارزترین عملکرد گفتمان انقلاب در بخش فرهنگ، ایجاد «روحیه مقاومت در برابر استکبار جهانی و مظالم عالم» در سطح «فرهنگ عمومی» کشور است؛ هرچند که این روحیه در «فرهنگ تخصصی» جا پیدا نکرده است اما در جامعه، فرهنگ مقاومت به عنوان یک ارزش تلقی شده و جریان پیدا کرده است.

بر اساس این دستاورد مهم، گفتمان انقلاب در عرصه فرهنگ نهادهای متناسب خود را تأسیس نموده است. البته به علت فقدان تولید «تخصص» مربوط به گفتمان خود، از «ترکیب» ادبیات حوزه با دانشگاه در این نهادها استفاده شده است. نمونه‌های ذیل بر همین اساس قابل تحلیل است:

رسانه ملی

* روزمرگی رسانه ملی در قالب دو کانال تلویزیونی تا پایان جنگ

* توسعه رسانه ملی به کانال‌های متعدد بعد از جنگ؛ با هدف جلوگیری از تهاجم فرهنگی (سفارش ادبیات دانشگاه)

* شکل‌گیری دارالقرآن‌ها و آثار آن در رسانه (سفارش ادبیات حوزه)

* شکل‌گیری کانون‌های فرهنگی مساجد و آثار آن در رسانه (سفارش ادبیات حوزه)

* استفاده از اندیشه حوزه در قالب منبر و میزگرد در رسانه ملی (سفارش ادبیات حوزه)

* توسعه کمی پخش فیلم خارجی و متنوع (سفارش ادبیات دانشگاه)

هنر

* تاسیس حوزه هنری و مراکز مشابه آن برای تامین نیاز به هنر اسلامی (سفارش ادبیات انقلاب)

* شکل‌گیری سینمای دفاع مقدس (سفارش ادبیات انقلاب)

* شکل‌گیری سینمای ارزشی تاریخی (سفارش ادبیات انقلاب)

* شکل‌گیری سینمای خانواده (سفارش انقلاب)

* شکل‌گیری مستند دفاع مقدس (سفارش ادبیات انقلاب)

مراکز علمی

* تاسیس دانشگاه‌هایی مانند تربیت مدرس، امام صادق (ع)، مفید و... برای تامین نیاز به دانشگاه اسلامی (سفارش ادبیات انقلاب)

* تعمیم آموزش و پرورش از کلان‌شهرها به روستاها (سفارش ادبیات انقلاب)

* ورود معارف حقه الهیه در دروس دانشگاه (سفارش ادبیات حوزه)

* ترمیم آموزش عالی، راه‌اندازی و گسترش دوره‌های لیسانس، فوق لیسانس و دکترا، مراکز تحقیقاتی و پارک‌های فن‌آوری (سفارش ادبیات دانشگاه)

* بهینه جایگاه علمی کشور در سطح منطقه‌ای، بین‌المللی و جهانی (سفارش ادبیات دانشگاه)

*خصوصی سازی بخش هایی از آموزش و پرورش (سفارش ادبیات دانشگاه)

*خصوصی سازی بخش هایی از آموزش عالی در قالب دانشگاه آزاد و... (سفارش ادبیات دانشگاه)

۳. آسیب شناسی چالش های فرهنگی نظام

الف. آسیب شناسی محتوایی

«نظری بودن» فرهنگِ حجیت گرای ادبیات حوزه در مقابل «کاربردی بودن» فرهنگ حس گرای ادبیات دانشگاه، باعث عدم ارتباط منطقی بین این دو دستگاه تخصصی شده و چالش نظام را در ارائه «نظام فکری واحد» در پی داشته است.^۱ (البته این روند، نافی وحدت سیاسی و انگیزشی این دو دستگاه نیست).

توضیح آنکه، فرهنگ «حجیت گرا»، دنیا را یک ابزار و مسیر (نه هدف و غایت) جهت رسیدن به فلاح و رستگاری می داند و از این رو، به قناعت و مصرف کم دعوت می کند، اما

۱. حضرت امام خمینی (قدس سره): فرهنگ دانشگاه ها و مراکز غیرحوزه ای، به صورتی است که با تجربه و لمس واقعیت ها بیشتر عادت کرده تا فرهنگ نظری و فلسفی، باید با تلفیق این دو فرهنگ و کم کردن فاصله ها، حوزه و دانشگاه در هم ذوب شوند تا میدان برای گسترش و بسط معارف اسلام وسیع تر گردد. (صحیفه امام، جلد ۲۱، صفحه ۹۹)

به علت عدم تولید «فقه احکام حکومتی» نتوانسته به تئوریزه کردن اجتماعی این مفاهیم دست یابد^۱.

از طرفی فرهنگ «حس‌گرا» (در علوم انسانی^۲ موجود) دنیا را عزیز می‌شمارد و به مصرف انبوه و تنوع‌گرایی دعوت می‌کند و به فرهنگ‌سازی برای آزادی در رسیدن به شهوات (مدگرایی) می‌پردازد. علاوه بر آن که قدرت خرده فرهنگ‌ها را در راستای افزایش «ثروت و رفاه مادی» بسیج می‌کند. به عبارت دقیق‌تر، علوم انسانی موجود در دانشگاه راه حل چالش‌های فرهنگی را در «جهانی شدن» - البته همراه با نقد «جهانی‌سازی فرهنگ» - جستجو می‌کند؛ یعنی «توسعه فرهنگی» را بر اساس «حق حیات به خرده فرهنگ ادیان در نظام توسعه‌یافتگی مدرن» تعریف می‌کند؛ لذا در مقابل فرهنگ توسعه از موضع انفعال سخن می‌گوید.

در صورتی که نگاه قاعده‌مند به ادبیات انقلاب و سپس تولید فکر برای مطالباتی همچون تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و سبک زندگی اجتماعی اسلامی، امری

۱. در قم باید درسهای خارج استدلالی قوی‌ای مخصوص «فقه حکومتی» وجود داشته باشد تا مسائل جدید حکومتی و چالش‌هایی را که بر سر راه حکومت قرار می‌گیرد و مسائل نو به نو را که هی برای ما دارد پیش می‌آید، از لحاظ فقهی مشخص کنند، روشن کنند، بحث کنند، بحث‌های متین فقهی انجام بگیرد؛ بعد این بحثها می‌آید دست روشنفکران و نخبگان گوناگون دانشگاهی و غیر دانشگاهی، اینها را به فرآورده‌هایی تبدیل می‌کنند که برای افکار عموم، برای افکار دانشجویان، برای افکار ملت‌های دیگر قابل استفاده است. این کار بایستی انجام بگیرد، ما این را لازم داریم. (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۹۰/۶/۱۷)

۲. اینکه بنده درباره‌ی علوم انسانی در دانشگاه‌ها و خطر این دانش‌های ذاتاً مسموم هشدار دادم - هم به دانشگاه‌ها، هم به مسئولان - به خاطر همین است. این علوم انسانی‌ای که امروز رائج است، محتوایی دارد که ماهیتاً معارض و مخالف با حرکت اسلامی و نظام اسلامی است؛ متکی بر جهان‌بینی دیگری است؛ حرف دیگری دارد، هدف دیگری دارد. وقتی اینها رائج شد، مدیران بر اساس آنها تربیت می‌شوند. (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار طلاب، فضلا و اساتید حوزه علمیه قم ۸۹/۷/۲۹)

ضروریست که تحقق تمدن نوین اسلامی بدون آن میسر نخواهد شد؛ حال آن که در شرایط فعلی هر دو مرجع تخصصی فوق راه دیگری را در پیش گرفته‌اند.

ب. آسیب‌شناسی ساختارهای فرهنگی

برخلاف دستاوردهای عینی در نهادهای سیاسی، امنیتی، نظامی که تغییر در معادلات جنگ یا تحول در میزان اقتدار جهانی نظام، نمونه‌های روشنی از آن است؛ نهادسازی فرهنگی در انقلاب به علت استفاده از ساختارهای تمدن غربی، از دستیابی به تجربه عملی جدید باز مانده است. به عبارت دقیق‌تر، مرحله نهادسازی در امور فرهنگی از یک نوع موفقیت نسبی نیز برخوردار نشده است و حتی غالباً تحت تأثیر فرهنگ مهاجم غربی بوده است؛ به‌طور مثال در عرصه هنر، تأثیرپذیری جامعه هنری از فلسفه هنر مادی و فرهنگ هالیوودی با سه شاخصه «سکس، خشونت و هیجان» به وضوح قابل مشاهده است. بنابراین ساختارهای موجود دستگاه‌های فرهنگی، فاقد کارایی متناسب با آرمان‌ها و اهداف انقلاب هستند، زیرا ترسیمی محتوایی از درگیری «فرهنگ مدرنیته» با «فرهنگ مقاومتی و مبانی ارزشی و دینی» ما وجود ندارد.

۴. راه‌کارهای پیشنهادی (در سطح ریاست جمهوری)

راه‌اندازی مرکزی تحت اشراف رئیس‌جمهور (در سطح معاونت یا نهاد) برای:

۱. گام اول: ایجاد گفت‌وگویی در آسیب‌شناسی و بهینه‌سازی وضعیت نهادهای فرهنگی انقلابی

از آن‌جا که هدف فوق‌بدون حضور نخبگان و ادبیات تخصصی آن‌ها قابل پی‌گیری محتوایی نیست، باید گفت‌وگومان‌سازی (همان‌طور که مقام معظم رهبری انجام می‌دهند) در دستور کار قرار گیرد؛ ساختار پیشنهادی در این بخش: «نشست» با نخبگان، «کارگاه علمی» با اساتید و «مناظره» برای دانشجویان می‌باشد که حاصل آن، هیئت علمی جدید نخبگانی از جوانان و پیش‌کسوتان علمی کشور می‌باشد.

۲. گام دوم: بهینه‌سازی ساختار نهادهای فرهنگی موجود متناسب با گفت‌وگومان‌درگیری فرهنگ مقاومت با فرهنگ مدرنیته

با تعریف جدید از محتوای فرهنگ مقاومتی (بدست آمده از گام اول)، به تأسیس یا بهینه‌سازی ساختارهای مورد نیاز پرداخته تا بستر انتقال وضع موجود به سمت وضع مطلوب فراهم شود.

۳. گام سوم: حرکت به سمت تئوریزه‌نمودن گفت‌وگومان انقلاب جهت تولید عقلانیت تخصصی متناسب با خود

رویکرد قاعده‌مند به گفتمان انقلاب

در بخش

اقتصادی

جزوه اول: بیان ضرورت (انتخاباتی)

ضرورت اقتصاد مقاومتی با رویکرد گفتمان انقلاب

۱- عبور از تمامی بحران‌ها و مشکلات اساسی در سی‌ساله گذشته باتکیه و اعتماد مردم به گفتمان انقلاب اسلامی بوده است. امروز نیز مسایل و مشکلات اقتصادی، به عنوان یکی از تهدیدات و اهداف دشمن جهت ضربه زدن به نظام اسلامی تبدیل شده است؛ براین اساس است که «جهاد اقتصادی و حماسه اقتصادی» ضرورت می‌یابد. ﴿۱﴾ و آنچه می‌تواند ما را از این تهدید عبور دهد فقط مهندسی جدید برای اقتصاد در قالب «اقتصاد مقاومتی» می‌باشد ﴿۲﴾

۲- این مهندسی جدید، باید بر اساس دو واقعیت موجود طراحی شود:

الف. تحریم‌های شدید با هدف جدا کردن مردم از نظام اسلامی ﴿۳﴾

ب. فشار الگوی تولید اقتصاد سرمایه‌داری و کشورهای دنیا (مثل الگوی تولید کشورهای اروپایی، آمریکا، چین، ژاپن و...) با هدف شکست تولید ملی و داخلی در عرصه رقابت (تصرف بازارهای داخلی به دلیل پایین بودن قیمت تمام‌شده کالای خارجی)

۳- حال آیا ملت و نظامی که ۳۴ سال از بزرگ‌ترین و پیچیده‌ترین بحران‌ها عبور کرده است نمی‌تواند این تهدید را تبدیل به فرصت کند؟ گفتمان انقلاب که توانسته جنگ ۸ ساله تحمیلی را (که یک جنگ جهانی بود) اداره کند؛ نمی‌تواند در تولید با این کشورها رقابت کند؟

۴- این مهم آن‌گاه میسر می‌شود که تحلیل عینی و صحیحی از وضعیت موجود ارائه شود؛ ما در طول ۳۴ سال گذشته دچار تحریم بوده‌ایم اما امروزه تحریم با عملیاتی کردن طرح هدفمندی همراه شده است؛ طرحی که معنای آن، آزادسازی قیمت‌ها با هدف کنترل مصرف مردم بوده است.

باید اذعان کرد که این طرح بر اساس تحلیل کارشناسانه و خرد جمعی «اجرا» نشده است؛ چون در آن، به مقوله مهمی بنام «تورم انتظاراتی» بعنوان واقعیتی که

مخصوص کشور ایران است، توجه نشده است و لذا با افزایش شدید قیمت‌ها به تبع افزایش قیمت ارز روبرو هستیم.

۵- تورم در دیگر کشورها از قبیل «تغییرات جزئی قیمت در همه سیستم‌های اقتصادی» است که با «کنترل نقدینگی و تسلط بر مکانیزم عرضه و تقاضا» قابل حل است اما تورم انتظاراتی و جهش قیمت‌ها از این سنخ نیست و بهترین شاهد آن، وجدان عمومی مردم و گزارش لحظه به لحظه رسانه‌ها نسبت به قیمت سکه و ارز است که باعث التهاب در قیمت‌ها می‌شود؛ همچنان که کوچکترین اظهار نظر درباره موضوعات مختلف اقتصادی مانند ارز مرجع و ... تغییرات سریع قیمت‌ها را بدنبال دارد. آمار نیز نشان می‌دهد در طول همه سی و چند سال گذشته برخلاف اصول اولیه علم اقتصاد و به کرات، رابطه معکوسی بین نرخ نقدینگی و نرخ تورم در کشور ایران شکل گرفته است.

۶- به دلائل فوق - که وجدان عمومی مردم نیز آن را تایید می‌کند- نمی‌توان مشکل این نوع خاص از تورم در ایران را به «نقدینگی» بازگرداند و الا با تکرار این تحلیل همانند دولت‌های گذشته، مشکل معیشتی مردم حل نخواهد شد.

۷- مگر دولت‌ها به خصوص دولت سازندگی و اصلاحات، مشکل تورم را به نقدینگی باز نمی‌گرداندند و مگر به راه حل‌های متداول و معمول جهان برای حل آن عمل نمی‌کردند؟ پس چرا در آن دولت‌ها هم، تورم در نرخ‌های بالا باقی ماند؟ آیا افزایش هفتگی قیمت‌ها در آن دوران و اکنون را هم می‌توان به نقدینگی مرتبط کرد؛ درحالی‌که تاثیرات نقدینگی ابدًا به این سرعت جریان نمی‌یابد؟

۸- اگر بالاترین ظرفیت‌های کارشناسی اقتصادی نظام سرمایه‌داری هم در ایران به قدرت برسند، نخواهند توانست این نوع خاص از تورم در ایران را کنترل کنند. انقلاب اسلامی با شعار بحق عدالت، آنچنان الگوی مصرف طبقاتی مربوط به نظام سرمایه‌داری را شکسته است که هیچ فرمولی از آن نوع اقتصاد نمی‌تواند این چالش را حل کند؛ اما با توکل به امداد خداوند متعال و با تکیه به گفتمان انقلاب و رهنمودهای رهبری و معارف حقه دینی و تحلیل‌های انقلابی به سوی راه حل جدیدی برای این مشکل حرکت خواهیم کرد.

۹- باید تدبیر کرد و به جای رفتن به سمت راه‌حلهای مشترک با اقتصاد سرمایه‌داری (که بزرگترین دلیل بر غلط‌بودن آن همین حوادثی است که امروزه در اروپا و آمریکا وجود دارد) ساز و کار جدیدی بر اساس گفت‌وگو مقاومت طراحی کرد. ﴿۴﴾

۱۰- در صورت استفاده از این تحلیل در بررسی وضعیت موجود، گام اولیه برای رفع آن، در محدودسازی الگوی مصرف دولت و سازمانها و متوقف نمودن الگوی مصرف عمومی در سطح فعلی و تعریف جدیدی از رفاه در تناسب با فرهنگ مقاومت تجلی می‌یابد ﴿۵﴾ و در گام دوم، تغییر در الگوی تولید با جهت‌گیری «استقلال» در آن از طریق توجه به تکنولوژی «متوسط یا ساده، بادوام و فراگیر» مورد ملاحظه قرار می‌گیرد.

۱۱- باید توجه داشت در الگوی اقتصاد مقاومتی، نه به دنبال مدل‌های ریاضتی برای مردم هستیم (چون خلاف عدالت اسلامی است) و نه مصرف‌گرایی بی‌قید و شرط!

۱۲- از دیگر ارکان اقتصاد مقاومتی کاهش وابستگی به نفت است که یکی از راه‌های آن مردمی‌کردن اقتصاد یا همان سیاست‌های اصل ۴۴ می‌باشد. ﴿۶﴾ ﴿۷﴾

۱۳- در پایان باید توجه داشت که اقتصاد مقاومتی را نباید به شیوه‌های تزریقی اقتصادهای تحمیلی شرقی و غربی ترجمه کرد ﴿۸﴾ که الحمدلله نقشه و چارچوب کلی آن توسط متخصصین انقلابی و ایرانی‌مان طراحی شده‌است و برای طراحی‌های بعدی عزم ملی تمامی نخبگان و دانشمندان انقلابی ضرورت دارد.

مستندات از فرمایشات رهبری معظم:

۱. ما چند سال پیش «اقتصاد مقاومتی» را مطرح کردیم. همه‌ی کسانی که ناظر مسائل گوناگون بودند، می‌توانستند حدس بزنند که هدف دشمن، فشار اقتصادی بر کشور است. معلوم بود و طراحی‌ها نشان میداد که اینها می‌خواهند بر روی اقتصاد کشور متمرکز شوند. اقتصاد کشور ما برای آنها نقطه‌ی مهمی است. هدف دشمن این بود که بر روی اقتصاد متمرکز شود، به رشد ملی لطمه بزند، به اشتغال لطمه بزند، طبعاً رفاه ملی دچار اختلال و خطر شود، مردم دچار مشکل شوند، دلزده بشوند، از نظام اسلامی جدا شوند؛ هدف فشار اقتصادی دشمن این است، و این محسوس بود؛ این را انسان می‌توانست مشاهده کند. (دیدار کارگزاران نظام ۹۱/۵/۳)
۲. ما باید هر کدام نقش خودمان را بشناسیم و آن را ایفاء کنیم. یکی از بخشهای ما، اقتصاد است و خاصیت اقتصاد در یک چنین شرائطی، اقتصاد مقاومتی است؛ یعنی اقتصادی که همراه باشد با مقاومت در مقابل کارشکنی دشمن، خباثت دشمن؛ دشمنانی که ما داریم. (دیدار جمعی از پژوهشگران و مسئولان شرکت‌های دانش‌بنیان ۹۱/۵/۸)
۳. هدف آنها از این تحریم‌ها این بود که ملت را در راه خودشان مردد کنند؛ بین ملت ایران و نظام اسلامی جدائی بیندازند؛ مردم را دلسرد کنند، ناامید کنند. (حرم مطهر رضوی ۹۲/۱/۱)
۴. بزرگترین دلیل بر غلط بودن اقتصاد به اصطلاح لیبرال همین حوادثی است که امروز در اروپا و به شکل دیگری در آمریکا وجود دارد. در میدان عمل و در عرصه‌ی تجربه، اقتصاد سرمایه‌داری نشان داد که غلط است، ناکام است. (دیدار کارگران و فعالان بخش تولید کشور ۹۱/۲/۷)
۵. مسئله‌ی مدیریت مصرف، یکی از ارکان اقتصاد مقاومتی است؛ یعنی مصرف متعادل و پرهیز از اسراف و تبذیر. هم دستگاه‌های دولتی، هم دستگاه‌های غیر دولتی، هم آحاد مردم و خانواده‌ها باید به این مسئله توجه کنند؛ که این واقعاً جهاد است. امروز پرهیز از اسراف و ملاحظه‌ی تعادل در مصرف، بلاشک در مقابل دشمن یک حرکت جهادی است؛ انسان می‌تواند ادعا کند که این اجر جهاد فی سبیل‌الله را دارد. (دیدار کارگزاران نظام ۹۱/۵/۳)
۶. البته اقتصاد مقاومتی الزاماتی دارد. مردمی کردن اقتصاد، جزو الزامات اقتصاد مقاومتی است. این سیاست‌های اصل ۴۴ که اعلام شد، میتواند یک تحول به وجود بیاورد و این کار باید انجام بگیرد. (دیدار کارگزاران نظام ۹۱/۵/۳)

۷. کاهش وابستگی به نفت یکی دیگر از الزامات اقتصاد مقاومتی است. این وابستگی، میراث شوم صد ساله‌ی ماست. ما اگر بتوانیم از همین فرصت که امروز وجود دارد، استفاده کنیم و تلاش کنیم نفت را با فعالیتهای اقتصادی درآمدزای دیگری جایگزین کنیم، بزرگترین حرکت مهم را در زمینه‌ی اقتصاد انجام داده‌ایم. امروز صنایع دانش‌بنیان از جمله‌ی کارهایی است که میتواند این خلأ را تا میزان زیادی پر کند. ظرفیتهای گوناگونی در کشور وجود دارد که میتواند این خلأ را پر کند. همت را بر این بگذاریم؛ برویم به سمت این که هرچه ممکن است، وابستگی خودمان را کم کنیم. (دیدار کارگزاران نظام ۹۱/۵/۳)

۸. اعتماد کردن به شیوه‌های تزیقی اقتصادهای تحمیلی شرق و غرب، مضر است. (دیدار کارگران و فعالان بخش تولید کشور ۹۱/۲/۷)

رویکرد قاعده‌مند به گفتمان انقلاب

در بخش

اقتصادی

جزوه دوم:

۱. بررسی علت تورم در ۳۴ سال گذشته

۲. لوازمات اقتصاد مقاومتی

برگرفته از اندیشه علامه سیدمنیرالدین حسینی الهاشمی

سرپرست پژوهش: حجت الاسلام والمسلمین مسعود صدوق
تدوین: گروه مدل حسینیہ اندیشه
کارشناسان تدوین: حجج اسلام روح الله صدوق، محمدصادق حیدری و احمد زیبایی نژاد
کنترل نهایی: حجت الاسلام احمد زیبایی نژاد

۰۹۱۲۷۵۰۲۹۹۴ - ۰۹۱۲۷۵۳۸۴۶۹

حسینیہ اندیشه

فهرست مندرجات

بخش اول: تحلیل آکادمیک از رفتار گذشته اقتصاد ایران..... ۳

۱. قرار گرفتن «توزیع» به عنوان قطب توسعه به مثابه‌ی رابطه غیرعلمی در دوران قبل

از انقلاب..... ۳

۲. قرار گرفتن «توزیع» به عنوان قطب توسعه، به دلیل تغییر «تعریف فقر» در زمان

حاکمیت الگوی اقتصاد شرقی بر اقتصاد ایران..... ۴

۳. قرار گرفتن «توزیع» به عنوان قطب توسعه، به دلیل چالش بین «متغیر کار» با «متغیر

سود و سرمایه» در دوران بعد از جنگ..... ۵

۴. قرار گرفتن «توزیع» به عنوان قطب توسعه، علی‌رغم اتخاذ استراتژی «توسعه‌ی

همه‌جانبه» در دولت اصلاحات برای حذف «عدالت اقتصادی»..... ۶

۵. قرار گرفتن «توزیع» به عنوان قطب توسعه، به علت «تئوریزه نشدن» عدالت

اقتصادی در دولت نهم و دهم..... ۷

بخش دوم: نگاه آکادمیک به آینده اقتصاد ایران..... ۹

۱. «اقتصاد مقاومتی»، تنها راه برون‌رفت از چالش‌های درازمدت نظام اقتصاد

جمهوری اسلامی..... ۹

۲. اهمّ سیاستهای پیشنهادی برای اقتصاد مقاومتی..... ۹

بخش اول: تحلیل آکادمیک از رفتار گذشته اقتصاد ایران

۱. قرار گرفتن «توزیع» به عنوان قطب توسعه به مثابه‌ی رابطه غیرعلمی در دوران قبل از

انقلاب

بکارگیری نظام اقتصاد غربی در کشور ایران در دوران پهلوی به این جا منتهی شد که «توزیع» قطب توسعه قرار گرفت و پس از آن که قیمت نفت در جهان افزایش یافت، نظام سلطنتی پهلوی با اتخاذ سیاست‌های ذیل، به تثبیت امر فوق پرداخت:

۱- تجربه مصرف انبوه در ایران برای اولین بار از طریق واردات کالاهای صنعتی امریکایی و اروپایی و تشویق بازار ایران برای گرفتن امتیاز و نمایندگی کالاهای خارجی و فروش کالاها به مردم به صورت اقساطی

۲- افزایش قدرت خرید کارکنان دولت از طریق تغییر در الگوی درآمد آنها

۳- وارد کردن بعضی صنایع به کشور به صورت مونتاژ از جمله صنعت خودرو

بنابراین در عمل، بخش «توزیع» به جای بخش «تولید» در اقتصاد کشور به عنوان «قطب توسعه» نهادینه شد؛ یعنی اقتصاد در ایران به صورت بیمارگونه وارد شد. این امر با حاکم کردن «الگوهای درآمد اقتصاد غربی» عملاً فاصله طبقاتی را بر یک ملت تحمیل می‌نماید و از طرف دیگر انتظارات مؤثر اجتماعی را به وسیله قواعد مادی کنترل می‌نماید و ثبات نسبی قیمت‌ها را بر اساس «مکانیزم عرضه و تقاضا» بر بازار حاکم می‌نماید.

بر این اساس قیمت هر دلار در مقابل ۶ تومان قبل از انقلاب، به معنای توازن الگوی «توزیع» درآمد منابع نفتی در مقابل الگوی «تولید» نظام اقتصاد بین‌الملل بود که این امر در علم اقتصاد یک رابطه منطقی محسوب نمی‌شود زیرا رابطه منطقی در توازن ارزی، به معنای توازن «نظام تولیدی کشورها» در رقابت سالم با «نظام تولید در منطقه و جامعه اقتصاد بین‌الملل» است.

۲. قرار گرفتن «توزیع» به عنوان قطب توسعه، به دلیل تغییر «تعریف فقر» در زمان حاکمیت

الگوی اقتصاد شرقی بر اقتصاد ایران

بعد از انقلاب اسلامی با هجوم همه جانبه نظام استکبار و دولت‌های مرتجع منطقه برای براندازی نظام جمهوری اسلامی عملاً شرایط اقتصاد ایران با بحران جدی و عدم امنیت مواجه شد. در واقع سیاست‌های خصمانه اقتصادی اعمال شده بر رفتار اقتصادی نظام جمهوری اسلامی از جمله:

- ۱- تحریم‌ها ۲- بلوکه کردن ذخایر ارزی ایران در بانک‌های امریکایی ۳- لغو تعهدات امضا شده در زمان دولت پهلوی به طور یک جانبه ۴- تخریب نظامی مراکز صنعتی ایران و... هزینه‌های بسیاری را به اقتصاد ایران تحمیل نمود و موازنه ارزی ریال در مقابل دلار امریکا را به یک دهم کاهش داد و این همه در حالی بود که سیاست‌های اقتصادی تدوین شده در قانون اساسی نظام جمهوری اسلامی نیز - که بر اساس ارزش‌های دینی ترسیم شده بود- به اجرا گذاشته شده بود و همچنین نظام اقتصادی به ارث رسیده از زمان شاه، یک نظام اقتصادی معلول و بیمار بود.

در این میان و به دلیل شرایط به وجود آمده توسط نظام استکبار و سازمان‌های جهانی و بین‌المللی، اولاً رویکرد «مهندسی نظام اقتصادی کشور» به سمت «اقتصاد دولتی و کارشناسی شرقی» سوق پیدا کرد و ثانیاً به دلیل مکتبی بودن نظام جمهوری اسلامی، شعار «عدالت اقتصادی» در رأس تصمیمات نظام قرار گرفت و «تعریف فقر» در نظام تغییر کرد. در واقع عملکردهایی مانند ۱- واگذاری زمین به صورت مجانی و ارائه تیر آهن و سیمان و بعضی لوازم ساختمانی دیگر به قیمت دولتی یعنی ارز ۶۰ تومانی به مردم ۲- تغییر در الگوی درآمد مسؤولین نظام از جمله هیئت وزیران و نمایندگان مجلس از ۷۰ هزار تومان به ۷ هزار تومان ۳- واگذاری لوازم خانگی صنعتی به زوج‌های جوان بر اساس دفترچه‌های ازدواج به قیمت دولتی ۴- وارد کردن کالاهای اساسی با ارز ۶۰ تومانی و توزیع آن بین مردم، عملاً قدرت خرید مردم از ساختارها و «الگوهای اقتصاد سرمایه‌داری قبل از انقلاب» به «الگوی درآمدی یک نظام انقلابی» تغییر جهت داد. به عبارت دقیق‌تر تغییر جهت در «تقاضای مؤثر اجتماعی» عملاً توازن در مکانیزم عرضه و تقاضا را مختل کرد و اقتصاد نظام را به سمت واردات بیشتر کالا سوق داد و درآمد ملی و ذخایر ارزی کشور به جای آن که به عنوان پس‌انداز و پشتوانه بخش تولید قرار گیرد، هزینه «انتظارت مردم انقلابی» در نظام شد. از این رو «توازن ارزی نظام» در مقابل «اقتصاد منطقه و بین‌الملل» به هم خورد و قدرت پول ملی کشور کاهش یافت. این روند تا پایان دولت مهندس میرحسین موسوی ادامه یافت و به همین دلیل قیمت دلار در بازار آزاد به ۳۰۰ تومان رسید. در عین حال ارز نیز چند نرخی شد و کالاهای اساسی با دلار ۱۵۰ تومان وارد کشور می‌شد.

۳. قرار گرفتن «توزیع» به عنوان قطب توسعه، به دلیل چالش بین «متغیر کار» با «متغیر سود و

سرمایه» در دوران بعد از جنگ

بعد از پایان جنگ در دولت سازندگی، جناب آقای هاشمی رفسنجانی رویکرد مدیریت اقتصاد کشور را از کارشناسی شرقی به کارشناسی غربی تغییر جهت داد و تمامی آرمان‌های عدالت‌خواهانه نظام به ادبیات جدید اقتصاد غربی ترجمه شد و معادلات و الگوهای رفتاری اقتصاد سرمایه‌داری بر شئون نظام حاکم گردید. دستمزد مدیران و متخصصین شرکت‌ها و بالتبع دستمزد کارگر فنی و کارگر ساده در نظام تغییر یافت و انگیزش‌های رفتار اقتصادی نظام با طبقه‌بندی سطوح درآمدها در نظام به صورت مادی ارتقاء یافت. آثار اولیه این امر در سازمان امور استخدامی کشور و تغییر جزئی در حقوق کارمندان دولت بروز کرد و جبران بقیه هزینه‌های مستخدمین دولت از طریق سیاست خودگردانی وزارتخانه‌ها تأمین شد که این رویه، «رشوه» را در ساختار اداری کشور نهادینه کرد و فساد اداری به عنوان اولین چالش این رویکرد سربرآورد.

از سوی دیگر برای ساماندهی بخش «توزیع»، سیاست راه‌اندازی فروشگاه‌های زنجیره‌ای برای کنترل نظام توزیع کشور به صورت هماهنگ با مهندسی نظام تولید طراحی شد، اما با مقاومت خرده‌فروشان خویش‌فرما و جلب مشتری از طریق اخلاق مشتری‌مداری به بن‌بست رسید. آثار اولیه این امر، تبعیت دستمزد کارگر از «گستاخی انقلابی» به جای «الگوی درآمدی نظام تولید سرمایه‌داری» بود که در رفتار اقتصادی، سیستم تولید غربی را در متغیر «سود سرمایه» به چالش و بن‌بست می‌رساند و جهش قیمت‌ها را گاه به نفع «سود سرمایه» و گاه به نفع «قیمت کار» رقم می‌زد.

از این رو مکانیزم عرضه و تقاضا، رفتار قاعده‌مند و متداول را نداشت و با بالا رفتن تقاضای مؤثر اجتماعی، شاهد بحران در نظام عرضه و جهش قیمت‌ها بودیم. در این میان، نظام برای کنترل مکانیزم عرضه و تقاضا ناچار به سنگین‌تر کردن کفه واردات در مقابل صادرات می‌شد که این مسأله، توازن ارزی را مختل می‌نمود و قیمت دلار را تا ۷۰۰ تومان افزایش داد و دولت را مجبور کرد تا با چند نرخ‌ی کردن قیمت ارز، در نظام بازار دخالت کند و به کنترل نسبی قیمت‌ها بپردازد. به همین دلایل، «تولید» نتوانست به قطب توسعه مبدل گردد و «توزیع» کماکان به عنوان قطب توسعه خود را بر بخش تولید تحمیل کرد و رونق بازار در بخش توزیع، جمعیت کشور را به سمت سودهای بادآورده در بخش خدمات کشاند. در آن دوران، این مقوله «نقدینگی» بود که به عنوان علت تورم و گرانی توسط اقتصاددانان معرفی می‌شد، اما این تحلیل نیز اشتباه بزرگ دیگری بود که نشان می‌داد متغیرهای مهمی از وضعیت اقتصادی کشور از چشم آنان پوشیده مانده است. زیرا یا مردم به دلیل

عدم امنیت در بخش تولید داخلی، با فروش خانه و اموال خود و گذاشتن سرمایه‌های خود در بانکها به سیستم مالی کشور کمک می‌نمودند و یا به علت دسترسی آسان مردم به سودهای زودرس در بخش توزیع، همگان به تجارت برای تأمین هزینه‌های زندگی مبادرت می‌کردند.

۴. قرارگرفتن «توزیع» به‌عنوان قطب توسعه، علی‌رغم اتخاذ استراتژی «توسعه‌ی همه‌جانبه» در دولت اصلاحات برای حذف «عدالت اقتصادی»

این روند در دولت آقای خاتمی ادامه یافت اما استفاده از رویکرد اقتصاد غربی از منزلت ادبیات توسعه در برنامه‌های توسعه سوم و چهارم به رویکرد «توسعه‌ی همه‌جانبه» مبدل شد و بر این اساس بود که برنامه چهارم توسعه از طرف کارشناسان به‌گونه‌ای تدوین و ارائه گردید که نتیجه طبیعی آن، موکول کردن تحقق شعارهای انقلاب یعنی عدالت اقتصادی به زمان‌های دوردست بود. بر همین اساس، ایده حذف یارانه‌ها در مقابل شعارهای عدالت‌خواهانه نظام یکی از مسایلی بود که از طرف دانشمندان علم اقتصاد مطرح و بر این طرح به دلیل ضرورت قرار دادن ذخایر ارزی به‌عنوان پشتوانه‌ای برای بخش تولید تأکید می‌شد، علاوه بر آن که شعار ارتباط با امریکا برای ایجاد فضای امنیت اقتصادی و توسعه رفاه و آزادی‌های مدنی پررنگ‌تر شد، غافل از این‌که رفتار اقتصادی مردم در مقابله با «الگوی درآمد طبقاتی اقتصاد سرمایه‌داری» هم‌چنان تداوم می‌یافت و به همین دلیل هیچ یک از برنامه‌های مربوط به اقتصاد جدید در راستای «خصوصی‌سازی و توسعه سیاسی» مورد پذیرش مردم قرار نگرفت و هم‌چنان رفتار اقتصادی مردم و انتظارات ایجاد شده از طرف انقلاب، روزمرگی را بر طرح ساماندهی اقتصادی دولت آقای خاتمی تحمیل کرد و نظام تولید به روند گذشته خود در تبعیت از متغیر اصلی قطب توسعه در ایران یعنی «توزیع» ادامه داد.

در واقع برنامه‌های توصیه شده به کشورهای در حال توسعه از جمله ایران برای ساماندهی رفتار اقتصادی مردم در چهارچوب اقتصاد جهانی جهت وابستگی بیشتر اقتصاد جمهوری اسلامی به اقتصاد منطقه و اقتصاد بین‌الملل و ورود به تقسیم کار جهانی به بن‌بست رسید و کماکان الگوی درآمد مردم از شعارهای انقلاب تبعیت کرده و از طریق «تقاضای مؤثر اجتماعی»، جهش قیمت‌ها و تورم حاکم بر مکانیزم عرضه و تقاضا در بازار ادامه یافت و تزریق ارز دولتی به بخش صادرات و واردات و فشار چند نرخی بودن قیمت ارز بر سیاست‌های صادرات و واردات نیز تداوم پیدا کرد.

۵. قرار گرفتن «توزیع» به عنوان قطب توسعه، به علت «تئوریزه نشدن» عدالت اقتصادی در

دولت نهم و دهم

با روی کار آمدن دولت نهم و تغییر جهت به سوی پررنگ‌تر کردن شعارهای انقلاب و ارزشهای مکتبی و انقلابی نظام جمهوری اسلامی، بار دیگر سیاست‌های اقتصادی نظام جمهوری اسلامی به سمت عدالت در رفاه برای همه سوق داده شد. با افزایش قیمت نفت تا مرز ۱۵۰ دلار و تقویت ذخایر ارزی، برنامه‌ریزی «توسعه خدمات به عموم مردم» بدون توجه به «ثروت‌زائی» طرح‌ها در دستور کار دولت قرار گرفت و ظرفیت رفاه عمومی نیز ارتقاء یافت. از جمله این سیاست‌ها توجه به مستضعفین و بازنشستگان، توسعه صنعت و اشتغال برای استان‌های محروم، بیمه روستایی، توسعه خدمات درمانی و به ویژه راه‌اندازی مسکن مهر است که از رویکردهای عدالت‌خواهانه دولت نهم و دهم نشأت می‌گیرد. بر این اساس رسیدگی به زندگی روزمره مردم بیشتر از انگیزش‌های تولیدی در رفتار اقتصادی نظام مورد توجه دولت قرار گرفت و از این رو سودآوری بخش توزیع یعنی تجارت به عنوان متغیر اصلی رفتار نظام اقتصاد جمهوری اسلامی هم‌چنان به جای «ثروت‌افزایی توسط بخش تولید» حفظ شد. اما برای تغییر رویکرد فوق و «متغیر اصلی قرار گرفتن بخش تولید»، آزادسازی قیمت‌ها از طریق طرح «ساماندهی یارانه‌ها»، به عنوان اولین گام در بهینه‌سازی رفتار اقتصادی جمهوری اسلامی پیشنهاد گردید.

این جراحی بزرگ، رفتار نظام اقتصادی جمهوری اسلامی را در موازنه با قدرت‌های اقتصادی منطقه، بین‌الملل و جهان قرار می‌داد که به این مهم توجه نشد و راه‌حل ارائه شده به جای «تحلیل از موازنه ارزی نظام مالی کشور» در مقابل قدرت‌های اقتصاد جهانی، بین‌المللی و منطقه‌ای، به «آزادسازی‌های قیمت کالاهای استراتژیک» معطوف گردید و البته بعد از مرحله اول آزادسازی قیمت چند کالای استراتژیک، ادامه طرح نیز متوقف شده است و بحران به نقطه اصلی خود یعنی به تحلیل از نظام موازنه ارزی با نظام مالی کشور کشیده شده است. در واقع عدم توجه به این مهم مجدداً ذخایر ارزی دولت (یعنی ارز حاصل از فروش نفت) را به پشتوانه صادرات و واردات تبدیل می‌کند و طرح ساماندهی یارانه‌ها را به بن‌بست می‌کشاند. به همین دلیل است که ثبات نسبی قیمت‌ها به «انفجار قیمت‌ها» تبدیل شده و قدرت خرید مردم به یک سوم تنزل یافته به طوری که اثر پرداخت یارانه‌های نقدی را نیز کم‌رنگ کرده است. دولت باید بداند که آزادسازی قیمت‌ها به معنای تعریف «مهندسی الگوی رفاه یک ملت در موازنه با سطح رفاه کشورهای توسعه‌یافته» است در حالی که کشورهای توسعه‌یافته برای مهندسی کشورهای «در حال توسعه» گام‌های برنامه‌ای مدونی را توصیه

می‌کنند که تخطی از هر کدام، خسارات زیادی به بار می‌آورد. البته در رأس این برنامه‌ها، «امنیت برای ثروت‌افزایی» بر اساس معادلات اقتصاد غربی است که همه هویت انقلاب را به چالش می‌کشد و از این روست که رهبران نظام در چند سال اخیر برای برون‌رفت از این چالش، مهندسی «اقتصاد مقاومتی» را پیشنهاد می‌دهند؛ امری که قرائت اقتصاددانان کشور هم از آن به بیراهه رفته است.

به نظر ما «تعمیم رفاه جهانی» برای مهندسی رفتار اقتصادی جمهوری اسلامی همراه با شعار «عدالت اقتصادی» چیزی به جز سقوط نظام مالی کشور و پذیرش بدترین بحران اقتصادی برای نظام را به ارمغان نمی‌آورد. در ۳۰ سال گذشته ورود «ظرفیت رفاه جهانی» در «رفتار اقتصادی جمهوری اسلامی» به صورت حداقلی و در سطح روزمرگی بوده است اما با جراحی بزرگ مانند طرح ساماندهی یارانه‌ها این امر به معنای قرار دادن «سرعت رفتار اقتصاد ملی» در مقابل «سرعت رفتار اقتصاد منطقه و بین‌الملل» بوده که نظام را با چالش‌های سیاسی و فرهنگی نیز روبه‌رو خواهد کرد.

حقیقی شدن نظام موازنه ارزی (هر دلار در برابر حدود ۲۵۰۰ تومان) به معنای فاصله «سطح رفاه درون نظام» از «سطح رفاه در آمریکا» است که تقاضای مؤثر اجتماعی نسبت به آن، نتیجه‌ای جز هدایت نظام اقتصاد جمهوری اسلامی به سمت آرمان‌ها و اهداف نظام اقتصاد جهانی و رفاه تعریف شده در منطق مدرنیته نخواهد داشت. از این رو ضرورت مهندسی اقتصاد مقاومتی بر اساس «مبانی دینی و قانون اساسی» - که اقتصاد را وسیله می‌داند- بیشتر روشن می‌شود. در غیر این صورت روزمرگی گذشته در رفتار اقتصادی نظام جمهوری اسلامی با تنش‌های تندتر حاکم و بارز می‌گردد.

بسیار طبیعی است که اقتصاد سرمایه‌داری نتواند انگیزه‌های انقلابی و مذهبی ملت‌ها را به عنوان پشتوانه بخش تولید شناسایی و هدایت نماید و لذا روزمرگی در اداره نظام اقتصاد جمهوری اسلامی به عللی مانند «عدم آگاهی مسئولین به روابط اقتصاد علمی» یا «سستی و کوتاهی در تدبیر مدیران» و یا «نشناختن فرصت‌ها و مزیت‌های نسبی» و یا «برخورد سلیقه‌ای با مقوله‌های دانش اقتصاد یا برنامه‌ریزی» باز نمی‌گردد، بلکه چالش بین «فرهنگ مقاومت انقلابی» با «مهندسی علمی اقتصاد» علت اساسی این روزمرگی است و این چالش، زمانی از بین خواهد رفت که فرهنگ مقاومت در عرصه سیاسی، امنیتی و نظامی به «مهندسی اقتصاد مقاومتی» منتهی شود.

بخش دوم: نگاه آکادمیک به آینده اقتصاد ایران

۱. «اقتصاد مقاومتی»، تنها راه برون‌رفت از چالش‌های درازمدت نظام اقتصاد جمهوری اسلامی

بر این اساس ساماندهی نظام اقتصاد جمهوری اسلامی در ثروت‌افزایی، باید متکی به انگیزه‌های انقلابی و مذهبی باشد و از راه و رسم معادلات «انگیزش‌های مادی» فاصله بگیرد و مهندسی اقتصاد جمهوری اسلامی باید از اقتصاد منطقه و تقسیم کار اقتصاد جهانی مستقل شود. در واقع تعامل اقتصاد جمهوری اسلامی با خارج از مرزها باید بر اساس «صدور شعار عدالت اقتصادی» شکل بگیرد که این امر منوط به طراحی جدید در سیاست‌های داخلی نظام اقتصادی است.

۲. اهمّ سیاست‌های پیشنهادی برای اقتصاد مقاومتی

۱. تغییر جهت بافت واردات و صادرات نظام بر اساس تعریف جدید از «توسعه‌ی رفاه عدالت‌محور» برای کاهش فشار اقتصاد جهانی بر اقتصاد مردمی ایران در نظام موازنه ارزی.

۲. استقلال از سرمایه‌گذاری خارجی در مهندسی بخش تولید از طریق تغییر جهت در مدل «ثروت‌افزایی بخش تولید» از تکنولوژی برتر به تکنولوژی متوسط، هم‌زمان با توقف الگوی مصرف عمومی در حد رفاه فعلی علی‌رغم ضرورت دستیابی به بالاترین سطح تکنولوژی برای تأمین نیازهای حاکمیتی (رهبری) نظام.

۳. ساماندهی سرمایه‌گذاری داخلی در بخش تعاونی با انگیزه‌های توسعه «وقف» و کاهش سهم بخش خصوصی در سرنوشت اقتصاد نظام از طریق اهتمام به حضور انگیزش‌های بخش دولتی با الگوی درآمد انقلابی و مذهبی.

۴. آغاز حل مشکل اشتغال با استفاده از دوران سربازی جوانان از طریق آموزش رایگان فنی حرفه‌ای و توسعه کارگاه‌های فنی حرفه‌ای با مشارکت دادن جوانان در سود کارگاه‌ها و تأمین هزینه ازدواج آنان در این دوران از طریق قرض‌الحسنه.

۵. ایجاد پشتوانه جدید برای پول ملی از طریق حمایت از توسعه «خیرات» در نظام اقتصادی و توسعه اشتغال در بخش «اوقاف» به عنوان جایگزینی برای تولید ناخالص ملی و فاصله گرفتن از توازن ارزی در مقابل دلار.
۶. تغییر سیاست‌های مالی نظام براساس جهت‌دهی نقدینگی به سمت نیازمندی‌های داخل کشور برای ارتقاء ظرفیت عرضه کالاها در جهت تعادل در مکانیزم عرضه و تقاضا و کاهش قیمت کالاها.
۷. تغییر در سیاست‌های صادراتی کشور برای تأمین نیازمندی‌های امت اسلامی و تغییر در رفتار اقتصادی امت اسلامی.
۸. تغییر در سیاست‌های وارداتی کشور برای تأمین نیازمندی‌های داخل در راستای تقویت بنیه اقتصاد نظام جمهوری اسلامی و اقتصاد امت اسلامی.
۹. تغییر سیاست‌های ارزی نظام برای تقویت بخش تولید داخل با تعریف جدید و راهبردهای جدید آن.
۱۰. تغییر الگوی مصرف یکسان به الگوی بومی برای استان‌ها در تأمین نیازمندی‌های مادی خود.
۱۱. استقلال استان‌ها از مرکز برای تأمین نیازمندی‌های مادی و تشویق به خودکفایی استان‌ها از طریق تعامل با استان‌های هم‌جوار.
۱۲. تغییر سیاست‌های جمعیتی کشور از تمرکز جمعیت در کلان‌شهرها به شهرهای کوچک و روستاها با اولویت دادن به بخش کشاورزی نسبت به صنعت و خدمات.
۱۳. تدوین استراتژی نوین صنعت با رویکرد جدید در الگوی تولید از طریق عزم ملی در نخبگان و هدایت پایان‌نامه‌های دکترا.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

رویگرد قاعده‌مند به

گفتمان انقلاب

در یازدهمین دوره انتخابات

ریاست جمهوری

نظام مبارک جمهوری اسلامی

کتاب دوم

پاسخ به سوالات صدا و سیما

برگرفته از اندیشه علامه سیدمنیرالدین حسینی الهاشمی

برگرفته از اندیشه علامه سیدمنیرالدین حسینی الهاشمی

سرپرست پژوهش: حجت الاسلام والمسلمین مسعود صدوق

تدوین: گروه مدل حسینیه اندیشه

کارشناسان تدوین: حجج اسلام محمدصادق حیدری، احمد زیبایی نژاد و روح الله صدوق

کنترل نهایی: حجت الاسلام احمد زیبایی نژاد

تاریخ تدوین: خردادماه ۱۳۹۲

حسینیه اندیشه

۰۹۱۲۷۵۰۲۹۹۴ - ۹۱۹۲۵۳۸۶۹

فهرست مندرجات

۱. حرف اصلی نامزد محترم در «سیاست، فرهنگ، هنر، زنان و ورزش»
۲. پنج پیام «سه دقیقه‌ای» نامزد محترم در عرصه‌ی «فرهنگ، اقتصاد و سلامت»
۳. پاسخ به سؤالات گفتگوی ویژه خبری در شبکه دوم سیما
۴. پاسخ به سؤالات جوانان در شبکه سوم سیما
۵. پاسخ به سؤالات کارشناسان سیاسی، فرهنگی و اقتصادی در شبکه چهارم سیما
۶. پاسخ به سؤالات سیاست داخلی و خارجی در شبکه خبر سیما
۷. پاسخ به سؤالات رادیو معارف
۵. پاسخ به سؤالات رادیو جوان
۶. پاسخ به سؤالات رادیو ورزش

حرف اصلی گفتمان انقلاب در موضوعات

الف. فرهنگ

ب. هنر

ج. زنان

د. ورزش

هـ. سیاست

به صورت اجمالی و کوتاه

بنام خدا

پروستی های مصاحبه اختصاصی با نامزدهای محترم یازدهمین دوره ریاست جمهوری

- ۱- محور اصلی برنامه اقتصادی شما و راه تحقق آن.
- ۲- مهمترین وعده اقتصادی شما و راه تحقق آن.
- ۳- حرف اصلی شما در عرصه سیاست داخلی و راه تحقق آن.
- ۴- حرف اصلی شما در عرصه سیاست خارجی و راه تحقق آن.
- ۵- حرف اصلی شما درباره جوانان و راه تحقق آن.
- ۶- حرف اصلی شما در حوزه فرهنگ و هنر و راه تحقق آن.
- ۷- حرف اصلی شما در حوزه ورزش و راه تحقق آن.
- ۸- حرف اصلی شما درباره زنان و راه تحقق آن.
- ۹- حرف اصلی شما درباره نخبگان و راه تحقق آن.
- ۱۰- اگر رئیس جمهور شوید ارتباط شما با مردم در چه حد و چگونه خواهد بود؟

حرف اصلی در موضوع فرهنگ

گذشته: بارزترین عملکرد سی‌ساله گفتمان انقلاب در بخش فرهنگ، ایجاد «روحیه مقاومت در

برابر استکبار جهانی و مظالم عالم»

برای آینده: ایجاد فرهنگ «تخصصی» مقاومت در تمامی عرصه‌ها و ساختارهای
نهادهای فرهنگی

راهکارهای پیشنهادی

۱. گام اول: راه‌اندازی مرکزی تحت اشراف رییس جمهور برای ایجاد گفتمانی در

آسیب‌شناسی و بهینه‌وضعیت نهادهای فرهنگی انقلابی

۲. گام دوم: بهینه‌سازی نهادهای فرهنگی موجود بر اساس گفتمان درگیری فرهنگ مقاومت با

فرهنگ مدرنیته

۳. گام سوم: حرکت به سمت تئوریزه‌نمودن گفتمان انقلاب جهت تولید عقلانیت تخصصی

متناسب با خود

حرف اصلی در هنر

(بر اساس بیانات رهبر انقلاب در دیدار جمعی از مسئولان و دست‌اندرکاران جشنواره‌ی مردمی عمار ۹۱/۱۲/۱)

۱. ضرورت سیاسی شدن هنر به معنای اثرپذیری از گفتمان انقلاب:

یکی از مسائل دروغی که در دنیا تبلیغ می‌شود، این است که می‌گویند هنر نباید با سیاست آمیخته شود، در حالی که مجموعه‌های هنری غرب، از جمله هالیوود، کاملاً سیاسی هستند و اگر این‌گونه نبود، چرا به فیلم‌های ضد صهیونیستی ایران اجازه‌ی حضور در جشنواره‌های سینمایی را نمی‌دهند؟

۲. تحلیل وضع موجود فضای هنر در کشور:

علوم انسانی هوای تنفسی مجموعه‌های نخبه‌ی کشور است که هدایت جامعه را بر عهده دارند. بنابراین آلوده یا پاک بودن این هوای تنفسی بسیار تعیین‌کننده است. رهبر انقلاب اسلامی مشکل علوم انسانی غربی را پایه‌های معرفتی غلط آن دانستند و تأکید کردند: اصلاح در علوم انسانی و تحول در سینما و تلویزیون بدون اصلاح پایه‌های معرفتی علوم انسانی غربی امکان‌پذیر نیست و اصلاح این پایه‌ها نیز در گرو ارتباط مؤثر با حوزه‌های علمیه و علمای دین است.

۳. برنامه برای آینده: ایجاد هنر گفتمان انقلاب

الف. در این عرصه جوان‌های مؤمن، باطراوت و شاداب و دارای نگاه نو و همت بلند، موتور محرک برای حرکت رو به جلو هستند و پیش‌کسوتان نیز باید با بیان تجربیات خود و تربیت نیروهای جدید و کارآمد، به این حرکت شتاب بیشتری ببخشند.

ب. ضرورت برنامه‌ریزی و تشکیل اتاق فکر برای حرکت جوانان و استعداد‌های جدید در عرصه‌ی هنر اسلامی و سینمای دینی، همچنین ورود افراد متدین و انقلابی و صاحب تخصص و تجربه به این عرصه

بسمه تعالی

حرف اصلی در بحث زنان

جمع‌بندی فرمایشات مقام معظم رهبری (دام‌ظله) در موضوع زنان، قابل ردیابی در چهار محور است:

الف. مادری به عنوان هویت اصلی زن

ب. ضرورت حضور انقلابی و مجاهدانه زنان در مجموعه حضور ملی (مثل مادران و همسران شهدا و جانبازان)

ج. ضرورت تعریف آکادمیک از خانواده به عنوان سلول اصلی جامعه

د. مطالبه‌ی تهاجمی حقوق زن از تمدن غربی و نیرنگ غرب در طرح مسأله‌ی زن بدون خانواده می‌باشد.

توضیح:

دولت گفتمان انقلاب باید توجه داشته باشد که اصلی‌ترین حرکت برای تحقق این فرمایشات، تحلیل صحیح از

«موانع عینی» گفتمان انقلاب درباره زنان و خانواده است و اتخاذ هر نوع سیاست اجرایی منوط به درک صحیح از

صورت مسأله است. همچنان که فقدان این مهم باعث شده تا عملکرد نظام برای حفظ کرامت زن به برخوردهای

حقوقی و قانونی (همانند مرخصی زنان باردار و شوهران آنها، مقید کردن ازدواج رسمی به شروط خاص برای

حفظ حقوق زن و ...) تنزل یابد و نتواند تغییر خاصی در وضع موجود پدید آورد.

به نظر ما مهمترین مانع عینی در مقابل تحقق گفتمان انقلاب در مسأله‌ی زن، یک مانع اقتصادی - و نه فرهنگی -

است که در ادراک کارشناسی موجود به این نحو بیان می‌شود:

زنان نیمی از جمعیت جامعه را تشکیل می‌دهند و نمی‌توان از این سرمایه عظیم نیروی کار در به گردش در آوردن چرخ اقتصاد سرمایه‌داری غفلت کرد و لذا زنان از طریق اشتغال باید در افزایش تولید ناخالص ملی مشارکت کنند.

ابتدائاً تصور می‌شود که اشتغال زنان و درآمد شخصی آنان باعث سرشکن شدن هزینه‌های زندگی و تسهیل و رونق ازدواج در جامعه ایران خواهد شد. اما این یک تصور غلط است. زیرا اولیت یافتن تولید ثروت ملی و تعریف زنان به نیروی کار مشارکت‌جو در افزایش تولید ناخالص ملی، «نقش مادری و تربیت فرزندان» عملاً به حاشیه رفته و عاطفه مادری و مدیریت حساسیت‌ها توسط مادر بر فرزندان اعمال نمی‌شود و نهادها و محیط‌های بیرونی مانند مهدهای کودک، مدارس، رسانه‌ها و محیط‌های ورزشی و تفریحی امر تربیت کودکان جامعه را به عهده می‌گیرند. اما عدم شناخت دقیق این نهادها و محیط‌ها از کودکان به دلیل عدم قرابت خونی و روحی و ... موجب ایجاد چالش‌هایی در جامعه خواهد شد که لاجرم مأموریت‌های خاصی را برای دولت‌ها رقم می‌زند.

به عبارت دیگر فقدان حضور همه جانبه مادر در خانه برای تربیت فرزند، هزینه‌های متعدد و سرسام‌آوری از قبیل هزینه ایجاد کانال‌های تلویزیونی برای سرگرم کردن کودکان، سوء تغذیه کودکان، افسردگی و اختلالات شخصیتی و عاطفی کودکان، ایجاد مهدهای کودک، ایجاد محیط‌های تفریحی، برقراری برنامه‌های فوق برنامه در مدارس و مراکز فرهنگی برای پرکردن اوقات فراغت، حمل و نقل کودکان و برای دولت‌ها پدید می‌آورد. همه‌ی این‌ها در صورتی است که تأثیر عوامل و عناصر ناسالم محیطی در انحراف و بزهکاری کودکان و نوجوانان و هزینه‌های اجتماعی و انتظامی و امنیتی آن را نادیده بگیریم.

شاید به حاشیه رفتن تربیت و صرف هزینه‌های کلان برای حل چالش‌های عمیق ناشی از آن در جامعه سرمایه‌داری اهمیت نداشته باشد اما این روند در گفتمان انقلاب که هویت اصلی زنان را به مادری و تربیت فرزند تعریف کند و خانواده را سلول اصلی جامعه معرفی می‌نماید، یک خسارت سنگین محسوب می‌گردد.

به بیان دقیق‌تر تعریف هویت زن به تحصیل و اشتغال در تمدن غربی، به ساختارهای عینی و همه‌جانبه‌ای تبدیل شده که ارتقاء جایگاه شخصیت و اعتبار اجتماعی برای زن را از طریق رشد در مراحل مختلف تحصیل و اشتغال فراهم نموده است و این مناسبات عملی، اساس هویت مادری زن را - که ساختاری برای جریان خود در جامعه ندارد - به انزوا کشانده و تعریف «ارزش» و «اعتبار» را در جامعه زنان از اساس تغییر داده است.

تمامی این مشکلات تازه در گروه‌هایی است که ازدواج را به عنوان یک رابطه رسمی و شرعی برای ادامه زندگی انتخاب کرده‌اند اما عقل اقتصادی به دلیل سنگینی هزینه‌های «رفاه» و تأمین الگوی مصرف غربی برای زوجه توسط شوهر، ازدواج را برای گروه‌هایی از مردم به عنوان امری غیر عقلایی معرفی می‌کند و لذا این بخش ترجیح می‌دهند با هزینه‌های بسیار پایین‌تر، نیاز عاطفی و جنسی خود را از طریق فحشاء و روابط غیر قاعده‌مند تأمین نمایند که آثار سوء آن در محیط شهروندی و اداری و ... خود هزینه‌های سنگین دیگری برای دولت و جامعه اسلامی رقم می‌زند.

حرف اصلی در موضوع ورزش

اولویت گفتمان انقلاب در عرصه ورزش به ترتیب ذیل است:

1. ورزش رزمی: به علت تناسب داشتن با فرهنگ مقاومت

2. ورزش همگانی: به ضرورت تبعات زندگی تمدن موجود (غربی)

ورزش همگانی بمثابه موتور محرک ورزش قهرمانی است.

مقام معظم رهبری در دیدار با اعضای جامعه ورزشی کشور

3. ورزش قهرمانی: مشروط به ایجاد عزت و آبرومندی برای ارزشهای انقلاب

(حجاب و سایر مظاهر اعتقادی اسلام)

مقام معظم رهبری در دیدار با اعضای جامعه ورزشی کشور

سیاست داخلی:

۱. قانون اساسی بمثابه مهمترین میثاق است که اسلام، معارف حقه الهیه و اصل مترقی ولایت فقیه را رکن نظام معرفی می‌نماید. مسئولان و مردم باید نگاه دینی حاکم بر قانون اساسی را بستر امتحانات خود بدانند و رئیس‌جمهور مکتبی باید وظایف خود را در راستای تحقق اسلام ناب هماهنگ با رهبری و آرمان‌های انقلاب و نظام انجام دهد.

۲. متأسفانه تا امروز، فصل‌الخطاب بودن رکن ولایت فقیه نسبت به منزلت سران قوا و بقیه‌ی مسئولین نظام، تنها در شرایط بحران معنا یافته است اما سفارشات رهبری، در ساختارهای نظام به صورت مداوم و قاعده مند محقق نشده است که علت آن، خلاء نرم‌افزاری یعنی فقدان «الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت» است و رفع این خلأ علمی، باعث مجهز شدن ساختارهای نظام به راهکاری علمی در جهت گفتمان انقلاب خواهد بود.

سیاست خارجی

۱. اولویت های فکری و مبنایی گفتمان انقلاب در سیاست خارجی، براساس اندیشه حضرت امام(ره) و مقام معظم رهبری(دام ظلله) شکل گرفته که برگرفته از ادبیات وحی و قرآن است و براین اساس صیانت از نظام جمهوری اسلامی و استقلال سیاسی نظام، به «استکبار ستیزی» آن وابسته است و در صورت تحقق این مهم است که می توان سیاست داخلی را براساس ایمان یک ملت، معماری نمود. از این رو وابستگی به شرق و غرب را نفی می کنیم و به دنبال صدور تئوری جدید «سیاست عین دیانت» به دنیای اسلام و تعامل با بقیه ی کشورهای جهان هستیم و در برابر قطب قدرت استکباری مقاومت می نماییم.

۲. تا وقتی که نظام جمهوری اسلامی آرمان ها و اهداف و ارزش هایش را تئوریزه نکند و قدرت مفهومی ادبیات سیاسی جدید خود را به جهان ارائه نکند، نمی توان به مواضع، تعاریف و نرم افزارهای بین الملل اعتماد کرد و از موضع برتر در صحنه بین الملل حاضر شد.

۳. بیان مظلومیت نظام جمهوری اسلامی و اخلاق محوری و خویش شن داری آن در مقابل نظام بین الملل و مقاومت در مقابل قدرتهای مسلط دنیا و بیان مطالبات حق طلبانه ی این نظام مبارک در موضوعاتی چون وضعیت حقوق بشر در دنیا، خانواده، زن، امحاء تسلیحات هسته ای و... بالاترین زمینه ها و ظرفیت ها در عرصه منطقه، بین الملل و جهان است.

پنج پیام سه دقیقه ای

در سه عرصه:

سلامت، فرهنگ

و اقتصاد

پیام سلامت:

1. متأسفانه نظام سلامت ما به جای «بهداشت محوری»، درمان محور است و این معضل، ناشی از اولویت دادن به سبک زندگی رفاه محور غربی است؛ یعنی با توسعه کلان شهرها، بیماری‌های زیستی تمدن موجود را (بیماری‌هایی ناشی از آلودگی هوا - آلودگی صوتی - ناهنجاری‌های اجتماعی و آپارتمان‌نشینی و ...) در جامعه فراگیر کرده‌ایم.
2. مثلاً برای «رفاه در حمل و نقل» از طریق تخصیص اعتبارات دولتی به صنعت خودرو و خریداران آن، زمینه افزایش شدید خودروهای شخصی را فراهم کرده ایم و سپس به دنبال درمان بیماری‌های ناشی از آلودگی هوا هستیم!! یا الگوی تغذیه غربی را به کشور وارد کرده ایم و ذائقه مردم را تغییر داده ایم و سپس بدنبال درمان بیماریهای گوارشی و سرطانهای ناشی از این نوع تغذیه هستیم و با مردم درباره مضرات خوراکیهای جدید صحبت میکنیم! با نگاه غلط جمعیت‌شناسی به جامعه زنان و تعریف آنها به‌عنوان منبعی برای تولید ثروت ملی به نهاد خانواده و این قشر مهم ضربه زده‌ایم که لازمه آن، فقدان مادر در خانه و ضربه به الگوی تغذیه، تربیت و توسعه‌ی اخلاقی جامعه است.
3. سیاست دولت در راستای بهبود سلامت ملی، خانواده‌ها و زنان، تدوین و تقویت «الگوهای بهداشت اسلامی - ایرانی» است. لذا اگر رویکرد سلامت از «درمان محوری» به «بهداشت محوری» تغییر جهت دهد و به جای «بهداشت فردی» به محیط زیست، الگوهای مصرف در کلان شهرها و سلامت محیط‌های زندگی اندیشیده شود، هزینه‌های درمان بسیار پایین می‌آید که این امر از منزلت سبک زندگی اجتماعی اسلام قابل تحقق است. یعنی با تغییر نگاه مادی به تمدن مدرنیته و توجه به تمدن

اسلامی و منزلت مادری در نهاد خانواده، نظام سلامت ما بهداشت محور شده و نیازی به هزینه های سنگین برای تعمیر پزشک خانواده نمی باشد.

4. بیماری ها باید طبقه بندی شده و نسبت آن ها به ظرفیت های ایمانی مختلف معین شود، لذا لازم نیست تا نظام برای قشرهایی که نسبت به پذیرش فرهنگ مقاومت و فرهنگ ارزشی بی مبالا هستند هزینه های سنگین را به عهده بگیرد. از این رو بسیاری از بیماری های ناشی از فرهنگ مدرنیته باید از فهرست تخصیص ارز و تهیه دارو خارج شود و منابع محدود در این بخش، صرف قرار دادن فرهنگ بهداشت اسلامی بعنوان جزئی از فرهنگ سلامت جامعه شود و برای آن برنامه ریزی گردد. براساس تغییر رویکرد فوق به راحتی می توان هزینه بیماران خاص و صعب العلاج را از طریق بیمه ها تأمین کرد. در مسائل زنان به دلیل بار مسئولیت زایمان و انتقال نسل که به عهده آن ها می باشد، باید بهداشت اسلامی و احکام اسلام در سرلوحه ی بهداشت و درمان و محیط زیست قرار گیرد.

5. نظام اسلامی به دلیل مردمی بودن آن، با عوارض و مفسد نظام سرمایه داری - که طبقاتی بودن، لازمه ذاتی آن است - بسیار فاصله دارد و لذا بسیاری از افراد آسیب دیده ی به جا مانده از رژیم سابق هم به عزت مالی و شغلی رسیده و درگیر شئون رفاهی شده اند. لذا با مهندسی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و سبک زندگی اجتماعی اسلامی، همه ی اقشار از امکانات و خدمات اجتماعی بهره مند شده و نیاز به نرم افزارهای غربی همچون بیمه تأمین خدمات اجتماعی و از این قبیل امور نخواهد بود و تا تحقق آرمان ها و اهداف اخلاقی نظام در بخش بهداشت، به طور اضطرار از این امور به صورت موقت استفاده می نماییم.

پیام فرهنگ:

1. حوزه فرهنگ با مظلومیت روبه‌رو است و وضعیت آن، در سطح هشدار قرار گرفته است. مهمترین آسیب، عدم توجه به درگیری فرهنگ کاربردی مدرنیته با فرهنگ ضد استکباری و مقاومتی نظام جمهوری اسلامی است. لذا فرهنگ اسلامی را به ادبیات قبل از رنسانس ترجمه می‌کنند (یعنی فرهنگ مسلمانان پس از صدر اسلام تا امپراطوری عثمانی را به اسلام نسبت می‌دهند) که این امر بسیار غلط است و قدرت کاربردی شدن و توانایی رویارویی با شبهات عینی و کاربردی فرهنگ مدرنیته را ندارد.
2. از آن‌جا که فرهنگ مدرنیته، مادی بوده و با فرهنگ ارزشی نظام جمهوری اسلامی ذاتاً درگیر است، لذا جنگ نرم، تهاجم فرهنگی و ناتوی فرهنگی یک امر واضح و بدیهی است. به نظر ما حمله ارزش‌های مادی به ارزش‌های الهی، کاربردی و سازمانی و همه‌جانبه است و برای مقابله با آن، باید تمام قدرت نظام را به صورت همه‌جانبه به میدان آورد. پس همه‌جانبه بودن تهاجم نظام سرمایه‌داری در سطوح سیاسی، فرهنگی، اقتصادی باید تبیین شود تا جهت‌گیری برنامه و چشم‌انداز نظام در عرصه فرهنگ روشن گردد.
3. بر این اساس، ساختارهای موجود دستگاه‌های فرهنگی کارایی مناسب را ندارد، زیرا ترسیمی محتوایی از درگیری فرهنگ مدرنیته با فرهنگ مقاومتی و فرهنگ ارزشی مبانی دینی ما ندارد. با تعریف جدید از محتوای فرهنگ موجود در چارچوب فرهنگ مقاومتی می‌توان بستر انتقال وضع موجود به سمت وضع مطلوب را فراهم نمود.
4. فرهنگ به سه دسته «الحادی، التقاطی و الهی» تقسیم می‌شود. مولفه‌های حوزه فرهنگ در نظام مبارک جمهوری اسلامی - که دارای فرهنگ الهی است - به دو تخصص حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌ها

بازگشت می کند که وظیفه دولت جمهوری اسلامی، فراهم آوردن زمینه قرابت علمی این دو نهاد با هم در جهت پاسخ به سفارشات گفتمان انقلاب است تا تداوم و توسعه انقلاب اسلامی تضمین گردد. لذا «نگاه قاعده‌مند به ادبیات انقلاب» و «بهینه رویکرد دو مرجع تخصصی دانشگاه و حوزه نسبت به مطالبات انقلاب اسلامی» از جمله در تدوین سبک زندگی اسلامی و الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت ضروری است که این مهم باید از طریق کرسی‌های آزاداندیشی در سه سطح: 1- نشست با «نخبگان» در حوزه و دانشگاه 2- کارگاه با «اساتید» 3- مناظره برای «دانشجویان» مهندسی شود.

به عبارت دیگر، «توسعه فرهنگی» منوط به تثویز کردن انقلاب و تدوین فرهنگ مقاومت در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و ترسیم سبک زندگی اجتماعی برای تحقق تمدن اسلامی می‌باشد. اولویت اول ما در تحقق این مهم، ایجاد گفتمان انقلاب اسلامی در سه سطح نخبگان، اساتید و دانشجویان در حوزه و دانشگاه است.

5. هنر، آینه منعکس کننده نظام اختیارات در هر جامعه و به عبارت دیگر تجسم آرمان‌ها و اهداف نظامات اجتماعی است که کارکرد آن، اجتماعی کردن ارزش‌ها و انگیزش‌هاست. توجه به هنر و ظرفیت‌های هنری در برنامه مکفی است؛ اما جهت حاکم بر بخش هنر، «اخلاقی، مقاومتی و واقعی» نیست؛ یعنی با واقعیت بزرگی در زندگی مردم، بنام «34 سال مبارزه ملت ایران در برابر تمامی قدرتهای جهانی در همه ابعاد» بیگانه است. لذا جریان انقلاب در بخش هنر با گفتمان‌سازی¹ به وجود می‌آید.

¹ رهبر انقلاب اسلامی مشکل علوم انسانی غربی را پایه‌های معرفتی غلط آن دانستند و تأکید کردند: اصلاح در علوم انسانی و تحول در سینما و تلویزیون بدون اصلاح پایه‌های معرفتی علوم انسانی غربی امکان‌پذیر نیست و اصلاح این پایه‌ها نیز در گرو ارتباط مؤثر با حوزه‌های علمیه و علمای دین است. بیانات رهبر انقلاب در دیدار جمعی از مسئولان و دست‌اندرکاران جشنواره‌ی مردمی عمار 91/12/1

پیام اقتصاد:

- 1- در جمهوری اسلامی از سال 57 تعریف فقر به صورت انقلابی تغییر کرده است و عمل به شعار عدالت باعث شده است در بودجه، تأمین هزینه زندگی ملت انقلابی پیش‌بینی شود. از سوی دیگر تلفیق این الگوی جدید از مصرف با الگوی مصرف کشورهای توسعه‌یافته، علت جلوتر افتادن همیشگی «مصرف ملی» از «تولید ملی» است که نتیجه قهری آن، رشد واردات در برابر صادرات، کاهش ارزش پول ملی و بالمآل تورم موجود است، از این رو باید الگوی مصرف در اقتصاد مقاومتی، بررسی مجدد شود تا ارزش پول ملی به تعادل رسیده و قدرت خرید افزایش یابد.
- 2- تصمیمات نسبت به طرح‌های اقتصادی کشور، اقتصادی نمی‌باشد؛ یعنی بر اساس درآمدزایی و دارای توجیه اقتصادی نظام سرمایه داری نیست بلکه با رویکرد حل معضلات مناطق محروم و رسیدگی به مستضعفین و ایجاد اشتغال برای آن‌ها شکل می‌گیرد، لذا عملکرد اقتصادی نظام، با دو قرائت «کارشناسی و علمی» و یا «انقلابی و دینی» قابل تحلیل است، که قرائت دوم به واقعیت‌های اقتصادی - سیاسی - فرهنگی نظام یعنی تحریم‌ها و دشمنی‌ها نزدیک‌تر است. از این رو رویکرد کلیدی و راهبرد اصلی برای حل معضلات اقتصادی کشور، بهینه دو نگاه «علمی» و «انقلابی» در همه‌ی بخش‌هاست.
- 3- «کارشناسان اقتصادی نظام» سند چشم‌انداز را به کشورهای توسعه‌یافته جنوب شرقی آسیا، برزیل و غیره تطبیق می‌دهند، حال آن‌که عملکرد انقلاب اسلامی در اجرای سیاست‌های عدالت‌خواهانه، رویکرد مستضعف‌گرایی، حمایت از جنبش‌های آزادی‌خواه و انقلابات منطقه، درگیری با قدرت‌های استکباری، تعمیم رفاه مادی برای آحاد مردم به طور هم‌زمان، مبارزه با مفاسد بویژه اقتصادی، و از همه مهم‌تر

عمل به احکام اسلامی در رفتار اقتصادی مردم و جریان اخلاق در بازار و ... است که همه و همه، راه و رسم تولید ثروت و تعریف توسعه یافتگی را مشروط می‌سازد.

از طرف دیگر هماهنگی برنامه‌های دراز مدت، میان مدت و کوتاه مدت بدون الگو، امکان‌پذیر نمی‌باشد؛ اما مهندسی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت به نحوی که واقعا براساس مبانی اسلامی و فرهنگ بومی مردم باشد؛ به تصریح مقام معظم رهبری یک کار بسیار بلند مدت است. لذا در اضطرار علمی پیش آمده برای نظام جمهوری اسلامی، دو خط «ادبیات علمی توسعه» و «تدابیر راهبردی مقاومتی» برای مسائل جاری کشور باید به صورت همزمان پی‌گیری شود و در تعامل با یکدیگر، به اتخاذ تصمیمات کارشناسانه و خردورزانه اقدام نمود.

4. پی‌ریزی بنیان اقتصاد مقاومتی، از طریق طرح تحول اقتصادی و تحول در ساختارها ممکن است اما اشکال طرح‌های تحول اقتصادی آن است که براساس دشمنی‌های دشمنان در عرصه اقتصادی تدوین نمی‌شوند بلکه براساس دوستی دشمنان یا به عبارت فنی تر، بر اساس وابستگی اقتصاد ملی به اقتصاد منطقه و اقتصاد بین‌الملل تدوین می‌شوند، لذا در چنین طرحهایی، اصلاح ساختارها با حفظ جهت‌گیری‌های اقتصاد سرمایه‌داری دنبال می‌شود.

5- این همه در حالی است که در نظام جمهوری اسلامی، توسعه یافتگی همراه با سه بُعد «عدالت»، «معنویت» و «عقلانیت» بوده و به آنها مقید شده است و این روند، اقتصاد مقاومتی را ضروری ساخته است، زیرا نظام بعد از استقلال سیاسی به دنبال استقلال اقتصادی و فرهنگی است. پس:

الف- قطع وابستگی اقتصاد از اقتصاد جهانی در دستور کار است و تقسیم کار جهانی (هضم شدن در

اقتصاد جهانی) با عزت سیاسی ما درگیر است.

ب- تغییر ساختارهای اقتصادی برای هماهنگی با خارج و تعریف مادی از اقتصاد کشور نیز ضد قانون

اساسی است که تصریح می کند اقتصاد نمی تواند هدف قرار گیرد.

ج - درآمدزایی و سود محوری در مدیریت اقتصاد کشور نیز، با سیاست ضد استکباری نظام در

تعارض است، سیاستی که تغییر آن محال است.

لذا چالش های به وجود آمده ناشی از درگیری مهندسی و تحول اقتصاد کشور بین «راه کارهای علمی»

و «سیاست های انقلابی و دینی نظام» است و تنها با مهندسی اقتصاد مقاومتی و تعریف جدید از «الگوی

تولید، توزیع و مصرف» است که می توان حرکت به سمت رفع مشکلات را آغاز کرد.

پاسخ به سؤالات گفتگوی ویژه خبری شبکه دو سیما

1- تدوین برنامه اقتصاد کشور

2- حل مشکلات:

الف) تورم

ب) افزایش نقدینگی

ج) قیمت ارز

د) نابسامانی در بخش تولید

3- عدالت و پیشرفت

4- گفتمان انقلاب ناب

5- فساد به ویژه فساد اقتصادی

6- فرهنگ

پاسخ به سئوالات گفتگوی ویژه خبری شبکه دو سیما

1- جواب سوال اول: تدوین برنامه اقتصاد کشور

1/1- «اقتصاد هدف نیست» اصل قانون اساسی است که نتیجه آن نفی تولید ثروت به هر قیمت است در حالی که در ادبیات توسعه، رفاه و تولید ثروت قبله استو باید تامین شود و لو به قیمت سکوت در برابر مظالم عالم و وابستگی در همه شئون به ابرقدرتها

1/2- برنامه اقتصاد توسعه محور بدون ایجاد فاصله طبقاتی مدون تحقق نمی یابد، اما برنامه ی اقتصاد مقاومتی و گفتمان انقلاب، عدالت محور است.

1/3- برنامه اقتصاد توسعه محور بدون ایجاد قطب های ثروت (کارتل ها - تراست ها...) کارآمدی ندارد. اما اقتصاد مقاومتی مردمی بوده و امنیت برای حرکت های اقتصاد سالم ایجاد می کند.

1/4- برنامه اقتصاد توسعه محور، به دلیل آن که حرص در آن موتور محرک فعالیت های اجتماعی است، فساد در آن تئوریزه می شود اما اقتصاد مقاومتی باید بتواند فساد تئوریزه شده را شناسایی نموده و ساختارهای آن را بشکند.

1/5- برنامه اقتصاد توسعه محور با اخلاق حرص و الگوی مصرف انبوه و تنوع گرایی همراه است.

اما اقتصاد مقاومتی باید بتواند عقلانیت را بر الگوی مصرف حاکم نماید و با تعادل گرایی همراه شود.

1/6- برنامه اقتصاد توسعه محور در توزیع همراه با انحصارات عمل می کند اما اقتصاد مقاومتی باید بتواند با اطلاع رسانی به موقع الگوی توزیع مردمی را مهندسی نماید.

1/7- تعادل در اقتصاد اسلامی بدون فهم از اقتضائات احکام دین در عینیت و توجه به کارشناسی اسلامی و موضوع شناسی اسلامی ممکن نیست، لذا عمل به اقتضائات تکاثر ثروت و تئوریزه کردن آن در سیستم بانکی و بالمآل تعریف کمی قدرت نظام به پول ملی کشور جایگاهی برای احکام اسلامی و اخلاق اسلامی نمی گذارد.

1/8- جریان اصول فوق عزم ملی نخبگان کشور را می طلبد تا برنامه های بالادستی به ادبیات مدرنیته و غربی تأویل نشود و در پاسخگویی به مطالبات رهبری و مردم دین مدار ایران به مهندسی جدید فکر شود و در تأسیس نهادهای مربوط به آن همت شود تا همانگونه که در جنگ و سیاست خارجی به راه حل های جدید ابتکارات عینی دست یافتیم، در عرصه اقتصاد هم چنین اتفاقی محقق شود.

2- حل مشکلات: الف) تورم ب) افزایش نقدینگی ج) قیمت ارز د) نابسامانی در بخش تولید

ظاهراً موضوع مشکلات اقتصاد فعلی تبدیل به «شرایط تحریم» برای مردم شده است، لذا باید برای آن ستاد ویژه تشکیل داد و از رویکرد اقتصاد مقاومتی (نامگذاری های سال های اخیر مقام رهبری) در حل مسائل استفاده کرد. (همان طور که رهبری دستور دادند مدیران نظام باید تدبیر کنند).

لذا از راه حل های متداول برای حل بحران باید پرهیز کرد. یعنی از راه و رسم جنگیدن کلاسیک فاصله گرفت.

- 2/1- به کنترل قیمت‌ها باید پرداخت، این امر نیازمند آن است که از راه حل‌های وابستگی اقتصاد کشور به منطقه بین‌الملل و جهان خارج شویم و تأمین نیاز داخل در اولویت باشد. یعنی تولید داخل اول نیاز داخل را تأمین کند و مازاد آن صادر شود و سیاست صادرات نیز فروش به قیمت اقتصادی نباشد بلکه به قیمت سیاسی باشد و تأمین اقتصاد امت اسلامی (بیداری اسلامی)
- 2/2- تعیین شیب برای حذف واردات در نسبت به نیازهای عمومی مردم غیر از کالاهای اساسی
- 2/3- تعیین الگوی مصرف غیر آزاد در سیاست‌های تولید و حذف سیاست‌های تنوع‌گرایی
- 2/4- اطلاع‌رسانی شفاف به مردم نسبت به تصمیمات ستاد بحران و تشکیل بسیج اقتصادی
- 2/5- ثبات قیمت ارز
- 2/6- بسامان کردن بخش تولید با فعال کردن بخش اقتصاد دولتی با الگوی درآمدی انقلابی
- 2/7- بسامان کردن بخش توزیع با احیاء نهادهای جهادی در بخش اقتصاد
- 2/8- ارائه تعریف رفاه مقاومتی و تئوریزه کردن در همه بخش‌های نظام، اصناف و خانواده
- 2/9- ارائه تعریف صنعت مقاومتی در مقابل رفاه غربی و تئوریزه کردن در همه بخش‌های تولید - تجارت - کشاورزی
- 2/10- بهینه سند جامع علمی کشور بر اساس بند 1/8
- 2/11- بهینه نظام اداری کشور بر اساس تعریف جدید اقتصاد مقاومتی و رفاه و صنعت مقاومتی

3. عدالت و پیشرفت

این دو مقوله از مباحث دراز مدت نظام است که باید در مباحث الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و سبک زندگی اسلامی و تمدن اسلامی و تحول در علوم انسانی بررسی شود. این امر را دولت به طور جدّ پی گیری می‌کند و بستر آن را در بنیاد ملی نخبگان، پایان نامه‌های دروه دکتری در وزارت علوم از طریق معاونت علمی ریاست جمهوری تحقق می‌بخشد و گفتمان‌سازی آن را مدیریت نهاد ریاست جمهوری و ریاست رسانه ملی و مطبوعات کشور از طریق وزارت ارشاد اسلامی با نخبگان، اساتید و دانشجویان کشور تحقق می‌بخشد.

4- گفتمان انقلاب ناب

4/1- گفتمان اسلام ناب بازگشت به اندیشه‌ی حضرت امام(ره) و مبارزات صدوپنجاه ساله اخیر روحانیت دارد؛ که پرچم اسلام در قرن بیستم را در عصر مدرنیته (بت پرستی مدرن) در مقابل دو قدرت غرب و شرق به پا کرده است و در نتیجه امروز بعد از سی سال شاهد بیداری اسلامی در امت اسلامی هستیم.

4/2- لذا جاذبه اقامه کلمه‌ی حق در شرایط فعلی قبل از ظهور حضرت ولی عصر(عج) باید بتواند راه و رسم زندگی جدید را در مقابل دنیا قرار داده و راه‌هایی را از قیود شیطان‌ی و بت پرستی مدرن را نشان دهد و این امر بدون تحقق تمدن اسلامی عقلانیت‌محور امکان پذیر نیست.

4/3- گام اول را در انقلاب سیاسی به وسیله‌ی بنیانگذار جمهوری اسلامی برداشته شده و هنوز ادامه دارد.

گام دوم آن انقلاب فرهنگی است که باید به وسیله‌ی عقلانیت دین‌محور بتوان دو مرجع فکری

حوزه و دانشگاه را به وحدت منطقی برساند.

گام سوم آن نیز نیازمند انقلاب اقتصادی یا صنعتی است که تکمیل‌کننده تمدن اسلامی قبل از

ظهور حضرت ولی عصر(عج) است.

5- فساد به ویژه فساد اقتصادی

5/1- برنامه دراز مدت آن در انقلاب اداری و اقتصاد مقاومتی توضیح داده شد.

5/2- برنامه کوتاه مدت با هماهنگی سران سه قوه و فصل‌الخطاب بودن نظرات رهبری می‌توان

اقدامات فوری نیز داشت که در برنامه بنده پی‌گیری آن وجود دارد.

مظلوم‌ترین بخشی که مقام معظم رهبری به آن اشاره داشته‌اند.

6/1- هر فرهنگ و هنری دارای قبله‌ای است؛ یک عده «کلمات وحی»، یک عده «عقلانیت مستقل» و

یک عده «حس و تجربه»؛ که انقلاب ما خورشید عقلانیت وحی را قبله خود می‌داند.

6/2- آنچه فرهنگ انقلاب دارد، باور امام و رهبری به اسلام و کلمات وحی در زندگی انقلابی -

سیاسی و مدیریتی ایشان می‌باشد. و مدیران نظام، نخبگان و مردم به هر میزان از این پیروی کردند، پیروز شدند و به هر میزان از این امر عدول کردیم دچار بن‌بست، چالش و پارادوکس شدیم.

بر این اساس جهت حاکم بر حرکت نظام اسلامی بوده و به راه خود ادامه می‌دهد. اما این جهت‌گیری در ساختارها جاری نشده و لذا ساختارهای حاکم بر نظام، اسلامی نبوده و دچار بن‌بست است. همچنان که امور خرد جاری در نظام اسلامی دچار هرج و مرج و روزمرگی است.

6/3- مرجع تخصصی فرهنگ و هنر در نظام دو نهاد حوزه و دانشگاه می‌باشند که شورای عالی

انقلاب فرهنگی مرجع جریان نظام تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی در آن می‌باشد و اجرا به عهده وزارت فرهنگ اسلامی، وزارت آموزش و پرورش و وزارت آموزش عالی و سازمان تبلیغات و دفتر تبلیغات و حوزه هنری و رسانه ملی می‌باشد، که باید عملکرد هر یک را تحلیل نمود.

6/4- نقطه قوت حوزه‌های علمیه، فقه شیعه جعفری بوده که تئوری بر پا کردن حکومت یا جمهوری

اسلامی در اندیشه‌ی حضرت امام(ره) است. (برگرفته از فرمایشات حضرت امام(ره) و مقام

معظم رهبری(دام‌ظله)

5- نقطه ضعف حوزه در نداشتن وحدت حوزه‌های معرفتی آن به صورت نظام فکری واحد برای اداره

نظام است و عدم قبول مسئولیت مرجعیت تخصصی آن نسبت به عرصه «تحقق اسلام در

عینیت» است.

6- نقطه قوت دانشگاه در ادبیات کاربردی آن، و قبول مسئولیت توسعه مادی زندگی بشر است.

7- نقطه ضعف دانشگاه در انحصاری دانستن تعریف توسعه و مراحل به ادبیات مادی است.

8- قبض و بسط منطق حجیت‌گرا حوزه و منطق حس‌گرا دانشگاه در صحنه زندگی عینی نظام و مردم

روز به روز خود را بیش‌تر نشان می‌دهد. طبیعتاً این امر به بخش اجرا کشده شده و مظلومیت

این بخش و به حاشیه رفتن ارزش‌ها را به دنبال دارد.

9- روزمرگی، عمل‌زدگی در بخش اجرا برای مردم و نظام ملموس‌تر است.

10- در فرهنگ عمومی، ناهنجاری‌ها در بخش اجتماعی (آمار طلاق و آسیب پذیر شدن نهاد خانواده)

در فرهنگ تخصصی غفلت از فرهنگ مقاومت و در فرهنگ آکادمیک غفلت از حوادث بزرگ

جهان اسلام به مظلومیت این بخش می‌افزاید.

11- بخش هنر نظام از فرهنگ مقاومت بیگانه است، زیرا توصیه شده است که هنر نظام باید سیاسی

شود و این امر تحقق نیافته است.

پاسخ به سوالات

شبکہ سوم سیما

«سؤالات مربوط به نامزدهای یازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری شبکه سه»

۱- دیدگاه شما به عنوان یک نامزد انتخابات ریاست جمهوری درباره تعامل قوا با هم چیست؟ این دیدگاه را میتوانید برای بینندگان و شنوندگان برنامه تبیین کنید؟ طبق قانون اساسی رئیس جمهور بعد از رهبری دومین شخصیت سیاسی کشور است. به اعتقاد شما آیا این جایگاه باعث می شود رئیس جمهور در مقابل سایر قوا احساس مصونیت کند؟ اگر دیدگاه شما با یکی از رؤسای قوای مقننه یا قضائیه یکسان نبود و از طرفی این ناهماهنگی باعث تعلل در انجام امور کشور شد، شما چگونه با این موضوع برخورد می کنید؟ چه ضمانت اجرایی در این خصوص وجود دارد؟

۲- اگر مردم جنابعالی را انتخاب کردند و رئیس جمهور شدید، آیا به سند چشم انداز و اصل ۴۴ قانون اساسی توجه خواهید کرد؟ برای تحقق اهداف چشم انداز چه رویه و تدبیری در پیش خواهید گرفت؟ برنامه ششم توسعه را چگونه تدوین می کنید؟ اولویت شما در این برنامه چیست؟ یعنی در تدوین برنامه به سند چشم انداز توجه می کنید؟ اگر تصور کنید که بخشی از سند چشم انداز با برنامه شما هماهنگ نیست چگونه برنامه پنج ساله ششم را تدوین می کنید؟ لطفاً به مصداقی اشاره کنید.

۳- موضوعی که مورد تأکید و توجه بسیاری از کارشناسان و متخصصان است، نظارت مستمر و دقیق است. رهبر معظم انقلاب اسلامی هم بارها به این موضوع اشاره کرده اند. جایگاه نظارت از نظر شما چگونه است؟ اگر رئیس جمهور شدید یا نهادهای نظارتی که عملکرد شما و همکارانتان را ارزیابی می کنند، چگونه همکاری می کنید؟ حاضرید به نهادهایی چون سازمان بازرسی، دیوان محاسبات و ... پاسخ در خور بدهید و احیاناً اگر مدیری از مجموعه شما تخلف یا سهل انگاری کرد مطابق قانون با آن برخورد کنید و قانون را اجرا کنید؟ حتی اگر آن مدیر متخلف از نزدیکان شما باشد؟ اگر این سؤال را سال آینده که رئیس جمهور شدید از شما پرسیم باز هم با این صراحت لهجه همین پاسخ را خواهید داد؟

- ۴- امنیت و آرامش مبنای پیشرفت جامعه است. برنامه عملیاتی شما برای ارتقاء آرامش عمومی و امنیت اجتماعی چیست؟ لطفاً به صورت مصداقی و کوتاه این برنامه را ارائه کنید. شما به ضرورت کار فرهنگی اشاره کنید. لطفاً به صورت مشخص بفرمایید منظورتان از کار فرهنگی چیست و راه کار عملیاتی ایجاد کار فرهنگی را به صورت مصداقی بفرمایید.
- ۵- یکی از مطالبات مردم وفاق و وحدت میان مسئولان است. اختلاف‌هایی که منجر به کندی حرکت در مسیر انقلاب اسلامی می شود همواره ذهن مردم را مکدر می کند. شما اگر با یکی از سران قوا اختلاف نظر داشته باشید حاضرید پیشگام شده و برای حل موضوع اختلافی نظرات شخصی خود را کنار گذاشته و مصالح نظام و مردم را در اولویت قرار دهید؟ همان گونه که می دانید اختلاف نظر در همه جاهست و در برخی امور مفید نیز هست اما در خیلی از مسائل مخرب است. جناب عالی چه راه حل شخصی رای حل این گونه اختلاف ها دارید؟
- ۶- همان طور که مردم در انتخابات شرکت می کنند و رئیس جمهور خود را انتخاب می کنند انتظار دارند رئیس جمهور منتخب هم نیازها و دغدغه های آنان را مورد توجه قرار دهند. آیا شما در سیاست های خود مطالبات آن گروه را که به شما رأی نداده اند، لحاظ خواهید کرد؟ چگونه میان خواسته های گروههای مختلف مردم توازن ایجاد خواهید کرد؟
- ۷- شما چه جایگاهی برای منتقدان خود در نظر می گیرید؟ در این مرحله برنامه های نامزدها در معرض قضاوت و انتقاد قرار می گیرد؛ در صورت پیروزی، آیا شما به انتقادات وارده در این مرحله، ترتیب اثر می دهید و از آراء منتقدان برای اصلاح و تقویت برنامه های خود بهره می گیرید؟
- ۸- آیا برای تشکیل کابینه، صرفاً از نیروهای هم فکر خود استفاده می کنید؟ یعنی اگر فرد توانمندی باشد اما از نظر فکری با شما اختلاف داشته باشد، آیا حاضرید از او استفاده کنید؟ به نظر شما در ده دولت گذشته کدام رئیس جمهور به این مهم عمل کرده است؟ لطفاً با ذکر مصداق نام فرد و نوع تفاوت فکری اش با رئیس دولت ذکر بفرمایید.
- ۹- چه ضمانتی وجود دارد که شما به وعده های انتخاباتی خود عمل کنید؟ آیا قائل به ارائه گزارش عملکرد به مردم هستید؟ چه دوره زمانی را برای ارائه گزارش کار به مردم پیشنهاد می کنید؟

- ۱۰- شما چه مرجعی را برای ارزیابی عملکرد رئیس جمهور معتبر می دانید؟ دوره زمانی پیشنهادی شما چیست؟ (یکسال، دو سال، ...). در صورتی که ارزیابی این مرجع در پایان این دوره زمانی به سود شما نبود، چه واکنشی خواهید داشت؟ آیا عذرخواهی از مردم می تواند زمان و امکانات از دست رفته را جبران نماید؟ اگر کارشناسان، تغییر تیم مورد نظر شما را برای جبران این ناکامی ضروری بدانند، آیا می پذیرید؟ چه مکانیسمی وجود دارد که گردش نخبگان به برنامه های کلان آسیب نرساند و برنامه های کلان تداوم پیدا کند؟
- ۱۱- اگر شما آراء لازم را در انتخابات به دست نیاورید، چه خواهید کرد؟ آیا حاضر به همکاری با رقیب پیروز هستید؟ در انتقاد از رقیب پیروز، چه ملاحظات کجایی را مد نظر قرار می دهید؟ آیا شکست شما در انتخابات، در کمیت و کیفیت انتقاد از عملکرد فرد پیروز، تعیین کننده خواهد بود؟
- ۱۲- «هسته ای شدن ایران» و تأکید بر داشتن این حق با توجه به فتوای رهبر معظم انقلاب اسلامی که استفاده از سلاح هسته ای را حرام دانسته اند در ادامه سیاست های ثابت جمهوری اسلامی ایران یکی از مباحث ثابت در برنامه ریزی دولت آینده نیز خواهد بود؛ پیگیری حقوق و دستاویز ایرانیان به انرژی هسته ای از نظر شما در چه اولویت و مهمی برای کشور و ملت ایران قرار دارد؟ ایده و طرح شما در مذاکرات هسته ای چه خواهد بود؟ چگونه می توانید مذاکرات را به نتیجه مطلوب ایران با صرف هزینه کمتر برسانید؟
- ۱۳- در صورتی که پیگیری نیازهای ویژه در اولویت قرار نداشته باشد و روند تحریم ها کماکان ادامه یابد دولت شما چه تدبیری برای تأمین نیازها خواهد اندیشید که بتواند در کوتاه مدت جواب بدهد؟ با توجه به بحث تحریم ها، چه راه کار برون رفتی از این مسئله با حفظ اقتدار نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران از یک سو و پیشرفت فناوری هسته ای از سوی دیگر متصور هستید؟
- ۱۴- ثبات و آرامش کشورهای همسایه و منطقه از جمله اهداف منافع ملی و امنیتی ایران به شمار می رود. با توجه به تحولات اخیر عراق، برای جلوگیری از شکاف میان اقوام و مذاهب و کمک به دولت مرکزی عراق برای حفظ آرامش مستمر چه اقداماتی باید اتخاذ نمایند؟
- ۱۵- برخی از آمارهای ارائه شده درباره رشد اقتصادی کشورمان نشانگر کاهش آن بوده است این امر منجر به کاهش ظرفیت های شغلی می شود. لذا چشم انداز مثبتی در سال های اخیر در افزایش اشتغال دیده نشده است. راهکارهای عملیاتی و مشخص جنابعالی در برنامه اقتصادی تان برای اشتغالزایی چیست؟

۱۶- مقام معظم رهبری در دیدار اخیر کارگران درباره معیشت اقشار ضعیف رهنمودهایی ارائه فرمودند.

سیاستهای حمایتی رئیس جمهور آینده در کاهش فقر و بهبود معیشتی این قشر چیست؟

۱۷- با توجه به کاهش ارزش پول ملی و تورم موجود در کشور شاهد مسأله ای به نام فقر در شاغلین

هستیم (کاهش قدرت خرید) برنامه عملیاتی شما برای حل این مشکل چیست و چه برنامه و کارهایی را

انجام خواهید داد؟

۱۸- آیا در اجرای فاز اول قانون هدفمند کردن یارانه ها، الگوی مصرف که بارها مقام معظم رهبری در بیانات

خویش به آن اشاره داشتند، مورد توجه قرار گرفته است؟ راهکارهای عملیاتی خودتان را برای مردم توضیح

دهید.

۱۹- طبق قانون هدفمند کردن یارانه ها ۳۰ درصد از درآمدهای حاصله از اجرای این قانون باید به صنایع بخش

تولیدی کشور اختصاص پیدا می کرد. این امر محقق نشده است و بخش تولیدی کشور آسیب جدی دیده

است. در برنامه اقتصادی جنابعالی برای حل این معضل چه راهکارهایی لحاظ کرده اید؟

۳۰- فضای اقتصادی کشور در ماه های اخیر تلاطماتی را در حوزه افزایش قیمت ارز و نرخ تورم تجربه کرده

است. این مشکلات کارشناسان را با این سوال مواجه کرده است که اجرای قانون هدفمندی یارانه ها در

سال های آتی چگونه دوام یابد؟ شما کدام گزینه را انتخاب می کنید؟ اجرایی نشدن گام دوم هدفمندی و

توقف در همین مرحله - اجرای گام دوم و نهایی با تأکید بر تداوم افزایش باز پرداخت نقدی به مردم -

تثیت گام نخست هدفمندی و بازپرداخت غیر نقدی به مردم و یا.....؟

۲۱- همانگونه که می دانید تورم باعث کاهش قدرت خرید مردم و به تبع آن اثر سویی بر رشد اقتصادی در

بلندمدت خواهد داشت. راهکارهای شما برای مهار تورم در کوتاه مدت و کاهش آن در دولت آینده

چیست؟

۲۲- براساس مبانی نظری مقام معظم رهبری باید به آموزش و پرورش به عنوان یک تولید کننده نگاه شود نه

یک مصرف کننده؛ شما چه تعبیری از مولد بودن آموزش و پرورش دارید؟ برنامه شما برای تحقق چنین

راهبردی چیست؟

۲۳- برنامه های اصلی خود را برای تسریع پیشرفت در نظام آموزش و پرورش در کوتاه مدت میان مدت و بلند مدت بیان فرمایید؟ (اگر به سازمان آموزش و پرورش با یک دید محدود، همانند ورازتخانه های دیگر مثل پست، مسکن و مخابرات نگاه شود موجب می شود آموزش و پرورش در حد یک سازمان حمایتی - خدماتی تلقی شود. در حالی که در تلقی های نهادمند جهت دهی، تعیین فلسفه و اهداف آموزش و پرورش و تعیین معیارهای کلی مدیریت و کنترل «فراگردهای آموزشی» از مهمترین وظایف مسئولیت ها به شمار می آید)

۲۴- آیا شما با سند برنامه درسی ملی (که در حال حاضر مورد تصویب شورای عالی آموزش و پرورش است و به امضای رئیس جمهور رسیده است) موافقت می کنید؟ چه راهکاری برای تقویت آن دارید؟

۲۵- در راستای فرهنگ سازی ورزش حرف ای در مدارس آیا برنامه ای دارید؟ آیا برنامه شما به تفکیک مقاطع مختلف است یا کلی؟

۲۶- مقام معظم رهبری در بیاناتی در جمع بانوان نخبه حوزوی و دانشگاهی بر لزوم حفظ کرامت، عزت و ظرافت زن، به عنوان سه عنصر خصوصیت زن در گفتمان «زن حقیقی» اشاره کردند. آیا برای تحقق گفتمان زن حقیقی از زاویه این نگرش برنامه ای دارید؟ همچنین معظم له معتقدند گفتمان غرب در مورد زن از زمان رنسانس تا کنون، یک گفتمان کاملاً حساب شده ی سیاسی است و با انحطاط و نزول همراه است. بنابراین بر ضرورت آرایش تهاجمی در این راستا تأکید کردند. اقدامات اجرایی شما برای مقابله تهاجمی با گفتمان غرب در مورد زن چیست؟

۲۷- به نظر شما مشکل سازترین عوامل در جهت ممانعت ارتقاء وضعیت زنان کدامند؟ برای رفع این موانع چه تدابیری در نظر دارید؟ (قانونی، فرهنگی، ساختاری و...)

۲۸- با توجه به ضرورت ترسیم نقش جامع علمی کشور، در حوزه آموزش عالی وضع موجود را چگونه ارزیابی میکنید و چه رویکردهایی برای ارتقاء و توسعه بخش آموزش در سطوح عمومی، عالی و حرفه ای باید دنبال شود؟

۲۹- آیا برای حمایت از تولید فکر و علم در دانشگاه هم برنامه ای دارید؟ تا چه میزان فکر می کنید برنامه های شما دانشگاه ها را به سمت تمرکز بر تولید بیشتر فکر و اندیشه هدایت کند؟

- ۳۰- به خروجی دانشگاه ها توجه نمی شود، بیکاری دانشجویان در سطوح مختلف کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری، کشور را دچار مسئله خواهد کرد، راهکار شما برای حل این معضل چیست؟
- ۳۱- جامعه شناسان تراکم بالای جمعیت در کلانشهرها و حاشیه نشینی را بر افزایش مفاسد اجتماعی مؤثر می دانند. برای رفع معضل مهاجرت روز افزون به شهرها و افزایش تراکم جمعیت به عنوان زمینه آسیبهای اجتماعی در کلانشهرها چه برنامه ای دارید؟
- ۳۲- با افزایش مطلوبیت زندگی در روستاها میتوان مانع مهاجرت به شهرها شد. آیا طرحی در زمینه توسعه روستایی و سرمایه گذاری با هدف افزایش مطلوبیت زندگی روستایی در دست دارید؟
- ۳۳- فاصله اقتصادی میان اقشار پردرآمد و کم درآمد را در شرایط کنونی قابل قبول می دانید یا غیرقابل قبول؟ اگر زیاد است، چه راهکاری برای کاستن این فاصله و فقر زدایی در برنامه خود دارید؟
- ۳۴- آیا برای شناسایی مناطق محروم کشور و فقر زدایی از آنها برنامه ویژه ای در دست دارید؟
- ۳۵- با توجه به تأکید مسئولان بر توسعه ورزش قهرمانی بر مبنای ارزش ها و اخلاقیات در ورزش، آیا برنامه ای برای بهبود اخلاق در ورزش قهرمانی دارید؟
- ۳۶- اختلاف میان مدیران ورزشی دولت و فدراسیون ها زمینه ساز مشکلات زیادی در ورزش کشور از جمله اختلاف بر سر اولویت تخصیص بودجه هاست. فکر می کنید اولویت بودجه با کدام بخش از ورزش است؟ ورزش همگانی یا حرفه ای؟ کدام رشته های ورزشی اهمیت بیشتری برای کشور دارند؟ برای اجرایی شدن اصل ۴۴ قانون اساسی و توجیه پذیر شدن حضور بخش خصوصی در سرمایه گذاری در حوزه ورزش با عنایت به تصدی گری گسترده دولت در ورزش چه راهکاری دارید؟
- ۳۷- یکی از مهمترین اقداماتی که وزارت ورزش و جوانان طی برنامه پنج ساله پنجم مکلف به انجام و یا مشارکت در اجرای آنهاست تأمین اعتبار مورد نیاز برای پرداخت تسهیلات در قالب وجود اداره شده، یارانه سود و کارمزد و یا کمک های بلاعوض به متقاضیان بخش خصوصی و تعاونی برای احداث، توسعه و تکمیل واحدهای آموزشی و ورزشی است. اما عملاً بخش خصوصی حمایت جدی نمی شود. برنامه های شما برای تشویق بخش خصوصی برای سرمایه گذاری در ورزش چیست؟

۳۸- می دانید هدف از ورزش کردن تنها کسب عناوین قهرمانی نیست، بلکه از ورزش به عنوان ابزاری برای سلامت بخشی و تکامل جسمی و روحی انسانها بخصوص جوانان استفاده می کنیم. برای توسعه ورزش همگانی و فراگیر شدن آن در میان اقشار مختلف جامعه چه برنامه هایی دارید؟

۳۹- عدالت ورزشی در ارایه فرصتهای برابر به جوانان کشور تجلی می یابد. آیا قصد دارید برنامه های استعداد یابی در ورزش را برای رفع محرومیت و بی عدالتی بکار بگیرید تا افراد شایسته وارد میادین ورزشی و مسئولیت های اجرایی شوند؟ اگر بله با چه اولویتی؟

۴۰- آزادی فضای رسانه ای - بخصوص مطبوعات - از موضوعات قابل توجه فعالان فضای سیاسی کشور است؛ تعریف جنابعالی از آزادی بیان چیست؟ فضای حاکم بر مطبوعات را در حال حاضر چگونه ارزیابی میکنید؟ آیا در این زمینه نیاز به تغییر و تحول احساس می کنید؟ در این صورت راهکارهای مورد نظر شما چیست؟

۴۱- رسانه های جمعی رسمی ترین رابط و کانال ارتباطی میان مردم و دولت هستند که از وظایف اصلی آنها ایفای نقش نظارتی بر عملکرد دولت است، تعامل رسانه ملی و دولت را در این راستا چگونه ارزیابی می کنید؟ آیا برای ارتقاء و یا تغییر شیوه این تعامل، راهکاری دارید؟

۴۲- معمولاً از مطبوعات به عنوان رکن چهارم دموکراسی یاد می شود. اساساً جناب عالی این رکن را عنوان چشم و گوش مردم قبول دارید؟ اگر رئیس جمهور شوید و روزنامه ای یا رادیو و تلویزیون از عملکرد شما انتقاد کند، چه واکنشی نشان میدهید؟

۴۳- ایجاد جامعه پر از «امید و نشاط» از شعارهای جذابی است که کم و بیش بسیاری از نامزدها به آن اشاره میکنند و از نیازهای اساسی یک جامعه پویا به شمار می رود؛ رئوس برنامه های دولت شما برای ایجاد امید و نشاط در جامعه چیست؟

۴۴- وضعیت سینمای امروز ایران را چگونه ارزیابی می کنید؟ سینمای ما برای رسیدن به وضعیت ترسیم شده در سند مهندسی فرهنگی باید چه ویژگی هایی کسب کند؟ رئوس برنامه های شما برای تحقق این امر چیست؟

«سؤالات مروری ویژه یازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری شبکه سه»

- =====
- ۱- چه برنامه ای برای تعامل با نخبگان در همه حوزه ها دارید ؟ چطور این ضرورت محقق می شود ؟
تجلی خرد جمعی در دولت شما در کجا ها خود را نشان می دهد ؟
 - ۲- به نظر شما اجرای طرح بنگاههای زود بازده در دولت نهم و دهم تاثیری بر کاهش بیکاری داشته است ؟
ضعف و قوت های این طرح چه بوده است نظر شما در خصوص این طرح چیست ؟
 - ۳- ارزیابی جنابعالی از اجرای فاز اول هدفمند کردن یارانه چیست ؟ ضعف و قوت های آن از نظر جنابعالی چیست ؟ آیا تزریق نقدینگی به این شیوه در جامعه را تایید می کنید ؟ آیا برای حمایت از دهک های پایین جامعه طرح ویژه ای دارید ؟ (خدمات اجتماعی)
 - ۴- ریشه های تورم فعلی کشور را چه می دانید ؟ و به نظر جنابعالی عمده ترین دلیل تورم جهنده در سالهای اخیر چیست ؟
 - ۵- نرخ سود بانکی همواره با نرخ تورم می بایست هماهنگ باشد . در غیر این صورت باعث جذب سرمایه های سرگردان در کارهای دلالی (خرید و فروش خودرو - مسکن - ارز و طلا و ...) می گردد . برای جلوگیری از این آسیب اقتصادی چه راهکارهای عملی در این زمینه در دستور کار دارید ؟ (کوتاه مدت و بلند مدت)
 - ۶- با توجه به جوان بودن جمعیت کشور ، محیط های تفریحی و سرگرمی های سالم ، افزوده شدن ارزش جهانی ورزش ، ضرورت شکوفایی استعداد های نفیس ورزشی جوانان و همچنین تاثیرات متقابل سیاست و ورزش در یکدیگر ، ضرورت توجه بیشتر به امر ورزش و لزوم فرهنگ سازی برای جوانان را می طلبد . راهکارهای اجرایی و عملیاتی در این خصوص را تشریح نمایید ؟
 - ۷- رویکرد شما در برابر موج مخرب الگو سازی هنر پیشگان و خوانندگان ماهواره ای و تبدیل آنها به ستاره های محبوب نسل جوان و متعاقبا افزایش ناهنجاری های اجتماعی و فرهنگی چه خواهد بود ؟

۸- ازدواج و تشکیل خانواده نیز از چالش‌ها و مشکلات پیش روی زنان جامعه ما می‌باشد. افزایش سن ازدواج تغییر الگوهای ازدواج در کشور، افزایش ازدواج‌های موقت و مشکلات متعاقب آن نیازمن برنامه ریزی‌های کارشناسانه و دقیق است. در این مورد چه تدابیری اندیشیده‌اید؟ مسائل اقتصادی و فرهنگی مرتبط با این مهم را چگونه تعبیر می‌کنید؟

۹- رابطه صنعت با دانشگاه از نظر شما چه تعریفی دارد؟ برای تحقق این تعریف چه برنامه‌هایی دارید؟

۱۰- همان‌طور که می‌دانید پدیده مهاجرت نخبگان یکی از دغدغه‌های مسئولان همه کشورهاست. در کشور ما نیز کم و بیش این مسئله دیده می‌شود. به نظر شما آیا علت این وضع فرهنگی است یا اقتصادی و یا ...؟ جناب عالی چه راه کار و اقدامات اجرایی لازم می‌دانید تا نخبگان از کشور خارج نشوند؟

۱۱- به نظر شما ریشه افزایش آمار آسیب‌های اجتماعی مثل طلاق و اعتیاد در کجاست؟ راهکارهای پیشنهادی شما برای رفع زمینه‌های اقتصادی یا فرهنگی بروز این آسیب‌های اجتماعی چیست؟

۱۲- فوتبال یکی از پرطرفدارترین رشته ورزشی در ایران است که هر موقع موفق بوده ضمن ایجاد نشاط و شادابی موجب همبستگی ملی نیز شده است. اما متأسفانه چند سالی است که بدلیل حواشی خاص تعیین سرمربی داخلی یا خارجی تیم ملی فوتبال ما آنطور که شایسته نام ایران است نتوانسته در میداين مخصوص جام ملت‌های آسیا و جام جهانی موفق حاضر شود آیا شخصاً نسبت به این مسئله دغدغه دارید و مسائل فوتبال را با جدیت پیگیری می‌کنید؟

۱۳- برنامه‌های شما برای اهتمام به ورزش قهرمانی و حرفه‌ای و ارتقای جایگاه ورزش کشور و تثبیت اقتدار ملی در عرصه‌های بین‌المللی چیست؟

۱۴- آیا مشکلات ورزش بانوان را بررسی کرده‌اید؟ در مورد محدودیتهایی که در داخل و خارج کشور برای ورزش بانوان وجود دارد چه راهکارهایی را پیشنهاد می‌کنید؟ چه برنامه‌هایی برای توسعه و حمایت از ورزش بانوان در بعد قهرمانی و همگانی دارید؟

۱۵- آیا اساساً قایل به جنگ نرم علیه ج.ا.ا. هستید؟ برای مقابله با نفوذ فرهنگ غرب (تهاجم فرهنگی) در راستای جنگ نرم با نظام اسلامی، چه برنامه‌هایی دارید؟

۱۶- آیا برای حمایت از سینمای انقلاب، برنامه‌ای خاص دارید؟ جایگاه فعالان جنبالی کشور در برنامه‌های آتی شما در حوزه سینما چیست؟

پاسخ به سؤالات شبکه سه

1 و 5 و 6- تفکیک قوا به معنای بُعد قرار گرفتن قوا در یک سیستم دینامیکی برای مدیریت نظام است. در الگوهای پیشرفت، فراگیر بودن مدیریت نظامات نسبت به تمامی موضوعات اجتماعی، بعنوان امری اساسی مدنظر قرار گرفته و به همین دلیل، همکاری عقلانی و منطقی برای مدیران ارشد نظام میسر می‌شود.

در الگوهای موجود، برای حل چالش «تنازع گروه‌های مختلف اجتماعی بر سر منافع»، نرم‌افزارهایی مانند آزادی احزاب و رقابت سیاسی میان آنها برای رسیدن به قدرت، پیش‌بینی شده‌است. اما در جمهوری اسلامی «تنازع بر سر منافع» از نظر اعتقادی، امری باطل است و لذا راهکار هماهنگ سازی سلاطین مختلف بر مبنای قانون اساسی، تعامل قوا و هماهنگی آنها حول اصل ولایت فقیه است.

2- سند چشم‌انداز دارای دو قرائت «علمی» و «انقلابی» است؛ یعنی گزاره اساسی این سند: «ایران کشوری است توسعه یافته با جایگاه اول منطقه در بخش علمی و اقتصادی» به قرائت مقام معظم رهبری، بر اساس تعریف توسعه یافتگی به «پیشرفت» و نفی الگوهای غربی توسعه بدلیل بار ارزشی آنها معنا می‌شود و لذا جایگاه اول اقتصادی در منطقه نیز با «مهندسی اقتصاد مقاومتی» امکان‌پذیر است.

اما قرائت علمی، تجربه کشورهای توسعه یافته موفق در جنوب شرق آسیا را اصل قرار می‌دهد که معظم‌له با آن مخالف بوده و تنها در حد «استفاده از تجارب موجود» آن را تجویز نموده‌اند.

اصل 44 قانون اساسی نیز با قرائت علمی به معنای رشد قطب‌های توسعه در قالب بخش خصوصی مانند نظام‌های اقتصاد سرمایه داری است که این امر غلط است و قرائت مقام معظم رهبری (دام‌ظله) از آن، توجه به مشارکت گسترده مردم و بازاریان و توسعه ثروت‌های مشروع در قالب بخش تعاونی و خصوصی است.

برنامه ششم پیشرفت باید هم‌عرض تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت پی‌گیری شود تا به هر میزان که در تدوین این الگو بر اساس گفتمان انقلاب اسلامی رشد کردیم، در برنامه‌های پنج‌ساله از آن استفاده نماییم.

3- «نظارت مستمر و دقیق» منفک از «نقدپذیری» و این دو بریده از «پاسخگو بودن نظام مدیریتی کشور» نمی‌باشد و حقیقی بودن این امر در فرهنگ و گفتمان انقلاب اسلامی، هدیه اخلاقی نظام جمهوری اسلامی به تشنگان راه حق در امور مدیریتی است. این دستاورد با مقولاتی چون «امنیت مدیران»، «مصونیت وکلای مجلس»، «رانت‌های اطلاعاتی» و بسیاری از مفاسد اداری فرهنگ مدرنیته در تزاخم است.

لذا به رسمیت شناختن این مفاسد در تئوری قدرت و استفاده از آنها برای به چالش کشیدن تجارب موفق ساز و کارهای انقلابی اندیشه حضرت امام (ره) خیانت به خون شهدا است. در واقع توییح و تشویق مدیران از اخلاق فرهنگ انقلاب است و قانون مداری، مرهون اندیشه و عمل حضرت امام (ره) است که با گذشت تنها چند ماه از انقلاب، به تدوین قانون اساسی اهتمام نمود و نظام تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی نظام را در مجرای قانون قرار داد.

اما تهاجم همه جانبه نظام استکبار بر ضد نظام اسلامی و پویایی و سرزندگی نظام برای مقابله با این دشمنی‌ها باعث شد تا برخی از نرم‌افزارها، قوانین و ساز و کارها نتوانند خود را با سرعت بالای تغییرات و موج توفنده مقاومت جمهوری اسلامی در برابر تهدیدات متغیر

همهانگ کنند. لذا بنیان‌گذار جمهوری اسلامی در کمترین زمان، به بازنگری در قانون اساسی اقدام نمود. همین روند در زمان زعامت مقام معظم رهبری (دام‌ظله) ادامه یافت به طوری که ایشان اقدام به طرح امکان تغییر سازوکارها در نظام جمهوری اسلامی در جمع دانشجویان کرمانشاهی پرداختند و اخیراً معظم‌له برای هماهنگی سه قوا نهادی را به وجود آوردند.

لذا تابع آرمان‌ها، اهداف انقلاب، ترسیم جهت‌گیری‌ها توسط رهبری، قانون اساسی و نهادهای قانونی کشور هستیم اما بحث علمی درباره تغییر ساز و کارها متناسب با حرکت انقلاب اسلامی در مقابل نظام استکبار را در مجامع تصمیم‌ساز و محافل علمی قابل طرح می‌دانیم.

4- نظام جمهوری اسلامی به دلیل اسلامی بودن آرمان‌ها و اهداف آن، همیشه از خارج و داخل مورد دشمنی‌ها، فتنه‌ها و سازماندهی جرائم است، از این رو امنیت و آرامش در نظام جمهوری اسلامی با صف‌آرایی و بیداری در مقابل توطئه‌های دشمنان دنیاپرست تحقق می‌یابد. در واقع زنده نگه داشتن نظام از طریق درگیری با اخلاق رذیله، پایه اساسی دستیابی به امنیت و آرامش است و ریشه‌های برهم زنده آن، غفلت از فرهنگ مدرنیته و مفاسد آن است. برای تقویت امنیت و آرامش باید از پیش‌گیری شروع کرد و سپس به مهندسی نظام تربیتی و تحول در آموزش و پرورش و آموزش عالی اهتمام نمود و بعد از آن باید به تغییر جهت حاکم بر رسانه‌ها، سینما، تئاتر، موسیقی و مطبوعات پرداخت.

7- انتقاد برای رؤسای قوا و نظام مبارک جمهوری اسلامی به مثابه نرم‌افزار رشد‌نخبگان، مدیران ارشد و انتخاب نیروهای کارآمد است، اما در شرایط فعلی ابزاری برای تنازع جناحی گروه‌ها و مراکز قدرت و ثروت در افکار عمومی می‌باشد که این امر بر اساس تجارب موفق گفتمان انقلاب، باید به جایگاه حقیقی خود برگردد.

8- جمهوری اسلامی از مخالفین نظام فکری انقلاب در جهت انتقال تجارب و دانش آنها استفاده کرده و به عنوان مشاوران ارشد در تمامی زمینه‌ها بهره برده است و در تداوم راه انقلاب نیز می‌توان از آنها در نقش کمک به کنترل و بهینه‌ی ساز و کارهای گفتمان انقلاب و حل چالش‌های نظام استفاده کند.

9- از آنجا که نظام جمهوری اسلامی از محدود نظام‌های مردمی در جهان است؛ وجدان عمومی مردم عملاً بهینه روش‌ها و ساز و کارها را مطالبه می‌کند و مسئولین ناچار به تغییر رویه‌های خود می‌شوند.

ضمانت اصلی عملکرد قوا، وجدان عمومی مردم، هدایت‌های رهبری نظام و جابه‌جایی قدرت در ادوار مختلف در جهت آرمان‌های انقلاب است.

10- نظامی که دارای آرمان‌های روشن، تجارب موفق در ناکام کردن توطئه‌های دشمن و عمل به ارزش‌ها متناسب با ظرفیت واقعی خود است، دچار آسیب در سطح کلان نمی‌شود.

11- تسلیم قانون خواهیم بود و با همه همکاری خواهیم کرد. انتقاد را از مسیرهای غیر اخلاقی غلط می‌دانم - خیر.

12- هسته‌ای شدن، حق مسلم ایران است و سیاسی کردن این مساله توسط دشمن، فرصت‌های بسیاری از در سیاست خارجی ایران به وجود می‌آورد.

13- با تدوین اقتصاد مقاومتی باید جهت‌گیری نظام اقتصادی را تغییر داد و از «هدف قرار دادن رفاه مادی» به «تعریف ابزار از رفاه مادی» رسید تا بتوان نظام موازنه ارزی را در صادرات و واردات کنترل نمود و حرکت را به سمت استقلال اقتصادی پیش بُرد.

14- از آنجا که عتبات عالیات، شیعیان عراق و کشور عراق از موضوعات استراتژیک نظام جمهوری اسلامی است، تحولات عراق باید در چارچوب زیر ساخت‌های معنوی نظام و در منزلت الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت مورد دقت قرار گیرد.

15- کاهش رشد اقتصادی در سال گذشته به دلیل اجرای طرح هدفمندی یارانه‌ها و فقدان پیش‌بینی نسبت به آزاد سازی قیمت‌ها و غفلت از تورم انتظاراتی بوده است. سرایت تورم انتظاراتی از الگوی مصرف به الگوی تولید، علت بالا رفتن هزینه تولید کالا و تعطیل شدن بنگاه‌ها و پایین آمدن نرخ اشتغال شده است.

باید از سبک زندگی اقتصاد سرمایه‌داری فاصله گرفت تا بتوان فشار الگوی تولید جهانی و منطقه را بر الگوی تولید داخل (که باعث تحقیر نیروی انسانی در ایران است) کاهش داد و با تعریف جدید از رفاه مادی متناسب با اقتصاد مقاومتی، بافت صادرات و واردات را تغییر داد و هزینه تولید داخل را کم کرد تا اشتغال رونق یابد.

16- الگوی تولید در نظام سرمایه‌داری برای بالا رفتن سود سرمایه به اتوماسیون و Hi تکنولوژی و ارزش افزوده فکر می‌کند، حال آن‌که این امر با اشتغال ذاتاً درگیر است. لذا برای احیاء کرامت انسانی باید به جای تعیین سبد کالا و تعیین نرخ سود سرمایه، سبد کار میزان تعیین نرخ سود سرمایه قرار گیرد و این امر تحقق نمی‌یابد مگر اینکه الگوی تولید از Hi تکنولوژی به تکنولوژی متوسط در مصرف عمومی و سیاست‌های صادراتی تغییر جهت دهد. در این صورت است که کرامت قشر کارگر به میزان مطلوب خود بازمی‌گردد.

17- باید بین تورم موجود با تورم هماهنگ با نرخ سود بانکی - که با نقدینگی کنترل می‌شود - تفاوت قائل شد. تورم موجود، یک نوع تورم انتظاراتی و مخصوص جمهوری اسلامی است. همان طور که گذشت، با تغییر تعریف رفاه مادی در اقتصاد (به معنای تغییر جهت حاکم بر

صادرات و واردات و نظام موازنه ارزی) از طریق بهینه‌الگوی تولید داخلی، تورم کنترل می‌شود.

18- در اجرای فاز اول قانون هدفمند کردن یارانه‌ها با آزادسازی نرخ ارز و عدم توجه به تورم انتظاراتی و تسری آن به الگوی توزیع (خدمات) و الگوی تولید (بخش صنعت و کشاورزی)، وضعیت ناهنجاری در اقتصاد ایجاد شده است و الگوی مصرف همراه با الگوی تولید و توزیع از مدار نسبی خود خارج شده است. راه حل خود را در هر سه بند گذشته توضیح داده‌ام.

19- در بند 17 توضیح کامل داده شد.

20- در بند 18 توضیح کامل داده شد.

21- در بند 17 توضیح کامل داده شد.

22- در فرهنگ مدرنیته بر همه مقولات - از جمله آموزش و پرورش که مسئولیت تربیت نیروی انسانی کارآمد به عهده آن است - نگاه اقتصادی حاکم است و سهم تأثیر هر موضوع در تولید ثروت ملی ارزیابی می‌شود. در اندیشه مقام رهبری (دام‌ظله) انسان، اکونومیک نیست بلکه کرامت انسان براساس آموزه‌های دینی و فرهنگ مقاومتی، منزلتی اخلاقی است و تحول در آموزش و پرورش با این رویکرد مطالبه شده است. لذا تربیت نیروی انسانی ایثارگر، متعهد، دارای وجدان کاری و انضباط اجتماعی و قانون‌مدار و... با مکتب اسلام و فرهنگ انقلابی میسر است و با تدوین سبک زندگی اجتماعی اسلام می‌توان آموزش و پرورش مولد داشت.

23- همان‌طور که مقام معظم رهبری (دام‌ظله) فرمودند آموزش و پرورش عالی در ایران بیمارگونه وارد شده است و نیازمند به تحول است و تعمیم و عمق‌بخشی آن با راه‌کارهای غربی تعلیم و تربیت، باعث ادامه ناهنجاری‌های موجود می‌شود. پس باید با تکیه به فرهنگ

ایثار و شهادت و تئوریزه کردن تجربه آن‌چه در این 34 سال مقاومت کسب شده، به تولید نظام فکری برای نظامات اجتماعی اسلام روی آورد و از مکتب غنی اسلام برای حل چالش‌های تربیتی استفاده کرد. تا آن زمان و در کوتاه مدت می‌توان از تجارب علمی روز با تعریف جدید در فرهنگ مقاومت استفاده نمود.

24- برای تقویت آن باید رویکرد حاکم بر سند برنامه درسی ملی را به وسیله بند 23 بهینه نمود.

25- در شیخون فرهنگی، دشمن به وسیله‌ی زیبایی‌شناسی دنیایی و هنر مادی (بمثابه منعکس‌کننده و آئینه تمدن کاربردی غرب) از مرزها می‌گذارد و ایجاد جاذبه می‌نماید. در این میان، بخشی از آئینه تمدن مدرنیته را ورزش قهرمانی به خود اختصاص داده است و لذا تحلیل آسیب‌های ورزش قهرمانی از این منظر قابل ملاحظه است.

در تمدن موجود، هر چیز باید نسبت به سهم تأثیر آن در «تولید ثروت» سنجیده شود و بر این اساس به توسعه و بسط آن پرداخته شود. لذا هنگامی که در نگاه جمعیت‌شناسی به مقوله‌ی جوانان، تولید ثروت بعنوان یک اصل قرار گیرد و بر همین اساس، «ورزش» به «هویت جوانان» تبدیل شود؛ یک خطر جدی برای جامعه جهانی رخ داده است. کالا شدن نیروی جوانی برای حس برتری جویی و منزلت یافتن این امر در نظام اقتصاد سرمایه‌داری به نفع ثروتمند شدن یک قشر خاص در جامعه جهانی - که در باشگاه‌های ورزشی درآمدزا تبلور یافته - بزرگترین توهین به بشر است، زیرا هویت جوانی بعنوان دوره شکوفایی انسانی و برترین مقطع حیات جوامع مورد هجومه واقع شده است و منزلت اخلاقی، عقلانی، علمی و فرهنگی در هویت بخشی به جوانان در اولویت قرار نمی‌گیرد. این امر ذاتاً با سجایای اخلاقی درگیر بوده و علت سقوط اخلاق جوامع می‌شود.

اما در نظام جمهوری اسلامی با آرمان‌های ارزشی و مکتبی خود، می‌توان تعریف جدیدی از ورزش را مطرح کرد و بعنوان وسیله‌ای برای گسترش فرهنگ و اخلاق به آن پرداخت. پس ورزش هم‌هنگ با فرهنگ مقاومت:

اولاً به ورزش‌های رزمی اولویت می‌دهد

و ثانیاً برای جلوگیری از آسیب‌های شهرنشینی به ورزش همگانی و خانوادگی اهتمام می‌ورزد

و در درجه سوم به ورزش قهرمانی برای صدور هویت اسلامی انقلابی نظام و ارزش‌های مکتب مبادرت می‌نماید.

بنابر آنچه گذشت، اصلی‌ترین مسایل حوزه ورزش، توجه به تدوین استراتژی صنعت و تکنولوژی ورزش و زیرساخت‌های ورزش بر اساس رویکرد ذکر شده در بند 2 می‌باشد. هزینه‌های ورزش رزمی باید دولتی باشد؛ هزینه ورزش همگانی باید به عهده بخش تعاونی‌ها و اوقاف باشد و هزینه‌های ورزش قهرمانی باید به عهده بخش خصوصی باشد و تعریف «عدالت و تعادل» در بخش ورزش را به اولویت‌بندی ارائه شده می‌دانیم.

ورزش برای جامعه بانوان باید براساس احکام اسلام و در ورزش همگانی دیده شود و ورزش رزمی و ورزش قهرمانی را فقط با شروط خاص و برای رساندن پیام عفاف و حجاب به فرهنگ بیمار غرب تجویز نمود (مانند تیراندازی با کمان)

26 و 27- نگاه جمعیت‌شناسی به زنان و ترسیم سهم تأثیر آنان در تولید ناخالص ملی (نگاه

اشتغالی) به نهاد خانواده ضربه می‌زند و از طرف دیگر نگاه اقتصادی به جنسیت زنان در

زمینه‌های تبلیغی و هنری و روابط غیر قاعده‌مند آنان به عنوان جایگاهی رسمی در جهان،

بنیان زن و خانواده را از بین برده است. این روند در نظام جمهوری اسلامی مشروط به

عدم مخالفت با احکام اسلامی جریان یافته است و وضعیت فعلی عفاف و حجاب در جامعه را رقم زده است. راه چاره، تغییر «فرهنگ مادی برنامه‌های توسعه» به «فرهنگ انقلاب و اندیشه مقام معظم رهبری» است؛ لذا مهندسی «خانواده» به عنوان «سلول اصلی جامعه» باید جایگزین «تعریف شهروند به عنوان سلول اصلی جامعه» گردد. بنا بر نظر مقام معظم رهبری (دام‌ظله) که خانواده، سلول اصلی جامعه است، باید نگاه خود را در فرهنگ دینی و ارزشی خود بجویم. از این رو کیفیت تئوریزه کردن خانواده به عنوان محیط «تولید اخلاق» در نهادهای معنوی همچون مساجد، حسینیه‌ها، مدارس و دانشگاه‌ها و رسانه ملی پدیده‌ی جدیدی است که باید به ساختارسازی برای آن اقدام نمود.

28- باید رویکرد فعلی را به نیازهای سازمانی نظام مقید کرد و از ارتباط بین صنعت و دانشگاه برای «ارتقاء رفاه مادی در مصرف عمومی» پرهیز نمود.

29- نخبگان دانشگاه باید با واقعیت‌های جامعه انقلابی و سفارشات گفتمان انقلاب مواجه شوند و با گفتمان‌سازی، عزم ملی در نخبگان به وجود آورد.

30- در بند 16 پاسخ داده شده است.

31 و 32- در نظام جمهوری اسلامی، تعمیم رفاه مادی بر اساس الگوی مصرف انقلابی و عدالت محور انجام می‌گیرد و با «تعمیم رفاه مادی درآمذا و دارای توجیه اقتصادی» در نظام سرمایه‌داری کاملاً فرق می‌کند (که ایجاد فاصله طبقاتی می‌کند و جغرافیای سیاسی یک نظام را براساس تولید ثروت، تغییر جهت می‌دهد).

از این رو مهاجرت‌ها در کشورهای توسعه‌یافته تعریف شده و قابل کنترل است، اما در ایران اسلامی و انقلابی به یک معضل تبدیل شده است. بنابراین اگر به الگوی پیشرفت و اقتصاد مقاومتی در اندیشه مقام معظم رهبری (دام‌ظله) توجه شود و در نسبت بین «صنعت، خدمات،

کشاورزی» منزلت کشاورزی در اولویت اول قرار گیرد و زیرساخت‌های آن در الگوی مصرف داخلی و منطقه به وجود آید، جلوی این مهاجرت‌ها گرفته می‌شود، حال آن‌که با توسعه مناطق تجاری آزاد، صنعت در اولویت اول قرار می‌گیرد و به تبع، توسعه کلان شهرها باعث تشدید مهاجرت‌ها می‌گردد.

33- فاصله طبقاتی در اقتصاد سرمایه‌داری با اعتقادات مکتبی و فرهنگ مقاومتی درگیر بوده و قابل قبول نیست؛ همچنان که شرایط فعلی را قابل قبول نمی‌دانیم. با تدوین اقتصاد مقاومتی و راه‌حلی‌هایی که در بند 15 تا 21 ارائه شد می‌توان از چالش‌های موجود خارج شد.

34- تغییر جغرافیای سیاسی کشور بر اساس الگوهای غربی باعث رقابت اقوام برای جذب امکانات دنیوی بهتر و رفاه مادی بیشتر و ناسازگاری میان آنان شده است و لذا محرومیت‌زدایی با رویکرد اقتصاد سرمایه‌داری قابل قبول نیست.

از سوی دیگر جغرافیای سیاسی - اقتصادی کشور نباید میدان ترک‌تازی اقتصاد منطقه، بین‌الملل و جهانی آن هم تحت پوشش اموری مانند «منطقه ویژه اقتصادی» قرار گیرد. لذا در صورت نگاه ابزاری به رفاه مادی، استقلال اقتصادی قابلیت تحقق خواهد یافت؛ یعنی باید استقلال اقتصادی با نگاه سیاسی تدوین شود.

35 و 36 و 37 و 38 و 39- به بند 25 مراجعه شود.

40 و 41 و 42. آیا آزادی فضای رسانه‌ای در فرهنگ جهانی و بین‌المللی به یک شوخی

مضحک تبدیل نشده است؟!

آیا آزادی فضای رسانه‌ای در فرهنگ جهانی منوط به فرهنگ جاری و ساری منافع مادی

آنها و استعمار نوین و علمی آنها در دنیا نمی‌باشد؟

بہتر است سؤال شود در «فرہنگ مقاومت» آزادی‌های مدنی، مطبوعاتی و رسانہ‌ای چہ تعریفی دارد و برای آن دارای چہ برنامه‌هایی هستید؟ آن‌چہ تجربہ شدہ است افتخارات 34 سالہ انقلاب اسلامی در این زمینہ است و برای آیندہ باید رفتار گذشتہ خود را تئوریزہ کنیم تا آزادی‌ها پایدار ادامہ پیدا کند. دسترسی عادلانہ مردم بہ اطلاعات، پایہ تئوری ولایت در جمہوری اسلامی است و تحقق این مہم، منوط بہ دستیابی بہ «الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت» بر اساس نظام فکری انقلاب است. گرچہ دسترسی یکسان مردم بہ اطلاعات در ہیچ جای دنیا معنا نداشتہ و ندارد.

مطبوعات در فلسفہ دموکراسی چشم و گوش مردم نبودہ بلکہ ابزار تحمیل عقاید احزاب و گروہ‌ها بر مردم می‌باشند. مطبوعات در مردم‌سالاری دینی بہ سہ سطح «نظام، اصناف، قومیت‌ها» تقسیم می‌گردند و برای ہر کدام تعریف مشخص و کارآمدی خاص تعیین می‌شود کہ ہمگی در جہت ارتقاء ظرفیت مردم خواہد بود. انتقاد و تضارب افکار و سلائق، مخصوص نظامات الہی است، زیرا فقط نظام‌های دینی، مردمی هستند.

رسانہ‌های جمعی، ابزار تولید قدرت از طریق طبقہ‌بندی ہدفمند اطلاعات در ہر نظام هستند. لذا ہر چہ از تئوری قدرت در فلسفہ‌ی دموکراسی پرهیز کنند و بہ تئوری اخلاق‌محور ولایت مطلقہ فقیہ در طبقہ‌بندی اطلاعات نزدیک‌تر شوند؛ اہداف ارزشی بستر تحقق پیدا خواہند کرد و ہم‌پستگی ملی افزایش می‌یابد.

بر ہمین اساس، «رسانہ‌ی ملی» باید بہ دنبال «ہویت اسلامی - انقلابی نظام» باشد؛ «رسانہ‌های استانی» بہ دنبال «ہویت خانوادہ و امور اخلاقی» باشند و «رسانہ‌های صنفی» بہ دنبال «ہویت توسعہ مادی و رفاه مادی» مردم باشند.

43- امید و نشاط اجتماعی در فرهنگ مقاومت از امور معنوی است که در ارتباط با خدای متعال معنا می‌شود اما امید و نشاط اجتماعی با تعریف فرهنگ مدرنیته در تعارض با مبانی ارزشی نظام است.

44- وضعیت سینمایی امروز با فرهنگ مقاومت و انقلاب و ارزش‌های دینی بیگانه است و تا سینمای ایرانی با این واقعیتها گره نخورده و به این معنا سیاسی نشود، قدرت فرهنگ‌سازی ندارد. هنر، آینه منعکس‌کننده نظام اختیارات در هر جامعه و به عبارت دیگر تجسم آرمان‌ها و اهداف نظامات اجتماعی است که کارکرد آن، تثوریزه کردن ارزش‌ها و انگیزش‌های اجتماعی است. توجه به هنر و ظرفیت‌های هنری در برنامه مکفی است؛ اما جهت حاکم بر بخش هنر، «اخلاقی، مقاومتی و واقعی» نیست و لذا جریان انقلاب در بخش هنر با گفتمان‌سازی به وجود می‌آید.

سؤالات مردمی شبکه سوم سیما

1- از برخورد سیاسی با نخبگان باید پرهیز کرد و گفتمان‌سازی را نسبت به تخصص آن‌ها در دستور کار قرار داد. اولویت اول در این رابطه، اهتمام به سفارشات علمی و «نظام سؤالات» طرح شده توسط گفتمان انقلاب اسلامی در قالب «سلسله نشست با نخبگان» است و سپس باید به بررسی تئوریک «نظام آماری معنادار، عینی و تحقق یافته» در طول 34 سال تجربه انقلاب اسلامی پرداخت.

3- هدفمند کردن یارانه‌ها برای اصلاح الگوی مصرف مردم بود تا از اسراف جلوگیری شود و مدیریت هزینه‌ها به عهده خود مردم قرار گیرد که مردم در این امر موفق بودند، اما به دلیل عدم تحلیل از وجود تورم انتظاراتی در جامعه ایران و تعمیم آن از مصرف به توزیع و تولید، پیش‌بینی‌ها غلط از آب درآمد. همچنان که از ضرورت تحلیل نظام اقتصادی کشور در شرایط منطقه‌ای، بین‌المللی و جهانی غفلت شد و بجای آغاز طرح از آزادسازی قیمت ارز، این طرح از آزادسازی قیمت کالاها شروع شد در حالی که اجرای این طرح، باید بر اساس تحلیل از نظام موازنه ارزی و برخورد الگوهای تولید خارج با الگوی تولید داخلی بررسی می‌شد.

4- ریشه‌ی تورم، گرانی و جهش قیمت‌ها بدلیل جریان اقتصاد مدرن (سرمایه‌داری) در ایران از طریق قبض و بسط و چالش میان «نرخ سود سرمایه» با «نرخ کار» در چهار بازار است که اجازه‌ی جریان قاعده‌مند به الگوی درآمد در نظام سرمایه‌داری و طبقه‌بندی طبقاتی براساس مشاغل و تخصص را نمی‌دهد. به بیان دیگر در ایران به دلیل شعار عدالت‌خواهانه، عدم تبعیت نرخ کار از سود سرمایه، علت افزایش قیمت‌هاست و لو نقدینگی در جامعه کاهش پیدا کند.

5- نرخ تورمی که پایگاه آن نقدینگی است، باید با نرخ سود بانکی هماهنگ باشد. اما در ایران، تورم به دلیل عدم تبعیت نرخ قیمت کار از نرخ سود سرمایه است. به همین دلیل است که تولید قطب توسعه نمی‌شود و سود

در بخش توزیع دارای صرفه بیش تری است. باید اقتصاد مقاومتی را مهندسی کرد و در برابر تحریم و فشار الگوی «تولید، تجارت، سرمایه» ی اقتصاد «منطقه، بین الملل و جهان» به استقلال اقتصادی دست یافت.

6- تبدیل ورزش به هویت جوانان و تأثیر متقابل آن در سیاست، با فرهنگ مقاومت نمی سازد. (به بندهای 5 و 13 و 14 در قسمت اجتماعی سوالات شبکه 4 رجوع شود).

7- هنرپیشگان و خوانندگان، مظهر جریان شهوت در انسان مدرن است که آمال و آرزوی نظام سرمایه داری است و این فرهنگ با فرهنگ الگوسازی انبیاء و امامان که مظهر جریان اخلاق در جوامع و تاریخ هستند، درگیر است.

8- بنیان فرهنگ توسعه، ضد اخلاقی و ضد ارزشها است. از این رو با بنیان ازدواج و تشکیل خانواده درگیر است. بنابراین تنها راه برون رفت، تولید الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و تدوین سبک زندگی اجتماعی برای تحقق تمدن اسلامی است.

جریان فرهنگ «اقتصاد محور» توسعه، تعریف ارزشها را به فرهنگ قیمت گذاری مادی و سهم تأثیر در تولید ثروت جامعه معنا می کند، لذا خانواده در فرهنگ توسعه به این معناست و نهایتاً نیاز عاطفه و جنسی را قیمت گذاری نموده و جوانان را در مقابل انتخاب فرهنگ ازدواج یا فرهنگ فحشاء قرار داده که در این صورت، عقلانیت انسان اکونومیک، فرهنگ فحشاء را ترجیح داده و جوانان را از موانع مادی و کمرشکن ازدواج فراری می دهد. بنا بر نظر مقام معظم رهبری (دام ظلّه) که خانواده، سلول اصلی جامعه است، باید نگاه خود را در فرهنگ دینی و ارزشی خود بجوییم. از این رو کیفیت تثویزه کردن خانواده به عنوان محیط «تولید اخلاق» در نهادهای معنوی همچون مساجد، حسینیه ها، مدارس و دانشگاه ها و رسانه ملی پدیده جدیدی است که باید به ساختارسازی برای آن اقدام نمود.

9- برنامه حمایت از تولید فکر و علم در دانشگاه باید در ارتباط با استراتژی صنعت تنظیم شود و صنعت نیز به

Hi تکنولوژی و تکنولوژی متوسط و تکنولوژی ساده تقسیم می شود. بخش اول فقط باید در جهت نیاز نظام

اسلامی (مانند اقتدار، تهدیدزدایی، امنیت و...) متمرکز شود و برای تامین نیاز عمومی و اصناف، از بخش دوم و سوم استفاده شود.

10- ایجاد هویت و منزلت اجتماعی برای این قشر از طریق درگیر کردن آنان با نظام سؤالات گفتمان انقلاب باهمکاری در

تدوین اقتصاد مقاومتی

تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

تدوین سبک زندگی اجتماعی اسلامی برای تحقق «مرحله تمدن اسلامی»

تامین نیازهای نظام در «مرحله اضطراب علمی» مانند فن آوری هسته‌ای، فن آوری مخابرات، فن آوری دفاعی و فن آوری هوا و فضا و....

11- پدیده اعتیاد، خودکشی، سرقت، فرار از خانه، قتل و نزاع و مفاصد اجتماعی زاینده فرهنگ توسعه است و ریشه‌ی آن «فقر فرهنگی» آمریکا، اروپا و کشورهای توسعه‌یافته است، نه فقر اقتصادی. گرچه در کشورهای جهان سوم که با همه‌ی مشکلات استعماری ناشی از فرهنگ مدرنیته روبه‌رو هستند، فقر اقتصادی در تشدید این مفاصد اجتماعی نیز مؤثر است.

مهمترین اقدامات برای پیش‌گیری از آسیب‌های فرهنگی، هویت‌سازی براساس فرهنگ مقاومتی و فرهنگ ارزشی دین و صیانت از هویت خودی در مقابل فرهنگ توسعه است.

12 و 13- در شبیخون فرهنگی، دشمن به وسیله‌ی زیبایی‌شناسی دنیایی و هنر مادی (بمثابه منعکس‌کننده و آینه تمدن کاربردی غرب) از مرزها می‌گذارد و ایجاد جاذبه می‌نماید. در این میان، بخشی از آینه تمدن مدرنیته را ورزش قهرمانی به خود اختصاص داده است و لذا تحلیل آسیب‌های ورزش قهرمانی از این منظر قابل ملاحظه است.

در تمدن موجود، هر چیز باید نسبت به سهم تأثیر آن در «تولید ثروت» سنجیده شود و بر این اساس به توسعه و بسط آن پرداخته شود. لذا هنگامی که در نگاه جمعیت‌شناسی به مقوله‌ی جوانان، تولید ثروت بعنوان یک اصل قرار گیرد و

بر همین اساس، «ورزش» به «هویت جوانان» تبدیل شود؛ یک خطر جدی برای جامعه جهانی رخ داده است. کالا شدن نیروی جوانی برای حس برتری جویی و منزلت یافتن این امر در نظام اقتصاد سرمایه‌داری به نفع ثروتمند شدن یک قشر خاص در جامعه جهانی - که در باشگاه‌های ورزشی درآمدزا تبلور یافته - بزرگترین توهین به بشر است، زیرا هویت جوانی بعنوان دوره شکوفایی انسانی و برترین مقطع حیات جوامع مورد هجومه واقع شده است و منزلت اخلاقی، عقلانی، علمی و فرهنگی در هویت‌بخشی به جوانان در اولویت قرار نمی‌گیرد. این امر ذاتاً با سجایای اخلاقی درگیر بوده و علت سقوط اخلاق جوامع می‌شود.

اما در نظام جمهوری اسلامی با آرمان‌های ارزشی و مکتبی خود، می‌توان تعریف جدیدی از ورزش را مطرح کرد و بعنوان وسیله‌ای برای گسترش فرهنگ و اخلاق به آن پرداخت. پس ورزش هم‌هنگ با فرهنگ مقاومت: اولاً به ورزش‌های رزمی اولویت می‌دهد

و ثانیاً برای جلوگیری از آسیب‌های شهرنشینی به ورزش همگانی و خانوادگی اهتمام می‌ورزد

و در درجه سوم به ورزش قهرمانی برای صدور هویت اسلامی انقلابی نظام و ارزش‌های مکتب مباردت می‌نماید. ورزش‌های قهرمانی دارای فرهنگ سرگرمی و ایجاد هیجان‌های روحی در مسابقات مصنوعی می‌باشد، لذا نباید در حد «هویت اجتماعی انسان» مطرح باشند، بلکه بنا به نظر مقام معظم رهبری (دام‌ظله) باید حامل فرهنگ مقاومت و فرهنگ ارزشی نظام باشند. لذا نگاه موجود به ورزش فوتبال و امثال آن صحیح نمی‌باشد. در واقع اقتدار و همبستگی ملی ما نه از ورزش که برخاسته از دین و مکتب ماست و لذا ما نسبت به ورزش قهرمانی نگاه ابزاری داریم.

14- ورزش برای جامعه بانوان باید براساس احکام اسلام و در ورزش همگانی دیده شود زیرا ورزش همگانی زنان نیز بدلیل عوارض شهرنشینی تمدن غربی ضروری است.

ورزش قهرمانی زنان باید به رشته‌های رزمی متناسب با شئون اسلامی محدود گردد و فقط با شروط خاص و

برای رساندن پیام عفاف و حجاب به فرهنگ بیمار غرب انجام گیرد (مانند رشته تیراندازی)

15- از آنجا که فرهنگ مدرنیته، مادی بوده و با فرهنگ ارزشی نظام جمهوری اسلامی ذاتاً درگیر است، لذا جنگ نرم، تهاجم فرهنگی و ناتوی فرهنگی یک امر واضح و بدیهی است. این جنگ ارزش‌های مادی با ارزش‌های الهی، کاربردی و سازمانی و همه جانبه است و برای مقابله با آن، باید تمام قدرت نظام را به صورت همه جانبه به میدان آورد. همه جانبه بودن تهاجم نظام سرمایه‌داری در سطوح سیاسی، فرهنگی، اقتصادی باید تبیین شود تا جهت‌گیری برنامه و چشم‌انداز نظام روشن گردد.

16- وضعیت سینمایی امروز با فرهنگ مقاومت و انقلاب و ارزش‌های دینی بیگانه است و تا سینمای ایرانی با این واقعیتها گره نخورده و به این معنا سیاسی نشود، قدرت فرهنگ‌سازی ندارد. هنر، آینه منعکس‌کننده نظام اختیارات در هر جامعه و به عبارت دیگر تجسم آرمان‌ها و اهداف نظامات اجتماعی است که کارکرد آن، تثویز کردن ارزش‌ها و انگیزش‌های اجتماعی است. توجه به هنر و ظرفیت‌های هنری در برنامه مکفی است؛ اما جهت حاکم بر بخش هنر، «اخلاقی، مقاومتی و واقعی» نیست و لذا جریان انقلاب در بخش هنر با گفتمان‌سازی به وجود می‌آید.

پاسخ به سوالات

کارشناسان شبکه چهارم سیما

1. سیاست (داخلی و خارجی)

2. اقتصادی

3. فرهنگی و اجتماعی

(بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ)

صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

(پاسخ هر نامزد به سه کارشناس)

شبکه چهار سیما

سوالات انتخابات:

سیاست داخلی:

- ۱- به نظر شما مهمترین میثاق میان مردم و مسئولان چیست؟ کشور ما بعد از پیروزی انقلاب اسلامی بلا فاصله صاحب قانون اساسی شد. به نظر شما مردم و مسئولان در مقابل قانون اساسی چه وظایفی دارند؟ جنابعالی به عنوان نامزد انتخابات ریاست جمهوری در مقابل قانون اساسی چه وظایفی دارید؟ رئیس جمهور منتخب در مقابل قانون اساسی چه وظایفی دارد؟
- ۲- امام خمینی (ره) یکی از عوامل پیروزی انقلاب اسلامی ایران و تداوم آنرا وحدت کلمه عنوان فرمودند این عامل امروزه نیز عامل قدرت و اقتدار نظام محسوب میشود. این وحدت را در سه سطح میتوان مورد توجه قرار داد وحدت و همبستگی بین مردم با یکدیگر، وحدت و همبستگی بین مردم با مسئولان و وحدت و همبستگی بین مسئولان نظام با یکدیگر. به نظر شما آسیب هایی که این وحدت کلمه را تهدید می کند کدامند و راهکارهای دفع و رفع این آسیب ها چیست؟
- ۳- رقابت های سیاسی بویژه در مقاطع انتخابات جامعه را دسته دسته و به گروههای مختلف طرفدار نامزدهای مختلف تبدیل میکند. این دسته بندی در مقطع انتخابات شاید طبیعی به نظر برسد اما متأسفانه با پایان انتخابات به پایان نمی رسد و به مرحله بعد از انتخابات هم کشیده میشود که نتیجه آن ایجاد شکافهای سیاسی بین فعالان سیاسی است. به نظر شما چگونه میتوان از این وضعیت گذر کرد و به گونه ای عمل نمود که دسته بندیهای دوره انتخابات به شکافهای سیاسی عمیق و از بین رفتن وحدت و همبستگی ملی منتهی نشود؟
- ۴- برای مدیریت صحیح و کارآمد معمولاً از نیروهای متخصص و کارآمد و متعهد استفاده می شود. آیا شما این اصل را قبول دارید؟ اگر مردم شما را به عنوان رئیس جمهور انتخاب کنند آیا حاضرید از نیروهایی که توانمند و متعهد هستند اما با شما اختلاف نظر دارند در کابینه خود استفاده کنید؟
- ۵- آیا برای تشکیل کابینه صرفاً از نیروهای هم فکر خود استفاده می کنید؟ یعنی اگر فرد توانمندی باشد اما از نظر فکری با شما اختلاف داشته باشد آیا حاضرید از او استفاده کنید؟
- ۶- یکی از عوامل و آسیب هایی که مانع به ثمر نشستن برنامه ها میشود فقدان تداوم و استمرار سیاستها بر اثر تغییر و تحول دولتهاست. برای رفع این مشکل دولتها معمولاً به طراحی برنامه های بلند مدت و میان مدت می پردازند و می کوشند برنامه های کوتاه مدت را متناسب با آن طراحی و اجرا کنند. در کشور ما نیز از یک سو با طراحی سیاستهای کلی با تأیید رهبری و از سوی دیگر با تصویب سند چشم انداز و برنامه های پنج ساله در جهت ایجاد تداوم و استمرار در سیاستها تلاش شده است اما این تداوم و استمرار تحقق نیافته است. به نظر شما چگونه میتوان بین سیاستهای کلی، سند چشم انداز و برنامه پنج ساله با برنامه های سالیانه و اجرایی دولتها هماهنگی ایجاد کرد و از این طریق تداوم و استمرار در سیاستها تا رسیدن به اهداف را تحقق بخشید؟
- ۷- لطفاً یک نمونه از برنامه های موفق در مسئولیتهایی که تا کنون بر عهده داشته اید برای مردم معرفی و تبیین نمایید. کدام بخش از مدیریت شما موفق بوده است؟ چه تأثیری در سازمان مربوطه ایجاد کرده است؟ آیا این تأثیر باعث چابکی سازمان شده است؟ تفاوت آن با گذشته چیست؟ این رویه ای که بیان می کنید در گذشته نیز وجود داشته است پس موفقیت دوران مدیریت شما کجاست؟

۸- در قانون اساسی مهمترین و بالاترین رکن ولی فقیه است. با توجه به این که ولایت فقیه از اهمیت و جایگاه ویژه ای برخوردار است نحوه تعامل خود را با ولی فقیه چگونه تنظیم می کنید؟ رابطه رییس جمهور با ولی فقیه را چگونه می بینید؟

۹- یکی از عوامل آسیب زا در اجرای برنامه ها و پیشبرد امور در جامعه تسری دادن اختلافات و منازعات سیاسی به امور غیر سیاسی است که موجب سیاسی شدن همه امور می گردد. این امر موجب میشود تا به همه امور در عرصه داخلی و خارجی به منظر سیاسی نگریسته شود که نتیجه آن معطل ماندن و عملی نشدن بسیاری از امور غیر سیاسی به دلیل منازعات و اختلافات سیاسی است. شما برای رفع این آسیب چه دیدگاه و برنامه ای دارید؟

۱۰- برای بهره گیری از آراء گروه های مختلف مردم چه مکانیسمی را بکار می گیرید؟ چه فرآیندی را برای تسهیل ارتباط میان مردم و مسئولان پیشنهاد می دهید؟

۱۱- امنیت و آرامش مبنای پیشرفت جامعه است برنامه عملیاتی شما برای ارتقاء آرامش عمومی و امنیت اجتماعی چیست؟ لطفاً به صورت مصداقی و کوتاه این برنامه را ارائه کنید.

۱۲- دیدگاه شما به عنوان یک نامزد انتخابات ریاست جمهوری درباره تعامل قوا با هم چیست؟ طبق قانون اساسی رییس جمهور بعد از رهبری دومین شخصیت سیاسی کشور است به اعتقاد شما آیا این جایگاه باعث می شود رییس جمهور در مقابل سایر قوا احساس مصونیت کند؟ اگر دیدگاه شما با یکی از روسای قوای مقننه یا قضاییه یکسان نبوده و از طرفی این ناهماهنگی باعث تعلل در انجام امور کشور شد شما چگونه با این موضوع برخورد می کنید؟ اگر قانون شما را مکلف کرد تا از دیدگاه خود صرفه نظر کنید این مهم را می پذیرید؟ چه ضمانت اجرایی در این خصوص وجود دارد؟ اگر شما آراء لازم را در انتخابات به دست نیاوردید، چه خواهید کرد؟ آیا حاضر به همکاری با رقیب پیروز هستید؟ در انتقاد از رقیب پیروز، چه ملاحظاتی را مد نظر قرار می دهید؟ آیا شکست شما در انتخابات، در کمیت و کیفیت انتقاد از عملکرد فرد پیروز، تعیین کننده خواهد بود؟

۱۳- به دلیل آزادی های مصرح در قانون اساسی احزاب و گروه های مختلفی در حال فعالیت هستند به اعتقاد شما تکثر و تعدد احزاب سیاسی خوب است یا جامعه را دچار تشتت می کند؟ در چه جاهایی مزیت است به صورت مصداقی بفرمایید این مزیتها چه تاثیری بر پویایی جامعه و نظام دارد؟

۱۴- چه برنامه ای برای تعامل با نخبگان در همه حوزه ها دارید؟ چطور این ضرورت محقق می شود؟ تجلی خرد جمعی در دولت شما در کجاها خود را نشان می دهد؟

۱۵- قومیتها و فرهنگ یکی از ظرفیتهای بالای کشور است آیا برای بهره گیری از این ظرفیت عظیم در راستای نیل به آرمانهای کشور و انقلاب برنامه مشخص و عملیاتی دارید؟

۱۶- شما چه مرجعی را برای ارزیابی عملکرد رئیس جمهور معتبر می دانید؟ دوره زمانی پیشنهادی شما چیست؟ (یکسال، دو سال، ...) در صورتی که ارزیابی این مرجع در پایان این دوره زمانی به سود شما نبوده، چه واکنشی خواهید داشت؟ آیا عذرخواهی از مردم می تواند زمان و امکانات از دست رفته را جبران نماید؟ اگر کارشناسان، تغییر تیم مورد نظر شما را برای جبران این ناکامی ضروری بدانند، آیا می پذیرید؟ چه مکانیسمی وجود دارد که گردش نخبگان به برنامه های کلان آسیب نرساند و برنامه های کلان تداوم پیدا کند؟

۱۷- جناب عالی نظام اداری و بوروکراسی کشور را چگونه ارزیابی می کنید؟ کدام بخش از آن کارآمد و کدام بخش دارای ضعف است؟ آیا سازوکاری برای اصلاح نظام اداری و کاهش بوروکراسی دارید؟ لطفاً به صورت مشخص و مصداقی ضعف های نظام اداری را برای بینندگان و شنوندگان بیان کنید. شما ضعف نظام اداری را برشمردید اکنون به صورت مشخص سازوکار رفع

این نقایص را بیان فرمایید. چه راه کار عینی برای کاهش رابطه سالاری دارید؟ آیا با این راه کاری که ارائه کردید می توان رابطه سالاری را از نظام اداری حذف کرد؟ اگر بخواهیم مصداقی بگوییم: برخی از موضوعات همچون استخدام ها، مزایده و مناقصه ها و امور دیگر مانند پدیده پارتی بازی بعضاً دیده می شود. شما برای رفع این پدیده که با عدالت در تضاد است چگونه عمل می کنید؟

۱۸- موضوعی که مورد تأکید و توجه بسیاری از کارشناسان و متخصصان است، نظارت مستمر و دقیق است. رهبر معظم انقلاب اسلامی هم بارها به این موضوع اشاره کرده اند. جایگاه نظارت از نظر شما چگونه است؟ اگر رئیس جمهور شدید با نهادهای نظارتی که عملکرد شما و همکارانتان را ارزیابی می کنند، چگونه همکاری می کنید؟ حاضرید به نهادهایی چون سازمان بازرسی، دیوان محاسبات و ... پاسخ درخور بدهید و احیاناً اگر مدیری از مجموعه شما تخلف یا سهل انگاری کرد مطابق قانون با آن برخورد کنید و قانون را اجرا می کنید؟ حتی اگر آن مدیر متخلف از نزدیکان شما باشد؟ اگر این سؤال را سال آینده که رئیس جمهور شدید از شما پرسیم باز هم با این صراحت لهجه همین پاسخ را خواهید داد؟

۱۹- شما چه جایگاهی برای منتقدان سیاست های خود در نظر می گیرید؟ در این مرحله، برنامه های نامزدها در معرض قضاوت و انتقاد قرار می گیرد؛ در صورت پیروزی، آیا شما به انتقادات وارده در این مرحله، ترتیب اثر می دهید و از آراء منتقدان برای اصلاح و تقویت برنامه های خود بهره می گیرید؟

۲۰- برنامه های شما برای بالا بردن و ارتقاء فرهنگ مشارکت عمومی به منظور بالا رفتن اقتدار و قدرت ملی چیست؟

سیاست خارجی:

- ۱- سیاست خارجی را برخی امتداد سیاست داخلی در خارج از مرزها می‌دانند. اما تفاوت عمده آن این است که در محیطی بسیار متفاوت با محیط داخلی پیگیری و اجرا میشود. دیدگاه شما درباره محیط بین‌المللی چیست و در وضعیت کنونی نظام بین‌المللی را دارای چه ویژگی‌هایی می‌دانید؟ و با توجه به این ویژگی‌ها چگونه می‌خواهید سیاست خارجی خود را در این نظام پیگیری کنید؟
- ۲- اولویت‌های فکری و مبنایی شما در سیاست خارجی چه خواهد بود؟ سیاست خارجی مورد نظر شما برپایه اعتمادسازی و تنش‌زدایی با غرب است یا تقویت نگاه به شرق؟
- ۳- بی‌اعتمادی به غرب را با توجه به تجربه تلخ ملت ایران از اقدامات خصمانه غرب در چارچوب سیاست خارجی چگونه ارزیابی می‌کنید و آیا جایگاهی برای عزم و ایستادگی و روحیه جهادی در این مسیر قائل هستید؟
- ۴- بعد از انقلاب اسلامی دو دیدگاه درباره سازمان‌های بین‌المللی مطرح شد و رودر روی هم قرار گرفت، دیدگاهی که سازمانها را نهادهای خنثی و بی‌تأثیر و تحت نفوذ قدرتها می‌داند و دیدگاهی که آنها را بازیگرانی مستقل می‌شناسد. دیدگاه اول چندان به همکاری با سازمانها راغب نیست اما دیدگاه دوم همکاری با سازمانها را می‌پذیرد و پیگیری اهداف ملی را در چارچوب این سازمانها عملی می‌داند. شما در کدام دسته جای می‌گیرید و دیدگاهتان درباره همکاری با سازمانهای بین‌المللی چیست؟ و چقدر آنها را مهم و مؤثر می‌دانید؟
- ۵- زمینه‌ها و ظرفیت‌هایی که در عرصه بین‌المللی برای پیگیری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران وجود دارد کدامند. چگونه می‌توان از این زمینه‌ها و ظرفیت‌ها در جهت پیشبرد سیاست خارجی سود برد؟
- ۶- دو سال دیگر از ریاست ایران بر جنبش عدم تعهد باقی است، به نظر شما جنبش غیرمتعهدها کارایی لازم را برای ایفای نقش مؤثر و نتیجه‌بخش در مجامع بین‌المللی دارد؟ اساساً برای رسیدن اعضای جنبش به یک اتحاد و هماهنگی و مؤثر واقع شدن تصمیمات‌شان، در مجامع بین‌المللی، ایران به عنوان ریاست این جنبش چه اقداماتی را می‌تواند انجام دهد؟ چگونه؟
- ۷- یکی از مزیت‌های نسبی ایران که در واقع قدرت نرم ایران برای پیگیری اهداف سیاست خارجی محسوب میشود دیدگاه فرهنگی ایران به روابط بین‌الملل و توجه به روابط با ملتها و مردم به جای رابطه صرف با دولتهاست. این دیدگاه که با اصولی چون عدالت‌طلبی، حمایت از محرومان و مستضعفان و تغییر نظام مبتنی بر سلطه و زور شناخته میشود زمینه را برای استفاده از دیپلماسی فرهنگی و دیپلماسی عمومی (کنار دیپلماسی سنتی) در جهت پیگیری اهداف سیاست خارجی فراهم کرده است. دیدگاه شما درباره دیپلماسی فرهنگی و دیپلماسی عمومی چیست؟ و این دیپلماسی چه جایگاهی در سیاست خارجی شما خواهد داشت؟
- ۸- «هسته‌ای شدن ایران» و تأکید بر داشتن این حق با توجه به فتوای رهبر معظم انقلاب اسلامی که استفاده از سلاح هسته‌ای را حرام دانسته‌اند در ادامه سیاست‌های ثابت جمهوری اسلامی ایران یکی از مباحث ثابت در برنامه‌ریزی رییس دولت آینده نیز خواهد بود؛ پیگیری حقوق دستیابی ایران به انرژی هسته‌ای از نظر شما در چه اولویتی برای کشور و ملت ایران قرار دارد؟ ایده و طرح شما در مذاکرات هسته‌ای چه خواهد بود؟ چگونه می‌توانید مذاکرات را به نتیجه مطلوب ایران با صرف هزینه کمتر برسانید؟

۹- در صورتی که روند تحریم‌ها کماکان ادامه یابد، و تامین نیازهای اولیه مردم در اولویت باشد دولت شما چه تدبیری برای تامین نیازها خواهد اندیشید که بتواند در کوتاه مدت جواب بدهد؟ با توجه به بحث تحریم‌ها، چه راه‌کار برون‌رفتی از این مسئله با حفظ اقتدار نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران از یک سو و پیشرفت فناوری هسته‌ای از سوی دیگر متصور هستید؟

۱۰- اگر افزایش رفاه اقتصادی از راه جذب سرمایه‌گذاری خارجی، اجرای کامل اصل ۴۴ قانون اساسی در واگذاری بنگاه‌های دولتی به بخش خصوصی و برخورداری کشور از فناوری صلح آمیز هسته‌ای را جزو منافع ملی کشور تعریف کنیم، دولت شما برای پیشبرد همزمان این اهداف سیاست خارجی خود را بر چه اصولی بنا خواهد کرد؟

۱۱- پیشنهاد مذاکره از سوی آمریکایی‌ها را تا چه حد عملی و صادقانه می‌دانید و به نظر شما موضوع مذاکره با آمریکا تا چه اندازه در حیطه وظایف و اختیارات ریاست جمهوری است؟ و اساساً در چه شرایطی، مذاکره با آمریکا به مصلحت ایران و ملت ایران است؟

۱۲- به نظر شما آینده روابط ایران با اتحادیه اروپا چگونه خواهد بود؟ انتظار می‌رود که در صورت حفظ موضع فعلی ج.ا.ایران در مسأله پرونده هسته‌ای، رویکرد اجماع فشار و تحریم از سوی اتحادیه اروپا تداوم یابد و فضا تنگ‌تر از گذشته شود. در چنین فضایی اتهام‌زنی‌ها و فشارهای بین‌المللی در بعد حقوق بشر و مسأله هسته‌ای، محدودیت تماس‌های دیپلماتیک، و تحریک همسایگان علیه کشورمان ادامه خواهد یافت. با تداوم اختلافات سیاسی، در بعد اقتصادی نیز انتظار می‌رود که حجم مبادلات بین ج.ا.ایران و اتحادیه اروپا در آینده کاهش محسوسی داشته باشد. سناریوی مد نظر شما برای حل این مسئله چیست؟

۱۳- تحولات و دگرگونی‌های منطقه خاورمیانه یا به تعبیر دقیق‌تر غرب آسیا و شمال آفریقا در سه سال اخیر جغرافیای سیاسی منطقه را تغییر داده و بسیاری از مناسبات را تحت تاثیر قرار داده است. این تغییرات از یک سو فرصت‌های بی نظیری را برای جمهوری اسلامی ایران فراهم آورده است اما از سوی دیگر تهدیدهایی را نیز مطرح ساخته است. به نظر شما این فرصت‌ها و تهدیدها کدامند و برنامه شما برای استفاده از فرصت‌ها جهت پیشبرد سیاست خارجی و دفع تهدیدها چیست؟

۱۴- مسئله فلسطین چگونه که امام (ره)، طرح کردند از آرمان‌های نظام جمهوری اسلامی است. برخی به این مسئله انتقاد دارند؟ نظر شما در این باره چیست؟ آیا برآنید که این مسئله همچنان آرمان جمهوری اسلامی است؟ پیگیری چنین آرمانی را در دولت خود چگونه محقق می‌کنید؟

۱۵- بعضی از صاحب‌نظران معتقدند که، حضور بیش از اندازه ایران در مسایل خاورمیانه به خصوص مسایل جهان عرب از جمله مسئله فلسطین و لبنان تنش زاده و هزینه‌های جدی سیاسی در روابط ایران با کشورهای منطقه و جهان غرب به خصوص آمریکا دارد. لذا ایران نباید بیش از اندازه بر منطقه گرایشی تأکید کند. براین اساس بهتر است که ایران تنها حضور فعال در محیط فوری امنیتی خود در سطح همسایگان داشته باشد. در مقابل، دیدگاهی هم وجود دارد که معتقد است ایران می‌بایستی حضوری فعال و تأثیرگذار داشته باشد و از نقش و نفوذ خود برای رفع تهدیدات امنیتی ناشی از آمریکا و اسرائیل و همچنین حفظ منافع استراتژیک خود در منطقه و درارتباط با قدرت‌های بزرگ استفاده کند. دیدگاه شما در این زمینه چیست؟

۱۶- منطقه خلیج فارس حائز اهمیت حیاتی برای توسعه، امنیت و منافع ملی ایران است. خلیج فارس همچنین راه اصلی ارتباطی ایران به جهان آزاد، صدور انرژی و واردات کالا و نهایتاً امنیت انرژی و نقطه اتصال به آسیای جنوبی و شرقی است. از سوی دیگر حضور فعال در مسائل سیاسی - امنیتی خلیج فارس، عراق و جهان عرب به ایران قدرت ایفای نقش در مسائل منطقه

ای و در روابط با قدرت‌های بزرگ می‌دهد. به نظر شما برای ارتقای ضریب نفوذ ایران در منطقه باید چه تمهیداتی در نظر قرار گیرد؟ مواضع و واکنش خصمانه برخی از کشورهای منطقه علیه ایران و دوستی و اتحاد آنان با غرب را چگونه ارزیابی خواهید کرد؟ آیا راهبرد کلان و یا عملیاتی برای ایجاد یک سیستم امنیتی پایدار در خلیج فارس پیشنهاد می‌کنید؟

۱۷- عراق و تحولات آن، با توجه به قرابت جغرافیایی و پیوندهای تاریخی، فرهنگی و اجتماعی بین دو ملت ایران و عراق، می‌تواند تأثیرات زیادی بر منافع و سیاست‌های ایران داشته باشد. سیاست شما درباره عراق و تحولات آن چیست؟

۱۸- سه کشور فارسی زبان ایران، افغانستان و تاجیکستان پتانسیل بالایی برای همکاری و ایفای نقشی فعالتر در عرصه بین الملل دارند، نزدیکی به این دو کشور و ایجاد یک اتحاد مبتنی بر فرهنگ و تاریخ مشترک چه جایگاهی در سیاست خارجی شما دارد؟

۱۹- بعد از فروپاشی شوروی، ایران با ۴ کشور در حاشیه دریای خزر همسایه شد. این منطقه به دلیل نزدیکی به دو قدرت اتمی (هند و پاکستان)، رشد اقتصادی سریع، جمعیت زیاد و... از حساس‌ترین مناطق جهان است. به همین دلیل امروز اغلب قدرت‌های مهم به نوعی توجه خود را به این منطقه معطوف کرده‌اند، راهبرد شما برای توسعه روابط با این کشورها چیست؟

۲۰- ایران و روسیه در سطح بین الملل هر دو نارضایتی خود را از نظام تک قطبی و سیاست‌های یک جانبه گرایانه آمریکا اعلام کرده‌اند. موضوع هسته ای ایران در رابطه با روسیه نقش تعیین کننده ای دارد از سوی دیگر نگاه ابزاری روسیه به ایران، سیاست‌های سودجویانه روسیه در زمینه تعیین رژیم حقوقی دریای خزر و ناهمگونی ایدئولوژیکی و فرهنگی دو کشور به عنوان مشکلاتی در رابطه دو کشور مطرح است. از دیدگاه شما در رابطه با روسیه کدامیک از منافع ملی ما اهمیت بیشتری دارد؟ برای کاهش مشکلات با روسیه و روابط آبی با روسیه چه راهکاری را مد نظر دارید؟

۲۱- رویکرد شما برای بهره گیری از فرصت‌های موجود در آفریقا در ابعاد سیاسی و اقتصادی چیست؟

۲۲- آیا به ادامه سیاست روابط دوستی با کشورهای آمریکا لاتین قائل هستید؟ چه راهکاری برای مقابله با طرح آمریکایی مقابله با نفوذ ایران در امریکای لاتین که سال گذشته در دستور کار قرار گرفت، مد نظر دارید؟

۲۳- دیدگاه شما برای تعمیق و گسترش و زنده بودن بیداری اسلامی چیست؟

۲۴- سیاست‌های راهبردی ایران برای مقابله با تروریسم در منطقه سیاست‌های مناسبی بوده است؟ شما چه نوع سیاستی را مدنظر دارید؟ برای پیشبرد سیاست پیشنهادی خود نیاز به همکاری کشورهای دیگر در منطقه می‌بینید؟ این همکاری را چگونه بوجود می‌آورید؟

- ۱- سند چشم انداز ۲۰ ساله با این هدف طراحی شده است که برنامه های کوتاه مدت و میان مدت اقتصادی دولتها به گونه ای طراحی و اجرا شود که نوعی تداوم و استمرار در برنامه های اقتصادی تحقق پیدا کند تا منجر به تحقق اهداف مندرج در سند چشم انداز ۲۰ ساله شود. به نظر شما طراحی چشم انداز ۲۰ ساله و عمل کردن بر اساس آن تا چه میزان ضرورت و اهمیت دارد؟ برنامه های شما تا چه میزان با سند چشم انداز و دیگر اسناد بالادستی منطبق و هماهنگ است؟
- ۲- با توجه به ناکارآمدی الگوهای غربی و غیربومی پیشرفت و عدم انطباق آنها با جامعه و فرهنگ ملی ما، طراحی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت در دستور کار قرار گرفته است. چنین الگویی که بتواند به عنوان یک الگو مورد استفاده ایران و سایر کشورهای اسلامی قرار گیرد دارای چه ویژگی هایی باید باشد و برنامه های شما تا چه میزان مبتنی بر چنین ویژگی هایی است؟
- ۳- یکی از راهکارهای ایجاد اقتصاد مقاوم و کاهش اثرات تحریم ها، توجه جدی به تولید ملی و کم کردن وابستگی اقتصاد کشور به درآمدهای حاصل از صادرات نفت است هرچند در شعار قریب به اتفاق دولت های بعد از انقلاب مطرح شده اما چندان پی گیری و عملیاتی نشده است و همچنان بعنوان مطالبه رهبری، مردم و کارشناسان مطرح است. آیا برنامه مشخص و مدونی در این زمینه دارید؟ راهکارهای عملیاتی شما برای ایجاد اقتصاد بدون اتکا به نفت چیست؟
- ۴- همانگونه که می دانید طرح تحول اقتصادی به عنوان یک برنامه اصلاح ساختارهای اقتصادی کشور (بهره وری، یارانه ها، مالیات، گمرک، بانکداری، ارزش گذاری پول ملی، توزیع کالا و خدمات) تدوین شد. آیا دولت احتمالی شما اهتمام جدی برای تداوم اجرای این طرح دارد؟ این طرح چه اشکالاتی دارد؟ برنامه جایگزین چه خواهد بود؟
- ۵- ارزیابی جنابعالی از اجرای فاز اول قانون هدفمند کردن یارانه چیست؟ ضعف ها و قوت های آن از نظر جنابعالی چیست؟ آیا تزییق نقدینگی به این شیوه در جامعه را تأیید می کنید؟ آیا برای حمایت از دهک های پایین جامعه طرح ویژه ای دارید؟ (خدمات اجتماعی)
- ۶- طبق قانون هدفمند کردن یارانه ها ۳۰ درصد از درآمدهای حاصله از اجرای این قانون باید به صنایع و بخش تولیدی کشور اختصاص پیدا می کرد. این امر محقق نشده است و بخش تولیدی کشور آسیب دیده است. در برنامه اقتصادی جنابعالی برای حل این معضل چه راهکارهایی لحاظ کرده اید؟
- ۷- نیمی از جمعیت ایران فقط در ۲۵ شهر متمرکز شده است و مهاجرت به شهرهای بزرگ همچنان ادامه دارد. نسبت جمعیت شهری در مقایسه با جمعیت روستایی، در حال رشد است و بیش از ۵۰ درصد مهاجران دلیل ترک دیار خود را کمبود امکانات در مبدأ دانسته اند. در این زمینه اکثر دولت ها شعارهایی مبنی بر کاهش مهاجرت و توجه به نقاط کمتر توسعه یافته داده اند اما در عمل این مسئله کمتر اتفاق افتاده است. شما آیا برنامه یا راهبرد خاصی در این زمینه دارید؟ پشتوانه برنامه های شما چیست؟
- ۸- شواهد و اسناد بالادستی مانند «آیین نامه آمایش سرزمین»، «سند توسعه استانها» و «سند سیاست صنعتی کشور» که کار تصویب و ابلاغ آن از دولت هشتم آغاز و در دولت های نهم و دهم با اصلاح و ابلاغ همراه بوده است نشان می دهد مکان یابی توسعه صنعتی کشور در دولت های قبلی چندان هوشمند و هدایت گرانه نبوده است بطوریکه صنایع بالادستی پتروشیمی که اقتصادی بودنش در گرو استقرار در کنار ساحل است به دورن کشور توسعه یافته و به جرات می توان گفت هیچ یک از

این اسناد مبنای توسعه صنعتی کشور نبوده است و گسترش صنعت و سرمایه گذاری از قواعد دیگری مانند بی توجهی به آمایش سرزمین، فقدان نگاه منسجم به نقش دولت در توسعه صنعتی، عدم جهت دهی ابزارهای مدیریت دولت بر بخش صنعت و حاکمیت فشارهای سیاسی در توسعه صنعتی کشور حاکم بوده است.

رویکرد کلیدی و راهبرد اصلی شما برای اجرای صحیح برنامه آمایش سرزمین در ابعاد سرمایه گذاری چیست؟

۹- برخی از آمارهای ارائه شده درباره رشد اقتصادی کشورمان نشانگر کاهش آن بوده است. این امر منجر به کاهش ظرفیت‌های شغلی می‌شود. لذا چشم‌انداز مثبتی در سالهای اخیر در افزایش اشتغال دیده نشده است. راهکارهای عملیاتی و مشخص جناب عالی در برنامه اقتصادی‌تان برای اشتغالزایی چیست؟

۱۰- با توجه به کاهش ارزش پول ملی و تورم موجود در کشور شاهد مساله ای به نام فقر هستیم (کاهش قدرت خرید) برنامه عملیاتی شما برای حل این مشکل چیست و چه برنامه و کارهایی را انجام خواهید داد؟

۱۱- با توجه به اینکه بخش اعظم تولید ناخالص کشور اشتغال، صادرات غیرنفتی، غذای مصرفی کشور از بخش کشاورزی به دست می‌آید. برای تقویت و توسعه این بخش چه برنامه‌هایی دارید؟

۱۲- از میان سرمایه گذاری در بخشهای مختلف اقتصادی، سرمایه گذاری در بخش کشاورزی از اهمیت و جایگاه خاصی برخوردار است. اما به نظر می‌رسد در این بخش به دلایل مختلف سرمایه گذاری های کافی نشده است به طوریکه سهم کشاورزی از محل منابع سرمایه گذاری کمتر از ده درصد است این میزان در کشورهای صنعتی ۴۰ درصد است چه برنامه هایی برای توجه بیشتر به این بخش مهم در اقتصاد کشور دارید؟

۱۳- یکی از مشکلات بخش کشاورزی این است که درآمد حاصل از دست رنج کشاورزان عاید خود آنها نمی‌شود و این دلالتان هستند که اصل سود ناشی از دست رنج کشاورزان را می‌بلعند این مشکل ریشه در چه مسایلی دارد؟ شما به طور مشخص برای حل این مشکل چه برنامه ای دارید؟

۱۴- توسعه صنایع مختلف در کشور هدفمند و هوشمندانه نبوده است بطوریکه با وجود سرمایه گذاری متعدد در توسعه صنایع هنوز در کالاهای استراتژیکی مانند فولاد، قطعات خودرو، خوراک دام، برنج و امثال آن به خارج وابسته ایم و همچنان بسیاری از تولیدات اصلی مانند میگو، زعفران، پسته، نفت و گاز و سنگ معدن و امثال آن خام فروشی می‌شود و همچنان ادامه دارد که این مسئله نشان از نبود هدایت هوشمندانه بر سرمایه گذاری صنعتی و تولیدی کشور است. به نظر شما «نقش دولت در توسعه صنعتی و تولیدی کشور چیست؟» سئوالی که تاکنون هیچ پاسخ شفافی در دولت‌های قبلی به آن داده نشده؟

۱۵- قاچاق کالا یکی از عوامل مهم در کاهش درآمدهای مالیاتی و گمرکی، خروج ارز، بیکاری، و ... است. در برنامه اقتصادی شما چه تدابیری برای جلوگیری از قاچاق کالا در نظر گرفته شده است؟

۱۶- دولت برای تنظیم و هدایت درست صنعت، تولید و گسترش خدمات و ایجاد اشتغال ابزارهای مهمی نظیر اعطای تسهیلات، تعیین تعرفه و مالیات، صدور مجوز و استانداردها در اختیار دارد. اما نبود نقشه جامع توسعه صنعتی و تخطی از برخی مفاد برنامه پنجم توسعه و مغفول ماندن برخی از اصول سند چشم انداز بیست ساله کشور باعث شده تا نیازها و اولویت های کشور بدرستی تدوین نشود. برنامه های دولت شما مشخصا برای جهت دهی به ابزارهای مدیریت دولت بر بخش های صنعت، تولید، اشتغال و چیست؟

۱۷- همانگونه که می‌دانید دهه پیش رو توسط مقام معظم رهبری دهه پیشرفت و عدالت نامگذاری شده است. مهمترین برنامه های عملیاتی شما برای تحقق منویات رهبر معظم انقلاب برای رسیدن به «توسعه همراه با عدالت» چیست؟ برای اینکه در این فرایند با پیشرفت موزون هر دو وجه آن یعنی عدالت و توسعه مواجه باشیم چه راهبردی دارید؟

۱۸- تحریم‌های یک‌جانبه برخی از کشورهای غربی، اقتصاد کشور ما را مورد هدف قرار داده است. در چارچوب تأکید مقام معظم رهبری به اجرای "اقتصاد مقاومتی"، برنامه اقتصادی جنابعالی با توجه به شاخصهای اقتصاد مقاومتی (خصوصی‌سازی، حمایت از تولید ملی، مدیریت درست منابع ارزی و ...) چیست؟

۱۹- سال ۹۲، سومین سال برنامه پنجم توسعه است. راهکارهای اجرایی در برنامه اقتصادی جنابعالی در راستای تحقق اهداف برنامه پنجم چیست؟

۲۰- اگر مردم جنابعالی را انتخاب کردند و رییس جمهور شدید آیا به سند چشم انداز و اصل ۴۴ قانون اساسی توجه خواهید کرد؟ برای تحقق اهداف چشم انداز چه رویه و تدبیری در پیش خواهید گرفت؟ برنامه ششم توسعه را چگونه تدوین می‌کنید؟ اولویت شما در این برنامه چیست؟ یعنی در تدوین برنامه به سند چشم انداز توجه می‌کنید؟ اگر تصور کنید که بخشی از سند چشم انداز با برنامه شما هماهنگ نیست چگونه برنامه ۵ ساله ششم را تدوین می‌کنید؟ لطفاً به صورت مصداقی اشاره کنید.

۲۱- به نظر شما اولویت های اصلی تولیدی کشور چه صناعی هستند؟ در حقیقت چه صناعی باید سهم عمده تولید ملی و صادرات کشور را به خود اختصاص دهند؟

۲۲- همانطور که مستحضرد نسخه های غربی اقتصاد سرمایه داری هم اکنون با چالش های اساسی مواجه شده است و بارزترین مصداق آن می‌توان به ورشکستگی بانک های غربی، نزول اقتصاد کشورهای اروپایی و از همه مهمتر بحران اقتصادی که سراسر غرب را فرا گرفته است اشاره کرد، نظریه های اقتصادی نظام سرمایه داری چه جایگاهی در تدوین برنامه های اقتصادی شما دارد؟

۲۳- همانگونه که می‌دانید تورم باعث کاهش قدرت خرید مردم و به تبع آن اثر سوئی بر رشد اقتصادی در بلندمدت خواهد داشت. راهکارهای شما برای مهار تورم در کوتاه‌مدت و کاهش آن در دولت آینده چیست؟

۲۴- با توجه به اینکه رشد اقتصادی در سال ۹۰ توسط مراکز ذیصلاح داخلی (بانک مرکزی و مرکز آمار) حدوداً ۳ درصد اعلام شده است ولیکن در سال ۹۱ در مرز هشدار قرار گرفته برنامه های شما برای افزایش رشد اقتصادی چیست؟

۲۵- روح حاکم بر نظام بانکی کشور ما بر پایه بانکداری بدون ربا پایه ریزی شده است. اما برای رسیدن به این هدف مشکلات فراوانی وجود دارد. دولت احتمالی شما چه راهکارهایی برای اصلاح ساختار نظام بانکی کشور براساس شاخص های بانکداری اسلامی دارد؟

۲۶- همانگونه که می‌دانید اصل ۴۴ یکی از مهمترین شاخص اقتصادی کشور است و همواره مقام معظم رهبری بر کاهش تصدی گری دولت تأکید داشته اند. بر این اساس به نظر شما تا چه میزان از این اصل اجرا شده است و در برنامه اقتصادی شما این اصل چگونه اجرا خواهد شد؟

۲۷- آیا شما طرح مسکن مهر را موفق می‌دانید؟ در غیر این صورت برای کنترل بازار مسکن چه برنامه هایی دارید؟

۲۸- با توجه به اینکه در سالهای اخیر قیمت مسکن رشد فزاینده داشته است بطوریکه اقشار کم درآمد توانایی تهیه سرپناه را ندارند. در برنامه اقتصادی شما مسکن این قشر چگونه تامین خواهد شد؟

۲۹- با توجه به چند نرخى بودن قيمت ارز در کشور و به تبع آن ايجاد رانتهای اقتصادى چه تدابیرى برای مدیریت نرخ ارز در نظر دارید؟

۳۰- با توجه به تاکید مقام معظم رهبرى در جهت حمایت از تولید داخلى و نامگذاری سال ۹۱ (تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانى) در همین راستا جنابعالى چه طرحى برای تحقق این هدف دارید؟

۳۱- از مشکلات پیش روی تولید در کشور سود آور بودن فعالیت های غیر تولیدی و به عبارت رایج سوداگرانه است. وجود بازارهایی موازی تولید نظیر دلالی در دلار و طلا و مسکن و... و سودهای کلان آنها، ضد تولید محسوب می شود. چگونه باید این بازارها را مدیریت کرد تا سرمایه گذاران رغبت بیشتری به سمت تولید داشته باشند؟

۳۲- با توجه به اینکه صنعت گردشگری میتواند منجر به ورود ارز به کشور در شرایط تحریم تولید کالاهای داخلى، افزایش اشتغال، معرفی فرهنگ ایران و... شود. شما چه تدابیری برای حمایت از این صنعت اندیشیده اید؟

۳۳- اساساً چه سهمی برای دولت در اصلاح الگوی مصرف قائلید؟ مهم ترین حوزه ها و سوء مدیریت های دولتی در این خصوص از نظر شما کدامند و چه راهکارهایی را برای اصلاح الگوی مصرف در سطح حاکمیتی مد نظر دارید؟ به نظر جنابعالى، دولت برای اجرای هر چه بهتر سیاست اصلاح الگوی مصرف در حوزه منابع انسانی، انرژی و اقلام مصرفی چه تدابیر و اقداماتی باید انجام دهد؟

۳۴- برای گسترش روحیه خودباوری و وجدان کاری، قناعت و پرهیز از اسراف دولت شما چه اقدامات عملى در پیش خواهد گرفت؟

۳۵- کارشناسان یکی از علل پایین بودن نرخ بهره وری در ایران را نوع نگاه مردم و فرهنگ عمومى جامعه در زمینه کار و زحمت می دانند؛ (نگاهی که معتقد به کسب درآمد بیشتر در قبال کار و زحمت کمتر است)، برای احیای فرهنگ کار و تلاش که از آموزه های آیین اسلام نیز هست، چه راهبردهایی دارید؟

۳۶- به رغم بسیاری تلاش ها متأسفانه برخی از مناطق کشور از فقر بیشتری رنج می برند. آیا برنامه های ویژه ای در خصوص شناسایی و فقر زدایی از این مناطق در دست دارید؟

۳۷- یکی از مهمترین عوامل بوجود آورنده و تشدید کننده فقر، توزیع ناعادلانه درآمدها در جامعه است. چه برنامه ای جهت توزیع مناسب درآمدها در میان اقشار مختلف جامعه دارید؟

۳۸- طبق برنامه چهارم و پنجم توسعه باید سهم مردم در پرداخت هزینه های درمان به ۳۰ درصد کاهش یابد و سهم دولت و بیمه ها ۷۰ درصد باشد ولی این آمار هم اکنون بر عکس است و مردم حدود ۷۰ درصد هزینه های درمان را می پردازند. برای این بخش چه برنامه ای دارید؟

۳۹- یکی از معضلات اجرایی کشور تعریف و تصویب پروژه های متعدد و بیش از توان مالی دولت، بر اساس نگاه بخشی و بعضاً فشارهای مسوولان استانی است، که باعث شده زمان اجرای پروژه ها بعضاً به بیش از ده سال برسد و اساساً پروژه ها به صورت اقتصادى و بهینه اجرا نشوند. در دولت احتمالی شما تعریف پروژه های عمرانی بر چه اساس و اولویتی خواهد بود؟

۴۰- رهبر معظم انقلاب بر شکل گیری اقتصاد دانش بنیان تاکید داشته اند. در این چارچوب قانون حمایت از شرکتهای دانش بنیان هم در سالهای گذشته تصویب شده است. هنوز فاصله زیادی تا رسیدن به نقطه مطلوب در این زمینه داریم. دیدگاه شما در این زمینه چیست و چه برنامه ای در این مورد دارید؟

- ۱- برای حوزه فرهنگ به عنوان بنیادی‌ترین لایه جامعه چه نقشی قائلید؟ مهم‌ترین مولفه‌های حوزه فرهنگ از نظر شما چیست؟ از نظر شما سهم دولت و مردم در ارتقاء فرهنگی کشور چقدر است؟ چه سهمی برای نهادهای دینی در بودجه‌های فرهنگی و دینی قائل هستید؟
- ۲- مهم‌ترین اولویت کنونی کشور در حوزه فرهنگی چیست؟ به نظر شما حوزه فرهنگی کشور براساس اسناد بالادستی نظام در این حوزه، باید چه شاخص‌ها و ویژگی‌هایی داشته باشد؟ چه راهکارهای اجرایی برای رفع مظلومیت از حوزه فرهنگ و قرار گرفتن این مقوله در جایگاه شایسته‌اش مدنظر دارید؟ مهم‌ترین ابتکارات شما در حوزه فرهنگی چیست؟
- ۳- اولین اولویت فرهنگی دولت شما چه خواهد بود؟ از نظر شما مهم‌ترین دغدغه و مشکل فرهنگی جامعه - خصوصاً جوانان چیست؟ چه برنامه‌هایی برای رفع این مشکلات دارید؟
- ۴- با عنایت به اینکه شرایط، ابزارها و نیازها در عرصه فرهنگ تغییر کرده است، آیا ساختار موجود دستگاه‌های فرهنگی می‌تواند کارایی مناسب را داشته باشد؟ چه پیشنهاد جایگزینی دارید؟
- ۵- یکی از آثار و پیامدهای فرآیند جهانی شدن به ویژه در عرصه های فرهنگی تاثیر بر فرهنگ‌های بومی است. این تاثیرات برای فرهنگ اسلامی و ملی ما نیز تهدیدها و آسیب‌هایی را بوجود آورده است. راهکارها و برنامه های شما برای جلوگیری از تاثیرات منفی فرآیند جهانی شدن فرهنگ بر فرهنگ اسلامی ایران چیست؟
- ۶- برای معرفی هرچه بهتر الگوی فرهنگی انقلاب اسلامی به کشورهای دیگر چه برنامه‌ها و راهکارهایی اتخاذ خواهید کرد؟ مهم‌ترین اولویت‌های شما در صورت پیروزی در انتخابات در این حوزه چیست؟
- ۷- با توجه به نقش فرهنگ در گفتمان انقلاب اسلامی، مهم‌ترین مولفه‌های گفتمان اسلامی را که قابلیت فراگیر شدن در جهان دارد، چه می‌دانید و در این خصوص به طور مشخص چه برنامه‌ای را دنبال می‌کنید؟
- ۸- فرهنگ عمومی جامعه بسیار متأثر از ارزش‌های اخلاقی مثبت همچون صداقت، امانتداری و شفقت از یک سو و پرهیز از کبر و غرور و خودبینی از سوی دیگر است. لطفاً بفرمایید برای حفظ و احیای نظام اخلاقی جامعه که تامين کننده سلامت معنوی مردم است دولت آینده چه خط مشی عملی و رفتاری را در پیش خواهد گرفت؟
- ۹- برنامه‌های شما برای ارتقاء فرهنگ مشارکت عمومی در جهت بالارفتن اقتدار ملی چیست؟ برای نهادینه کردن فرهنگ مشارکت عمومی در اداره امور کشور چه برنامه‌ای دارید؟ مشارکت مردمی و بخصوص شوراها را تا چه اندازه مورد حمایت قرار می‌دهید؟
- ۱۰- با توجه به فرآیندهای جهانی شدن آموزش، نظام های آموزشی نیز تحت تاثیر قرار گرفته و به سمت بین المللی و جهانی شدن سوق پیدا کرده اند. نظام آموزشی ما تا چه میزان با این تحول همراه است. ضرورتها و الزامات این تغییر و تحول چیست و چگونه میتوان آن را به سمت اهداف مورد نظر نظام آموزشی هدایت کرد؟
- ۱۱- برای ارتباط برنامه‌های آموزش و پرورش با برنامه های توسعه کشور، راهکارهای اجرایی و عملیاتی در این خصوص را تشریح نمائید؟
- ۱۲- ملاک‌های اساسی شما برای انتخاب وزیر آموزش و پرورش به عنوان یکی از مهمترین وزارتخانه ها که بخش عظیمی از مردم کشور را در بر می‌گیرد چیست؟ (یکی از مشکلات اصلی عدم حساسیت علمی و تخصصی به گزینش و انتخاب وزیر،

مدیران کل و ... در کل برنامه ریزان اصلی سیستم است. در برخی کشورهای پیشرفته انجام پژوهشها نوشتن مقالات علمی در سطوح مختلف یکی از شرایط احراز مقام معلمی است. به نظر می رسد در کشور ما حتی برای وزیر هم چنین شرایطی وجود ندارد؟

۱۳- اخیراً رهبر معظم انقلاب اسلامی سیاستهای کلی "ایجاد تحول در نظام آموزش و پرورش کشور" را ابلاغ کردند. آیا برنامه-

ای برای اصلاحات نظام آموزشی (چگونگی ایجاد تحول در سیستم آموزشی) دارید؟ یا سیستم فعلی را کارآمد میدانید؟

۱۴- با توجه به ضرورت ترسیم نقشه جامع علمی کشور، درحوزه آموزش عالی وضع موجود را چگونه ارزیابی می کنید و چه رویکردهایی برای ارتقاء و توسعه بخش آموزش در سطوح عمومی، عالی و حرفه‌ای باید دنبال شود؟

۱۵- آیا برای حمایت از تولید فکر و علم در دانشگاه هم برنامه ای دارید؟ تا چه میزان فکر می کنید برنامه های شما دانشگاه ها را به سمت تمرکز بر تولید بیشتر فکر و اندیشه هدایت کند؟

۱۶- مقام معظم رهبری بر برپایی کرسی های آزاداندیشی در دانشگاهها تاکید دارند که تاکنون به نحو احسن عملیاتی نشده است. شما در این زمینه چه راهکارهایی در نظر دارید؟ برای اینکه فعالیت های سیاسی دانشجویان نیز از آفت های سیاسی برکنار باشد چه برنامه ای دارید؟

۱۷- کاهش اثر پول ملی بر روی ارتباطات بین المللی مراکز دانشگاهی که یکی از آنها فرصت مطالعاتی دوره دکتری است، اثر گذاشته است. برای بی اثر کردن آن چه تمهیدات و راهکارهایی اندیشیده‌اید؟

۱۸- از نظر شما وضعیت عفاف و حجاب در جامعه امروز ما چگونه است و چقدر با وضعیت آرمانی و مطلوب یک نظام اسلامی فاصله دارد؟ برنامه‌های شما برای ارتقاء عفاف و حجاب در سطح جامعه چیست؟

۱۹- دادوستد فرهنگی با سایر کشورها؛ اعم از کشورهای اسلامی و غیراسلامی، از مسائل اجتناب‌ناپذیر در مناسبات بین‌المللی است. در این باره چه رویکردهایی را دنبال خواهید کرد؟ به عنوان مثال رابطه ما با کشورهای همسایه یا فرامنطقه‌ای چگونه خواهد بود؟

۲۰- چه برنامه‌ای برای تعاملات فرهنگی با فرهنگ‌های غیر بومی دارید؟ اساساً چه جایگاهی برای تعاملات فرهنگی با سایر کشورها برای ارتقاء سطح فرهنگی کشور و بهره‌گیری از ظرفیت‌های فرهنگی دیگر نقاط جهان قائلید؟

۲۱- سیاست‌های کلان شما در زمینه مسائل فرهنگی چیست؟ فکر می کنید کدام اصل از اصول قانون اساسی در حوزه فرهنگی تا به حال اجرا نشده یا خوب اجرا نشده است؟ برای اجرای آن چه طرح و برنامه ای دارید؟

۲۲- آزادی فضای رسانه‌ای - بخصوص مطبوعات- از موضوعات قابل توجه فعالان فضای سیاسی کشور است؛ تعریف جناب‌عالی از آزادی بیان چیست؟ فضای حاکم بر مطبوعات را در حال حاضر چگونه ارزیابی می‌کنید؟ آیا در این زمینه نیاز به تغییر و تحول احساس می‌کنید؟ در این صورت راهکارهای مورد نظر شما چیست؟

۲۳- شما تا چه اندازه به دسترسی یکسان مردم به اطلاعات در تمامی حوزه‌ها معتقدید؟ سیاست‌های دولت آینده درباره وضعیت اینترنت، سایت‌ها و استفاده از ماهواره چیست؟

۲۴- آزادی فضای رسانه‌ای - بخصوص مطبوعات- از موضوعات قابل توجه فعالان فضای سیاسی کشور است؛ تعریف جناب‌عالی از آزادی بیان چیست؟ فضای حاکم بر مطبوعات را در حال حاضر چگونه ارزیابی می‌کنید؟ آیا در این زمینه نیاز به تغییر و تحول احساس می‌کنید؟ در این صورت راهکارهای مورد نظر شما چیست؟

۲۵- معمولاً از مطبوعات به عنوان رکن چهارم دموکراسی یاد می‌شود. اساساً جناب‌عالی این رکن را به عنوان چشم و گوش مردم قبول دارید؟ اگر رئیس‌جمهور شوید و روزنامه‌ای یا رادیو و تلویزیون از عملکرد شما انتقاد کند، چه واکنشی نشان می‌دهید؟

۲۶- یکی از موضوعاتی که همواره مورد بحث بوده است آزادی فضای رسانه‌ای است؛ خصوصاً در عرصه مطبوعات، شما به چه حدی از آزادی در فضای مطبوعات قائل هستید؟ با توجه به مفاد قانون اساسی دیدگاه شما درباره حدود و ثغور آزادی در رسانه ملی چیست و آزادی در رسانه ملی را تا چه قلمرو و حد و مرزی جایز می‌دانید؟

۲۷- توسعه فرهنگی از مقولات مهم در روند توسعه ملی است؛ به نظر شما جایگاه توسعه فرهنگی در برنامه‌های توسعه و پیشرفت کشور کجاست؟ از نظر شما در شرایط حاضر اولویت‌های اصلی توسعه فرهنگی کشور کدام است؟ برنامه شما به عنوان رئیس شورای عالی انقلاب فرهنگی - برای دستیابی به اولویت‌های توسعه فرهنگی کشور در چارچوب سند مهندسی فرهنگی چیست؟

۲۸- یکی از مشکلات جامعه ما مسئله کتاب و کتابخوانی است. برای توسعه فرهنگ مطالعه و کتابخوانی در جامعه چه برنامه‌ای دارید؟

۲۹- با استناد به سند چشم‌انداز توسعه کشور، وضع مطلوب در حوزه توسعه فرهنگی و اجتماعی را چگونه ترسیم می‌کنید؟ اوضاع فعلی کشور را از این نظر [توسعه فرهنگی و اجتماعی (به تفکیک)] چگونه ارزیابی می‌کنید و چه برنامه‌ای برای تحقق وضعیت مطلوب دارید؟

۳۰- برنامه‌های شما برای ترویج سبک زندگی اسلامی و ایرانی در جامعه کنونی چیست؟

۳۱- آیا اساساً قایل به جنگ نرم علیه ج.ا.ا هستید؟ این جنگ چه ویژگی‌هایی دارد؟ برای مقابله با این تهاجم چه برنامه‌ای دارید؟

۳۲- وضعیت سینمای امروز ایران را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ سینمای ما برای رسیدن به وضعیت ترسیم شده در سند مهندسی فرهنگی باید چه ویژگی‌هایی کسب کند؟ رئوس برنامه‌های شما برای تحقق این امر چیست؟

۳۳- با توجه به پیوستگی دیرینه‌ای که فرهنگ و هنر دارند، بفرمایید اصولاً حضرت‌عالی چه تعریفی از هنر و کارکردهای آن دارید؟ آیا میزان توجه به هنر را مکفی می‌دانید؟ استفاده از ظرفیتهای هنری چه جایگاهی در برنامه‌های شما دارد؟ برنامه مدون شما برای اشتغال هنرمندان به ویژه دانشجویانی که سالانه در رشته‌های مختلف هنری (تئاتر، سینما، موسیقی، هنرهای تجسمی و غیره) از دانشگاه‌های کشور فارغ‌التحصیل می‌شوند چیست؟

۳۴- مهمترین آسیب‌های فرهنگی ایران از نظر شما چیست و چه راهکاری برای حل آنها در چارچوب مهندسی فرهنگی مورد تاکید مقام معظم رهبری دارید؟

۳۵- با پیشرفت فناوری‌های ارتباطی و گسترش فعالیت شبکه‌های ماهواره‌ای، سیاست اتخاذ شده توسط مسؤولان نظام، برخورد و حذف بوده است؛ شما تا چه اندازه ادامه این شیوه را صحیح و موفقیت‌آمیز می‌دانید؟ رویه مناسب در برخورد با ماهواره از نظر شما چیست؟

۳۶- بهره‌گیری از فناوری اطلاعات را در کشورمان چگونه ارزیابی می‌کنید و برای ارتقاء آن چه برنامه‌ای دارید؟ برای ایمنی بیشتر در فضای اینترنت آیا برنامه خاصی دارید؟

۳۷- برنامه شما برای توسعه دولت الکترونیک چیست و این موضوع چه جایگاهی در برنامه شما دارد؟ در بحث آموزش الکترونیکی شهروندان، چه برنامه‌هایی را در پیش خواهند گرفت؟

- ۱- یکی از ظرفیت‌های بسیار مهم برای تمرکززدایی مدیریتی و گسترش مشارکت عمومی در امور جامعه که در قانون اساسی پیش‌بینی شده، شوراهای اسلامی شهروستااست - که همزمان با انتخابات ریاست جمهوری امسال برگزار می‌شود -؛ اساساً چه دیدگاهی در خصوص نقش این شوراها در توسعه فرهنگ مشارکت دارید؟
- ۲- به نظر شما مشکل سازترین عوامل در جهت ممانعت ارتقاء وضعیت زنان کدامند؟ برای رفع این موانع چه تدابیری در نظر دارید؟ (قانونی، فرهنگی، ساختاری و...)
- ۳- مقام معظم رهبری به تازگی فرمودند همه فعالیت‌های گوناگونی که در زمینه‌ی زن و مسئله‌ی زن در کشور وجود دارد بایستی یک شکل سیستمی و یک هندسه‌ی عمومی پیدا بکند. برنامه شما برای تحقق چنین هندسه‌ی چیست؟ آیا به وضعیت فعلی نیز نقدی هم دارید؟ برای رفع این مشکلات چه کارهایی خواهید کرد؟
- ۴- آیا سیاست‌گذاری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها، قانون‌گذاری‌ها و اقدامات اجرایی مرتبط با زنان در دهه گذشته به گونه‌ای بوده‌است که کرامت و ارزش انسانی آنان را آن گونه که در قانون اساسی تأکید شده است، پاس دارد؟ برای بهبود آن چه ایده عملیاتی دارید؟ این ایده در بخش‌های مختلف تا چه میزان قابلیت اجرایی دارد؟
- ۵- با توجه به جوان بودن جمعیت کشور، کمبود محیط‌های تفریحی و سرگرمی‌های سالم، افزوده شدن ارزش جهانی ورزش، ضرورت شکوفایی استعدادهای نفیس ورزشی جوانان و همچنین تأثیرات متقابل سیاست و ورزش در یکدیگر، ضرورت توجه بیشتر به امر ورزش و لزوم فرهنگ‌سازی برای جوانان را می‌طلبد. راه‌کارهای اجرایی و عملیاتی در این خصوص را تشریح نمایید؟
- ۶- با توجه به آنچه که در حال حاضر در جوامع مختلف تحت عنوان «تزلزل و فروپاشی خانواده» وجود دارد، عدم توجه و یا کم‌توجهی و بدتر از آن افراط و تفریط در مسایل زنان، آسیب‌هایی را بر خانواده وارد می‌کند که آن را به سوی همان تزلزل می‌کشاند. بنابراین پرداختن به بعد خانوادگی و فردی زنان بسیار قابل توجه است. شما اصلی‌ترین مشکل را در این حوزه چه میدانید؟ راهکارهای شما برای حمایت از زنان در حوزه خانواده چیست؟ اقدامات شما برای ارتقای جایگاه و شخصیت آنان در خانواده و اجتماع به چه شکل خواهد بود؟
- ۷- ازدواج و تشکیل خانواده نیز از چالش‌ها و مشکلات پیش روی زنان جامعه ما می‌باشد، افزایش سن ازدواج، تغییر الگوهای ازدواج در کشور، نیازمند برنامه‌ریزی‌های کارشناسانه و دقیق است. در این مورد چه تدابیری اندیشیده‌اید؟ مسائل اقتصادی و فرهنگی مرتبط با این مهم را چگونه مدیریت خواهید کرد؟
- ۸- کشور ما از لحاظ رشد جمعیت و نرخ باروری در چه موقعیتی قرار دارد؟ راهکارهای شما برای متقاعدسازی و فرهنگ‌سازی تعدیل جمعیت چیست؟ اعمال سیاست‌های افزایش باروری، چه پیش‌نیازهایی دارد؟
- ۹- سیاست‌های دولت شما در راستای بهبود سلامتی زنان، کاهش هزینه‌های درمانی و تعمیق فرهنگ توجه به سلامت در خانواده‌ها چیست؟ تامین نیازهای بهداشتی و درمانی زنان با توجه به نقش مهم و محوری که در خانواده ایفا می‌کنند، به ویژه برای زنان سرپرست خانوار، چگونه میسر خواهد شد؟

۱۰- اعتیاد، خودکشی، سرقت، فرار از خانه، قتل، نزاع و ... از مفاسد اجتماعی است که به تبع عدم تامین نیازهای اولیه در جامعه پدیدار میشود. مهمترین اقدام شما برای پیشگیری از اینگونه آسیب‌ها کدام است؟

۱۱- به نظر شما ریشه افزایش آمار آسیب‌های اجتماعی مثل طلاق و اعتیاد در کجاست؟

۱۲- راهکارهای پیشنهادی شما برای رفع زمینه‌های اقتصادی یا فرهنگی بروز این آسیب‌های اجتماعی چیست؟

۱۳- فوتبال یکی از پرطرفدارترین رشته ورزشی در ایران است که هر موقع موفق بوده ضمن ایجاد نشاط و شادابی موجب همبستگی ملی نیز شده است. اما متأسفانه چندسالی است که بدلیل حواشی خاص تعیین سرمربی داخلی یا خارجی، تیم ملی فوتبال ما آن‌طور که شایسته نام ایران است نتوانسته در میادین بخصوص جام ملت‌های آسیا و جام جهانی موفق حاضر شود آیا شخصا نسبت به این مسئله دغدغه دارید و مسائل فوتبال را با جدیت پیگیری می‌کنید؟

۱۴- برنامه‌های شما برای اهتمام به ورزش قهرمانی و حرفه‌ای و ارتقای جایگاه ورزش کشور و تثبیت اقتدار ملی در عرصه‌های بین‌المللی چیست؟

۱۵- مستحضرید که امروزه برای سلامت چهار بعد جسمانی، روانی، اجتماعی و معنوی تعریف شده است. اما در کشور ما تاکنون تقریباً تمام سرانه بودجه سلامت برای خرید دارو، ساخت بیمارستان و حداکثر پشتیبانی آموزشی و پژوهشی بخش درمان صرف شده است. بفرمایید برای بهبود سلامت روانی/اجتماعی در کشور که ارتباط مستقیم با سبک زندگی سالم دارد، چه تمهیدی اندیشیده اید؟

۱۶- برای تامین بودجه لازم در زمینه کیفیت بخشیدن به خدمات تامین اجتماعی و افزایش حداقل‌های خدمات رفاهی در جامعه چه رویکردی مدنظر شماست: صرفه جویی در بودجه‌های جاری و عمرانی یا تخصیص منابع جدید؟ این منابع را چگونه تامین می‌کنید؟

۱۷- تفاوت در پوشش خدمات پزشکی بهداشتی میان بیمه‌های مختلف کشور شامل خدمات درمانی/ تامین اجتماعی و برخی از دیگر سازمانهای دولتی همچون بانکها و شرکت نفت، مقوله عدالت در نظام سلامت را مخدوش ساخته است. برای تحقق هر چه بیشتر عدالت چه راه حلی مدنظر شماست؟

۱۸- طرح بیمه فراگیر سلامت و پزشک خانواده که به عنوان راه حل این معضل ذکر می‌شود، مستلزم توسعه زیرساختهای اطلاعاتی کامل تمامی آحاد جامعه و هدایت و متمرکز ساختن منابع بودجه سلامت است که تا کنون با وجود تلاش گسترده دولتهای قبل میسر نشده است برای برون رفت از این بن بست زیر ساختی چه پیشنهادی دارید؟

۱۹- یکی از آرمانهای تمام حکومتها در جهان فراهم آوردن شرایطی است که افراد آسیب دیده و ناتوان از نظر جسمی و روانی (معلولان) یا اجتماعی (زنان و فرزندان بدسرپرست یا بی سرپرست) بتوانند در جامعه جایگاه مناسبی داشته باشند و از رشد متناسب با استعدادهای خود بهره‌مند شوند. شما چه سهمی از برنامه‌های آینده خود را به موضوع ساماندهی مسائل آسیب دیدگان اجتماعی اختصاص داده‌اید؟

۲۰- در ماههای اخیر موضوع عدم تخصیص ارز مرجع به دارو و تجهیزات پزشکی و گرانی آنها دغدغه بیماران مخصوصاً بیماران خاص مبتلا به بیماریهایی همچون ام اس یا سرطان را افزایش داده است. چه برنامه‌ای برای رفع این دغدغه دارید؟ و این موضوع را چگونه با واقعیتهای اقتصادی تطبیق می‌دهید؟ (ترخ ارز و ...)

۲۱- چه برنامه‌ای برای رفع مشکلات بیماران خاص و هزینه‌های کمرشکن درمان بیماران خاص و صعب‌العلاج که بیمه‌ها ناتوان از تامین هزینه درمان آنها هستند، دارید؟

۲۲- گروهی از کارشناسان، تعرفه‌گذاری خدمات خصوصی بخش سلامت، توسط دولت را عامل افزایش پدیده زیرمیزی و فقدان نظارت حرفه‌ای کافی بر فعالیتهای پزشکان می‌دانند. شما برای رفع این آسیبهای اخلاقی در جامعه پزشکی چه برنامه‌ای دارید؟

۲۳- کارشناسان معتقدند، تامین سلامت جسم و جان بدون توجه به تامین نیازهای افراد و خانواده‌ها در جامعه و داشتن حداقل رفاه امکان پذیر نیست. حضرتعالی برای تامین رفاه بازنشستگان، بیکاران و اقشار محروم و برآوردن نیازهای غذایی و بهداشتی این گروههای آسیب پذیر چقدر اولویت قائلید؟

۲۴- برای تامین بودجه لازم در زمینه کیفیت بخشیدن به خدمات تامین اجتماعی و افزایش حداقل‌های خدمات رفاهی در جامعه چه رویکردی مدنظر شماست: صرفه‌جویی در بودجه‌های جاری و عمرانی یا تخصیص منابع جدید؟

۲۵- طرح بیمه فراگیر سلامت و پزشک خانواده که به عنوان راه حل این معضل ذکر میشود، مستلزم توسعه زیرساختهای اطلاعاتی کامل تمامی احاد جامعه و هدایت و متمرکز ساختن منابع بودجه سلامت است که تاکنون با وجود تلاش گسترده دولتهای قبل میسر نشده است. برای برون رفت از این بن بست زیرساختی چه پیشنهادی دارید؟

۲۶- یکی از آرمانهای تمام حکومتها در جهان فراهم آوردن شرایطی است که افراد آسیب دیده و ناتوان از نظر جسمی و روانی (معلولان) یا اجتماعی (زنان و فرزندان بدسرپرست یا بی سرپرست) بتوانند جای مناسبی در جامعه یافته و از رشد متناسب با استعدادهای خود بهره مند شوند. شما چه سهمی از برنامه‌های آینده خود را به موضوع سازمان بهزیستی و ساماندهی مسائل آسیب دیدگان اجتماعی اختصاص داده اید؟

۲۷- در راستای متعادل سازی نظام شهری و روستایی و تمرکززدایی از مناطق شهری جهت جلوگیری از مهاجرت بی رویه، آیا برنامه‌ای دارید؟

سیاست داخلی (شبکه چهار)

1- مهمترین میثاق، قانون اساسی است که اسلام، معارف حقه الهیه و اصل مترقی ولایت فقیه را رکن نظام معرفی می‌نماید. مسئولان و مردم باید نگاه دینی حاکم بر قانون اساسی را بستر امتحانات خود بدانند و رئیس‌جمهور مکتبی باید وظایف خود را در راستای تحقق اسلام ناب هماهنگ با رهبری و آرمان‌های انقلاب و نظام انجام دهد.

2- وحدت کلمه در یک جامعه اسلامی به «پرستش خدای متعال در سطح روابط اجتماعی» بازگشت می‌کند که این امر تنها به معنای یک رابطه فردی با خداوند یا یک ادراک نظری از توحید نیست بلکه با برائت از «نظام کفر جهانی و بت پرستی مدرن» محقق می‌گردد و این امر در سیاست ضد استکباری نظام، تجسم عینی پیدا کرده است. لذا مهمترین تهدیدی که متوجه این وحدت است، تئوریزه نشدن آرمان‌های انقلاب در عرصه‌ی فرهنگی و اقتصادی است؛ همان طور که تبیین تئوریک از این آرمانها، باعث تدوین «فرهنگ مقاومت» و «اقتصاد مقاومتی» خواهد شد.

6- به دلیل عدم تدوین «الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت» و بالتبع آن روشن نبودن سبک زندگی اجتماعی اسلامی، برداشتهای متناقضی از سندهای بالادستی مدیریت نظام شکل گرفته که روزمرگی را بر برنامه و دستگاہ‌های اجرایی کشور تحمیل می‌نماید.

8- تا امروز، فصل الخطاب بودن رکن ولایت فقیه نسبت به منزلت سران قوا و بقیه‌ی مسئولین نظام، تنها در شرایط بحران معنا یافته است اما سفارشات رهبری، در ساختارهای نظام به صورت مداوم و قاعده‌مند محقق نشده است که علت آن، خلاء نرم‌افزاری یعنی عدم تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت است و رفع این خلأ علمی، بمعنای تجهیز مجمع تشخیص مصلحت نظام و مجلس شورای اسلامی به راه‌کاری علمی در جهت گفتمان انقلاب خواهد بود.

14- ایجاد عزم ملی (غیر شعاری) نخبگان دانشگاهی و حوزوی برای

1. تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛

2. تدوین سبک زندگی (به عنوان بخش حقیقی و اصلی تمدن نوین اسلامی) بهترین برنامه برای

تعامل با نخبگان در همه‌ی عرصه‌هاست؛ زیرا این الگو، جایگاه تمامی عرصه‌های علمی و کاربردی

را در پیشرفت کشور مشخص می‌کند و می‌تواند تجلی خرد جمعی باشد.

17- برای انقلاب یا مهندسی اداری نظام باید

اولاً تعریف جدید از «سازمان» بر مبنای ادبیات انقلاب

و ثانیاً تغییر شاخصه‌های موفقیت نظام اداری براساس اخلاق اسلامی تبیین و روشن گردد.

مثال عینی این مبنا را می‌توان در مدیریت دوران دفاع مقدس مشاهده کرد که متأسفانه به تخصص و علم

مدیریت جدید تبدیل نشد.

سیاست خارجی (شبه چهار)

1، 2، 3 - اولویت‌های فکری و مبنایی گفتمان انقلاب در سیاست خارجی، براساس اندیشه حضرت امام(ره) و مقام معظم رهبری(دام‌ظله) شکل گرفته که برگرفته از ادبیات وحی و قرآن است و براین اساس صیانت از نظام جمهوری اسلامی و استقلال سیاسی نظام، به «استکبار ستیزی» آن وابسته است و در صورت تحقق این مهم است که می‌توان سیاست داخلی را براساس ایمان یک ملت، معماری نمود. از این رو وابستگی به شرق و غرب را نفی می‌کنیم و به دنبال صدور تئوری جدید «سیاست عین دیانت» به دنیای اسلام و تعامل با بقیه‌ی کشورهای جهان هستیم و در برابر قطب قدرت استکباری مقاومت می‌نماییم.

4- تا وقتی که نظام جمهوری اسلامی آرمان‌ها و اهداف و ارزش‌هایش را تئوریزه نکند و قدرت مفهومی ادبیات سیاسی جدید خود را به جهان ارائه نکند، نمی‌توان به مواضع، تعاریف و نرم‌افزارهای بین‌الملل اعتماد کرد و از موضع برتر در صحنه بین‌الملل حاضر شد.

5- بیان مظلومیت نظام جمهوری اسلامی و اخلاق محوری و خویشتن‌داری آن در مقابل نظام بین‌الملل و مقاومت در مقابل قدرت‌های مسلط دنیا و بیان مطالبات حق‌طلبانه‌ی این نظام مبارک در موضوعاتی چون وضعیت حقوق بشر در دنیا، خانواده، زن، امحاء تسلیحات هسته‌ای و... بالاترین زمینه‌ها و ظرفیت‌ها در عرصه منطقه، بین‌الملل و جهان است.

6- جنبش عدم تعهد دارای ظرفیت محدودی است که جمهوری اسلامی ایران توانسته است در عرصه بین‌الملل آن را زنده نماید. از این رو، تحرک بیش‌تر این جنبش در آینده، نیازمند مدیریت صحیح جمهوری اسلامی نسبت به ظرفیت بیداری اسلامی است.

7- بیداری اسلامی ظرفیت سیاسی جدیدی است که به طور جدّ باید در دستور کار نظام قرار گیرد و بر پیشنهادهایی مانند «دیپلماسی فرهنگی و دیپلماسی عمومی» حاکم شود.

8- نگاه «غلط مادی و استکباری» دنیا نسبت به هسته‌ای شدن ایران، موضوع این چالش است. یعنی سیاسی کردن حق هسته‌ای ایران به معنای القای تهدید ایران برای نظام جهانی است. لذا هسته‌ای شدن ایران، بهترین ظرفیت برای ارتباط با مظلومین و مستضعفین عالم و امت اسلامی و ایجاد امید در آنها در شرایط فعلی است. از این رو پرداخت هزینه برای آن و مقاومت بر سر آن در مقابل نظام استکبار جهانی، در افزایش اقتدار و ارتقاء منافع ملی ما بسیار مؤثر است.

9 و 10- فشارهای جهانی، بین‌المللی و منطقه‌ای در 34 سال گذشته بالاترین محیط و ظرفیت را برای استقلال سیاسی، فرهنگی و اقتصادی مردم داشته است. از این رو تحریم‌ها نیز علت ارتقاء ظرفیت مردم در تولید، تجارت و صنعت می‌گردد. پس در تأمین نیازهای اولیه مردم باید از وابستگی به زندگی رفاه محور غربی جدا شد و تعریف جدیدی از رفاه مادی را متناسب با اهداف نظام جمهوری اسلامی ارائه نمود و تمام موضوعات را حول آن، مهندسی جدید کرد.

11- یا خارج شدن آمریکا از اخلاق استکبار، بستر مذاکره با آن را فراهم می‌آورد یا ارتقاء ظرفیت سیاسی نظام جمهوری اسلامی، این کشور را از مواضع خصمانه به عقب می‌راند و به تعامل با ایران اسلامی مجبور می‌کند.

- 12- تداوم سیاست‌های اروپا با توجه به بیداری اسلامی و شکست آن‌ها در قضیه سوریه، معادلات را به نفع جمهوری اسلامی ایران تغییر خواهد داد؛ همان‌طور که در این 34 سال، تهدیدات آن‌ها از امور امنیتی و نظامی به تهدیدات سیاسی تبدیل شده و آرایش مسائل امنیتی و نظامی در خارج از مرزهای ایران قرار گرفته است.
- 13- بیداری اسلامی در غرب آسیا و شمال آفریقا، بزرگترین فرصت برای نظام جمهوری اسلامی است تا بتواند دست قدرت‌های استکباری را از خاورمیانه و جهان اسلام کوتاه نماید و ظرفیت اقتدار و منافع ملی ما را گسترش دهد و این امر تبعات فرهنگی و اقتصادی گسترده‌ای را بدنبال خواهد داشت.
- 14- مسئله فلسطین از آرمان‌های نظام جمهوری اسلامی است و در بیانات اخیر مقام معظم رهبری (دام‌ظله) به عنوان یک شاخصه اصلی در ارزیابی «توسعه سیاسی امت اسلامی» مطرح شد. لذا این امر با آرمان‌های جمهوری اسلامی به نحوی گره خورده است که هیچ دولتی نمی‌تواند نسبت به آن انتقاد داشته باشد.
- 15- براساس تئوری قدرت و فلسفه دموکراسی این هدف‌ها معنا دارد، اما براساس تئوری ولایت مطلقه فقیه (خلافت) رسیدن به قدرت، دارای احکام اخلاقی است. لذا نظام جمهوری اسلامی ذاتاً مطهر بوده و با بقیه نظامات، تفاوت ماهوی دارد. بنابراین مسئله فلسطین، محور مقاومت (لبنان - غزه - سوریه) و اسلامیت نظام جمهوری اسلامی و رفتار آن، قابل ترجمه به تقسیمات متداول سیاسی روز منطقه‌ای، بین‌المللی و جهانی نمی‌باشد و خود دارای اصول مستقلی است که قدرت‌های جهانی آن را فهم کرده‌اند.
- 16- خلیج فارس، شاه‌رگ حیات دنیای غرب و حکام مرتجع منطقه است، لذا با مهندسی اقتصاد بدون نفت و مقاومتی و برنامه ریزی سیاسی، می‌توان سیاست‌های مربوط به این منطقه مهم را از وضعیت «انفعال» به «تهدید دشمن» تغییر داد.

17- اگر انقلاب اسلامی و مدیریت 34 ساله انقلاب تئوریزه شود و بستر ارتباط «گفتمان انقلاب» با «نخبگان کشور عراق» با هدف تحول در رفتار سیاسی ملت عراق از وضعیت فعلی به وضعیت انقلابی در آنجا فراهم شود، روند حل چالش‌های عراق از بنیان تغییر خواهد کرد.

اقتصادی (شبکه چهار)

1 و 2. «کارشناسان اقتصادی نظام» سند چشم‌انداز را به کشورهای توسعه‌یافته جنوب شرقی آسیا، برزیل و غیره تطبیق می‌دهند، حال آن‌که عملکرد انقلاب اسلامی در اجرای سیاست‌های عدالت‌خواهانه، رویکرد مستضعف‌گرایی، حمایت از جنبشهای آزادی‌خواه و انقلابات منطقه، درگیری با قدرت‌های استکباری، تعمیم رفاه مادی برای آحاد مردم به طور هم‌زمان، مبارزه با مفاسد بویژه اقتصادی، و از همه مهم‌تر عمل به احکام اسلامی در رفتار اقتصادی مردم و جریان اخلاق در بازار و ... است که همه و همه، راه و رسم تولید ثروت و تعریف توسعه‌یافتگی را مشروط می‌سازد.

از طرف دیگر هماهنگی برنامه‌های دراز مدت، میان مدت و کوتاه مدت بدون الگو، امکان‌پذیر نمی‌باشد؛ اما مهندسی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت به نحوی که واقعا براساس مبانی اسلامی و فرهنگ بومی مردم باشد؛ به تصریح مقام معظم رهبری یک کار بسیار بلند مدت است. لذا در اضطرار علمی پیش آمده برای نظام جمهوری اسلامی، دو خط «ادبیات علمی توسعه» و «تدابیر راهبردی مقاومتی» برای مسائل جاری کشور باید به‌صورت هم‌زمان پی‌گیری شود و در تعامل با یکدیگر، به اتخاذ تصمیمات کارشناسانه و خردورزانه اقدام نمود.

3- مهندسی تولید ملی بدون تعریف جدید از رفاه مادی متناسب با آرمان‌های نظام امکان‌پذیر نمی‌باشد. لذا با تعریف جدید از الگوی مصرف برای مردم، باید «بافت صادرات و واردات» را بر همین اساس تغییر داد و سپس به مهندسی تولید ملی همت گماشت تا بتوان بنیان اقتصاد مقاومتی را پی‌ریزی نمود.

4- پی‌ریزی بنیان اقتصاد مقاومتی، از طریق طرح تحول اقتصادی و تحول در ساختارها ممکن است اما اشکال طرح‌های تحول اقتصادی آن است که براساس دشمنی‌های دشمنان در عرصه اقتصادی تدوین نمی‌شوند بلکه براساس دوستی دشمنان یا به عبارت فنی‌تر، بر اساس وابستگی اقتصاد ملی به اقتصاد منطقه و اقتصاد بین‌الملل تدوین می‌شوند، لذا در چنین طرح‌هایی، اصلاح ساختارها با حفظ جهت‌گیری‌های اقتصاد سرمایه‌داری دنبال می‌شود.

5- طرح یارانه‌ها به معنای آزادسازی قیمت‌ها بدون تحلیل از تورم انتظاراتی مردم آغاز شد. در واقع هدف کارشناسان اقتصادی، تغییر الگوی مصرف موجود به الگوهای مصرف تعریف شده در نظام سرمایه‌داری بود تا درآمد هر کس متناسب با الگوی درآمد تعریف شده در نظام سرمایه‌داری؛ یعنی سهم تأثیر آحاد جامعه در تولید ناخالص ملی شکل بگیرد که این امر محقق نشد.

از سوی دیگر تورم انتظاراتی مردم، نوعاً به صورت سیاسی و در چارچوب درگیری قدرت گروه‌ها در نظام تحلیل می‌شود، حال آن‌که این‌گونه نیست. در واقع عمل به شعار عدالت در نظام جمهوری اسلامی «رفاه» را تعمیم داده و لذا الگوی درآمد از فاصله طبقاتی در اقتصاد سرمایه‌داری تبعیت نمی‌کند. از این رو بین نرخ کار و نرخ سود سرمایه در چهار بازار درگیری به وجود می‌آید و معادلات تولید ثروت شدیداً مختل شده و روابط مالی و روابط تولید، عملکرد علمی خود را نخواهد داشت.

6- آسیب بخش تولید به دلیل عدم هزینه برای بخش تولید نیست، بلکه 30٪ از درآمدهای حاصله از اجرای قانون یارانه ها هم پاسخگوی تورم انتظاراتی 30 ساله انقلاب در بخش تولید نمی‌باشد، زیرا تورم انتظاراتی تنها در الگوی مصرف متوقف نشده و الگوی تولید و توزیع را هم به دنبال خود کشانده و دچار اختلالات شدیدی کرده است.

7- در نظام جمهوری اسلامی، تعمیم رفاه مادی بر اساس الگوی مصرف انقلابی و عدالت محور انجام می‌گیرد و با «تعمیم رفاه مادی درآمدزا و دارای توجیه اقتصادی» در نظام سرمایه‌داری کاملاً فرق می‌کند (که ایجاد فاصله طبقاتی می‌کند و جغرافیای سیاسی یک نظام را براساس تولید ثروت، تغییر جهت می‌دهد).

از این رو مهاجرت‌ها در کشورهای توسعه‌یافته تعریف شده و قابل کنترل است، اما در ایران اسلامی و انقلابی به یک معضل تبدیل شده است. بنابراین اگر به الگوی پیشرفت و اقتصاد مقاومتی در اندیشه مقام معظم رهبری (دام‌الله) توجه شود و در نسبت بین «صنعت، خدمات، کشاورزی» منزلت کشاورزی در اولویت اول قرار گیرد و زیرساخت‌های آن در الگوی مصرف داخل و منطقه به وجود آید، جلوی این مهاجرت‌ها گرفته می‌شود، حال آن‌که با توسعه مناطق تجاری آزاد، صنعت در اولویت اول قرار می‌گیرد و به تبع، توسعه کلان شهرها باعث تشدید مهاجرت‌ها می‌گردد.

8- تصمیمات نسبت به طرح‌های اقتصادی کشور، اقتصادی نمی‌باشد، بلکه با رویکرد حل معضلات مناطق محروم و ایجاد اشتغال برای آن‌ها شکل می‌گیرد، لذا اسناد بالادستی با دو

قرائت «کارشناسی و علمی» و یا «انقلابی و دینی» قابل تحلیل است، که قرائت دوم به واقعیت‌های اقتصادی - سیاسی - فرهنگی نظام یعنی تحریم‌ها و دشمنی‌ها نزدیک‌تر است. از این رو رویکرد کلیدی و راهبرد اصلی برای حل معضلات اقتصادی کشور، بهینه دو نگاه علمی و نگاه انقلابی در همه‌ی بخش‌هاست.

9- مشکلات یکی دو سال اخیر در بخش اقتصاد از جمله تولید و اشتغال به دلیل طرح یارانه‌هاست که با عدم تحلیل صحیح از تورم انتظاراتی، اجرا شد و نظام را با بحران جدید اقتصادی در شرایط تحریم مواجه کرده است، لذا بررسی و تحلیل جدید از مقولات اقتصادی از جمله تولید، اشتغال، صادرات و واردات و... براساس توجه به دو پدیده‌ی «تورم انتظاراتی» و «تحریم‌ها» در مهندسی اقتصاد مقاومتی ضروری است.

10- در جمهوری اسلامی از سال 57 تعریف فقر به صورت انقلابی تغییر کرده است و عمل به شعار عدالت باعث شده است در بودجه، تأمین هزینه زندگی ملت انقلابی پیش‌بینی شود. از سوی دیگر تلفیق این الگوی جدید از مصرف با الگوی مصرف کشورهای توسعه‌یافته، علت کاهش ارزش پول ملی و بالمآل تورم موجود است، از این رو باید الگوی مصرف در اقتصاد مقاومتی، بررسی مجدد شود تا ارزش پول ملی به تعادل رسیده و قدرت خرید افزایش یابد.

11 و 12 و 13 - بعد از کنترل عرضه و تقاضا در بخش کشاورزی در داخل، باید صادرات این بخش، دست بالا را نسبت به صنعت و خدمات داشته باشد و سهم این بخش در منابع سرمایه‌گذاری باید بیش‌تر از 40٪ نیز باشد زیرا در وضع موجود، منزلت کشاورزی نسبت به

صنعت و خدمات پایین تر است و توسعه شهری، منزلت بالاتری نسبت به توسعه روستایی دارد، لذا هزینه‌ها برای این بخش گران‌تر در می‌آید.

14- توسعه صنایع مختلف در کشورهای در حال توسعه با چند اصل مهندسی می‌شود:

الف- وابستگی اقتصاد در حال توسعه به اقتصاد منطقه، بین‌الملل و جهانی

ب- تقسیم کار جهانی و بین‌المللی برای اقتصادی بودن پروژه‌های عمرانی و کاهش هزینه‌ها

در همه‌ی بخش‌ها

ج - تغییر ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و علمی کشور برای هماهنگ بودن داخل

با خارج بر اساس سرعت خاص و محاسبه شده

د- ایجاد محیط امن برای پایدار بودن اقتصاد در حال توسعه به معنای اقتصادی بودن

برنامه‌های توسعه‌یافتگی

این همه در حالی است که در نظام جمهوری اسلامی، توسعه‌یافتگی همراه با سه بُعد

«عدالت»، «معنویت» و «عقلانیت» بوده و به آنها مقید شده است و این روند، اقتصاد

مقاومتی را ضروری ساخته است، زیرا نظام بعد از استقلال سیاسی به دنبال استقلال

اقتصادی و فرهنگی است. پس:

الف- قطع وابستگی اقتصاد از اقتصاد جهانی در دستور کار است و تقسیم کار جهانی با عزت

سیاسی ما درگیر است.

ب- تغییر ساختارهای اقتصادی برای هماهنگی با خارج و تعریف مادی از اقتصاد کشور نیز

ضد قانون اساسی است که تصریح می‌کند اقتصاد نمی‌تواند هدف قرار گیرد.

ج - درآمدزایی و سود محوری در مدیریت اقتصاد کشور نیز، با سیاست ضد استکباری نظام در تعارض است، سیاستی که تغییر آن محال است.

لذا چالش‌های به وجود آمده از درگیری مهندسی و تحول اقتصاد کشور بین «راه‌کارهای علمی» و «سیاست‌های انقلابی و دینی نظام» است و با مهندسی اقتصاد مقاومتی و تعریف جدید الگوی تولید، توزیع و مصرف، تکلیف استراتژی در بخش صنعت نیز مشخص می‌شود.

15- تا وقتی که مکانیزم قیمت‌ها بر اساس تعادل چهار بازار؛ «سرمایه، کار، ابزار و پول» در نظام جهانی و بین‌المللی تعیین می‌شود، اقتصاد کشورها یا باید به قوانین WTO تن دهند یا با پدیده قاچاق روبه‌رو می‌شوند.

لذا هرگاه اقتصاد مقاومتی، حضور خود را در صحنه اقتصاد منطقه به اثبات برساند، معادلات اقتصاد منطقه به نفع اقتصاد جمهوری اسلامی تغییر جهت می‌دهد و پدیده‌ی قاچاق مانند پدیده تروریسم در بخش سیاست ریشه‌کن می‌گردد. لذا تا آن زمان باید به بخش مردمی و تعاونی در اقتصاد نسبت به بخش دولتی و خصوصی بهای بیش‌تر داده و رفتارهای غیر قاعده‌مند را نیز با قوه‌ی قضائیه کنترل نماییم.

16- جواب این سوال در بندهای 3، 5، 9، 11، 14 و 21

17- جواب این سوال در بندهای 1، 2، 8 و 14 آمده است.

18- جواب این سوال در بندهای 3، 4، 8 و 14 آمده است.

19 و 20- نگاه به سندهای بالادستی را باید بر اساس تفسیر صحیح از نگاه مقام معظم

رهبری (دام‌ظله) بهینه کرد و آن را مبنای تدوین برنامه ششم و تولید شاخصه‌ها و اجرای آن

قرار داد.

21- رویکرد به صنایع را از Hi تکنولوژی به تکنولوژی متوسط و ساده در الگوی مصرف عمومی

تنزل داد اما توجه به Hi تکنولوژی در نیازهای اصلی نظام هم‌چون مسائل اساسی دفاعی،

امنیتی، نظامی و فرهنگی را باید حفظ کرد.

22- در حد اضطرار و در مراحل انتقال در برنامه‌های آینده باید رعایت نمود.

23- جواب این سؤال در بند 3 و 5 آمده است.

24- جواب این سؤال در بند 5، 6، 9 و 14 آمده است.

25- پایه‌های تعاریف اصولی و فقهی حوزه‌های علمیه به عقلانیت قبل از رنسانس و منطق صوری

بازگشت می‌کند، لذا عقلانیت حاکم بر مهندسی اقتصاد سرمایه‌داری توانسته آن را در خود

منحل و به تعریف جدید برساند و ارکان سیستم بانک‌داری جدید به راه خود ادامه دهد، از

این رو فرض مطرح شده غلط است.

26- نگاه به اصل 44 از منزلت علمی، به خصوصی‌سازی اقتصاد کشور و کاهش تصدی‌گری

بخش دولتی معنا می‌شود، حال آن‌که نگاه به اصل 44 اگر به مردمی کردن اقتصاد کشور از

طریق بخش تعاونی معنا شود، با اقتصاد مقاومتی، آرمان‌های انقلاب دینی، اصل بودن عدالت

در ساختار اقتصادی و نگاه به محرومین هماهنگ‌تر است.

27 و 28- چنین طرح‌هایی در برنامه‌های توسعه متدوال در ادبیات جهانی و بین‌المللی بدون

درآمدزایی و صرفه اقتصادی معنا ندارد؛ اما بدلیل دغدغه انقلاب اسلامی در حمایت از

مستضعفین پیگیری شده که متأسفانه تورم‌زا بوده است. بنابراین چنین طرح‌هایی در مهندسی

اقتصاد مقاومتی باید مجددا بررسی شود و جایگاه آن‌ها در تدوین برنامه‌های پنج‌ساله دیده شود.

29- نرخ ارز از مکانیزم عرضه و تقاضا در حجم صادرات بین کشورها در منطقه، بین‌الملل و جهان تعیین می‌شود. تک‌نرخ شدن ارز به معنای حضور مؤثر در عرضه و تقاضای جهانی بر اساس تعریف جدید از رفاه عمومی و الگوی تولید مستقل، مشکلات نظام را حل می‌کند.

30- جواب این سؤال در بندهای 3، 4، 5، 14 و 15 داده شده است.

31- قبل از انقلاب، «توزیع» قطب توسعه کشور بوده است (غیر مردمی بودن و فساد نظام پهلوی) بعد از انقلاب هم به دلیل:

الف) تغییر تعریف فقر براساس آرمان‌های عدالت‌خواهانه و توجه به محرومین در نظام اسلامی
ب) ایجاد تورم انتظاراتی

«توزیع» بمثابة قطب توسعه کشور باقی مانده است. اما تحول در اقتصاد کشور بر اساس مهندسی اقتصاد مقاومتی، می‌تواند تولید را قطب توسعه قرار دهد.

33- الگوی مصرف از اقتصاد جهانی و بین‌الملل به اقتصاد منطقه‌ها و اقتصاد کشورها تحمیل می‌شود و سهم دولت‌ها در وابستگی آن‌ها و ملت‌شان به نظام اقتصاد جهانی است. اما نظام مبارک جمهوری اسلامی، کشوری مستقل و ضداستکباری است که به سمت تبدیل شدن به یک قطب جدید قدرت در عالم حرکت می‌کند. پس باید سبک زندگی خود را در بخش اقتصاد از حالت انفعالی به عملکرد فعال، تغییر جهت دهد.

فرهنگی (شبه چهار)

1- فرهنگ به سه دسته «الحادی، التقاطی و الهی» تقسیم می‌شود. مولفه‌های حوزه فرهنگ در نظام مبارک جمهوری اسلامی - که دارای فرهنگ الهی است - به دو تخصص حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌ها بازگشت می‌کند که وظیفه دولت جمهوری اسلامی، فراهم آوردن زمینه قرابت علمی این دو نهاد با هم در جهت پاسخ به سفارشات گفتمان انقلاب است تا تداوم و توسعه انقلاب اسلامی تضمین گردد.

2 و 6 و 7- تدوین «فرهنگ پیشرفت» بر اساس فرهنگ سیاست (فرهنگ مقاومت) بستر «انقلاب فرهنگی» را ایجاد می‌نماید همچنان که با فهم صحیح از اندیشه حضرت امام(ره) و مقام معظم رهبری(دام ظلّه) باید به تدوین فرهنگ اقتصاد مقاومتی برای مهندسی اقتصاد مقاومتی اقدام کرد.

در صورت تثویز کردن انقلاب اسلامی، فرهنگ مقاومتی قدرت آن را دارد که شاخص و ویژگی‌های عنوان برنامه را برای ما ترسیم نماید. گفتمان انقلاب اسلامی، بستر خروج حوزه فرهنگ از مظلومیت است.

3- نگاه قاعده‌مند به ادبیات انقلاب و بهینه مطالبات از دو مرجع تخصصی دانشگاه و حوزه برای تدوین سبک زندگی اسلامی و الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت است.

4- ساختارهای موجود دستگاه‌های فرهنگی کارایی مناسب را ندارد، زیرا ترسیمی محتوایی از درگیری فرهنگ مدرنیته با فرهنگ مقاومتی و فرهنگ ارزشی مبانی دینی ما ندارد. با تعریف جدید از محتوای فرهنگ موجود در چارچوب فرهنگ مقاومتی می‌توان بستر انتقال وضع موجود به سمت وضع مطلوب را فراهم نمود.

5- از آنجا که جهانی شدن یا جهانی سازی بر مبنای فرهنگ مدرنیته تدوین شده‌اند و فرهنگ ضد استکباری نظام جمهوری اسلامی درگیری مبنایی با آن دارد، باید با ترسیم ابعاد این درگیری، به تدوین فرهنگ مقاومتی پرداخت.

8- از آنجا که منشا تولید اخلاق رذیله، فرهنگ مهاجم تمدن غربی هست؛ حفظ نظام اخلاقی جامعه و صیانت معنوی از نظام، به سیاست ضد استکباری نظام و توسعه آن به عرصه های مختلف جامعه باز می گردد و ساخت و معماری مجدد اخلاق جامعه نیز به ترسیم «نظام فکری انقلاب» بر اساس مکتب اسلام نیازمند است.

9- باید انگیزه های انقلابی مردم دلاور ایران (استکبارستیزی) در همه عرصه های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی ساماندهی گردد تا با تدوین «مدل های مردمی»، فرهنگ مشارکت و اقتدار ملی افزایش یابد. در این صورت فرهنگ مادی دموکراسی های غربی (رأی به رفاه دائم التزاید به قیمت حذف اخلاق) در کشور منزوی شده و چهره حقیقی آزادی و مشارکت، در فرهنگ مقاومت و دینی روشن می گردد.

10 و 11 و 13- تحول در نظام آموزش و پرورش باید براساس فرمایشات مقام معظم رهبری (دام ظلّه) تدوین شود که این منویات با جهانی شدن فرهنگ مادی مدرنیته درگیر می باشد.

14- در این بخش، وضع فعلی مطلوب است و همین روند باید ادامه پیدا کند.

15- برنامه حمایت از تولید فکر و علم در دانشگاه باید در ارتباط با استراتژی صنعت تنظیم شود و صنعت نیز به Hi تکنولوژی و تکنولوژی متوسط و تکنولوژی ساده تقسیم می شود. بخش اول فقط باید در جهت نیاز نظام

اسلامی (مانند اقتدار، تهدیدزدایی، امنیت و...) متمرکز شود و برای تامین نیاز عمومی و اصناف، از بخش دوم و سوم استفاده شود.

16- کرسی‌های آزاداندیشی و احیای گفت‌وگوها باید در سه سطح: 1- نشست با «نخبگان» در حوزه و دانشگاه 2- کارگاه با «اساتید» 3- مناظره برای «دانشجویان» مهندسی شود.

18- نگاه جمعیت‌شناسی به زنان و ترسیم سهم تأثیر آنان در تولید ناخالص ملی (نگاه اشتغالی) به نهاد خانواده ضربه می‌زند و از طرف دیگر نگاه اقتصادی به جنسیت زنان در زمینه‌های تبلیغی و هنری و روابط غیر قاعده‌مند آنان به عنوان جایگاهی رسمی در جهان، بنیان زن و خانواده را از بین برده است. این روند در نظام جمهوری اسلامی مشروط به عدم مخالفت با احکام اسلامی جریان یافته است و وضعیت فعلی عفاف و حجاب در جامعه را رقم زده است. راه چاره، تغییر «فرهنگ مادی برنامه‌های توسعه» به «فرهنگ انقلاب و اندیشه مقام معظم رهبری» است؛ لذا مهندسی «خانواده» به عنوان «سلول اصلی جامعه» باید جایگزین «تعریف شهروند به عنوان سلول اصلی جامعه» گردد.

19 و 20 و 21- رویکرد ما، درگیری با فرهنگ مادی استکباری، گفتگو با فرهنگ ادیان و ارائه الگوی سبک زندگی اجتماعی بر اساس جامعه‌ی خانواده‌محور است. کشورهای همسایه یا فرا منطقه بر همین اساس ساماندهی می‌شوند.

هر جا برای اصول اسلامی قانون اساسی الگو یا نرم‌افزار و ساختار پیش‌بینی نشده است، آن بخش منزوی شده است از جمله مسائل زنان، اقتصاد اسلامی و

22 و 24 و 26- آیا آزادی فضای رسانه‌ای در فرهنگ جهانی و بین‌المللی به یک شوخی مضحک تبدیل نشده

است؟!

آیا آزادی فضای رسانه‌ای در فرهنگ جهانی منوط به فرهنگ جاری و ساری منافع مادی آن‌ها و استعمار نوین و علمی آن‌ها در دنیا نمی‌باشد؟

بهتر است سؤال شود در «فرهنگ مقاومت» آزادی‌های مدنی، مطبوعاتی و رسانه‌ای چه تعریفی دارد و برای آن دارای چه برنامه‌هایی هستید؟ آن چه تجربه شده است افتخارات 34 ساله انقلاب اسلامی در این زمینه است و برای آینده باید رفتار گذشته خود را تئوریزه کنیم تا آزادی‌ها پایدار ادامه پیدا کند.

23- دسترسی عادلانه مردم به اطلاعات، پایه تئوری ولایت در جمهوری اسلامی است و تحقق این مهم، منوط به دستیابی به «الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت» بر اساس نظام فکری انقلاب است. گرچه دسترسی یکسان مردم به اطلاعات در هیچ جای دنیا معنا نداشته و ندارد.

بهینه سیاست‌های حاکم بر فضای مجازی براساس فرهنگ مقاومت ضروری است: در عرصه‌ی «علوم و تکنولوژی» مرتبط با این بخش، تابع بند 15، برنامه‌ریزی می‌شود و در عرصه‌ی «ساختارها» تابع فرهنگ مقاومتی در عرصه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی عمل می‌نماییم، یعنی: «درگیری» با نظام استکبار، «گفتگو» با ادیان و «تعاون» با جامعه انقلابی خانواده‌محور مورد نظر قرار می‌گیرد. در عرصه «محصولات» هم بر اساس تعریف جدید از رفاه مادی متناسب با اقتصاد مقاومتی برنامه‌ریزی می‌شود.

25- مطبوعات در فلسفه دموکراسی چشم و گوش مردم نبوده بلکه ابزار تحمیل عقاید احزاب و گروه‌ها بر مردم می‌باشند. مطبوعات در مردم‌سالاری دینی به سه سطح «نظام، اصناف، قومیت‌ها» تقسیم می‌گردند و برای هر کدام تعریف مشخص و کارآمدی خاص تعیین می‌شود که همگی در جهت ارتقاء ظرفیت مردم خواهد بود. انتقاد و تضارب افکار و سلاطین، مخصوص نظامات الهی است، زیرا فقط نظام‌های دینی، مردمی هستند.

27- توسعه فرهنگی منوط به تثوریزه کردن انقلاب و تدوین فرهنگ مقاومت در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و ترسیم سبک زندگی اجتماعی برای تحقق تمدن اسلامی می‌باشد. اولویت اول ما در تحقق این مهم، ایجاد گفتمان انقلاب اسلامی در سه سطح نخبگان، اساتید و دانشجویان در حوزه و دانشگاه است.

28- اگر کتاب و کتاب‌خوانی به سمت اطلاعات ارزشی جامعه معطوف سازید، فرهنگ مطالعه و کتاب‌خوانی در جامعه ارتقاء می‌یابد. هر جا این کار به صورت موردی انجام گرفته، جهش خوبی در کتاب‌خوانی حاصل شده است. به طور مثال کتاب‌هایی مثل «دا» یا «نورالدین پسر ایران» یا «پایی که جا ماند» بیشترین تیراژ سال را داشته‌اند. باید این کار از حالت موردی در آمده و به صورت روند متداول در مراکز انتشاراتی صورت گیرد.

29- حوزه فرهنگ با مظلومیت روبه‌رو است و وضعیت آن، در سطح هشدار قرار گرفته است.

30- ابتدائاً باید به سوی فهم صحیح از آن، گفتمان‌سازی پیرامون آن و سپس ساختاری‌سازی برای آن حرکت کرد و سپس به دنبال ترویج آن رفت.

31- از آن‌جا که فرهنگ مدرنیته، مادی بوده و با فرهنگ ارزشی نظام جمهوری اسلامی ذاتاً درگیر است، لذا جنگ نرم، تهاجم فرهنگی و ناتوی فرهنگی یک امر واضح و بدیهی است. این جنگ ارزش‌های مادی با ارزش‌های الهی، کاربردی و سازمانی و همه‌جانبه است و برای مقابله با آن، باید تمام قدرت نظام را به صورت همه‌جانبه به میدان آورد. همه‌جانبه بودن تهاجم نظام سرمایه‌داری در سطوح سیاسی، فرهنگی، اقتصادی باید تبیین شود تا جهت‌گیری برنامه و چشم‌انداز نظام روشن گردد.

32- وضعیت سینمایی امروز با فرهنگ مقاومت و انقلاب و ارزش‌های دینی بیگانه است و تا سپینمای ایرانی با این واقعیتهای گره نخورده و به این معنا سیاسی نشود، قدرت فرهنگ‌سازی ندارد.

33- هنر، آینه منعکس کننده نظام اختیارات در هر جامعه و به عبارت دیگر تجسم آرمان‌ها و اهداف نظامات اجتماعی است که کارکرد آن، تئوریزه کردن ارزش‌ها و انگیزش‌های اجتماعی است. توجه به هنر و ظرفیت‌های هنری در برنامه مکفی است؛ اما جهت حاکم بر بخش هنر، «اخلاقی، مقاومتی و واقعی» نیست و لذا جریان انقلاب در بخش هنر با گفتمان‌سازی به وجود می‌آید.

34- مهمترین آسیب، عدم توجه به درگیری فرهنگ کاربردی مدرنیته با فرهنگ ضد استکباری و مقاومتی نظام جمهوری اسلامی است. از طرفی، فرهنگ اسلامی را به ادبیات قبل از رنسانس ترجمه می‌کنند (یعنی فرهنگ مسلمانان در دوره‌های حکومت‌های اسلامی تا امپراطوری عثمانی را به اسلام نسبت می‌دهند) که این امر بسیار غلط است که قدرت کاربردی شدن و توانایی رویارویی با شبهات عینی و کاربردی فرهنگ مدرنیته را ندارد.

35- اگر سیاست اتخاذ شده از طرف مسئولان نظام تا امروز، «برخورد و حذف» بوده است، جریان فرهنگ فساد و فحشاء و ناهنجاری‌های اجتماعی به کجا بازگشت می‌کند؟ مگر فرهنگ مدرنیته، معتقد به آزادی در نشر فرهنگ مقاومت و فرهنگ اسلام ناب است که ما مطالبه ترویج فرهنگ فاسد ارتباطی و ماهواره‌ای داریم؟!

36- بهره‌گیری از فناوری اطلاعات برای هریک از مدیران ارشد نظام، نخبگان، اصناف، استان‌ها و مردم باید آیین‌نامه مستقل و جداگانه داشته باشد.

37- از آن‌جا که تمدن امروز برای رفاه دنیایی مردم، بسترسازی و ساختارسازی می‌کند، دولت الکترونیک در راستای توسعه‌یافتگی مادی قابل قبول نیست، اما برای نشر فرهنگ مقاومت و تقویت بخش‌های انقلابی و معنوی جامعه بسیار مطلوب است.

اجتماعی (شبکه چهار)

1- شوراهای اسلامی شهر و روستا برای تمرکز زدایی در قانون‌گذاری و گسترش مشارکت عمومی در امور جامعه بوده و از این رو نهادی بسیار مهم است.

2- نگاه مادی به توان و ظرفیت اشتغال آن‌ها در تولید ثروت مالی، ضربه جدی به نهاد خانواده است. باید نگاه مادی به زنان و تعیین قیمت برای جنسیت آن‌ها در امور تبلیغی و هنری و رفتار غیر قاعده‌مند در فرهنگ مدرنیته به نگاه فرهنگ مقاومتی و ارزشی تبدیل شود و برای آن ساختارسازی شود، سپس کار فرهنگی شود و در نهایت به قانون‌گذاری توجه کرد.

3 و 4- بند 18 بخش فرهنگی، مقدمات برخورد سیستمی و تولید هندسه عمومی مسئله زن را به ما نشان می‌دهد.

5- فرهنگ مقاومتی، هندسه‌ی ورزش «رزمی» و ترویج آن را یک امر ضروری برای نظام نموده است همچنان که فرهنگ شهرنشینی، هندسه ورزش «مردمی و همگانی» و ترویج آن را برای نظام ضروری نموده است. لذا ورزش «قهرمانی» در مرتبه سوم اولویت قرار می‌گیرد و از این طریق، رویکرد برنامه‌ها و محیط‌های ورزشی از محیط سرگرمی و تفریحی به نیازهای واقعی نظام تغییر جهت می‌دهد.

6- بنا بر نظر مقام معظم رهبری (دام‌ظله) که خانواده، سلول اصلی جامعه است، باید نگاه خود را در فرهنگ دینی و ارزشی خود بجوییم. از این رو کیفیت تئوریزه کردن خانواده به عنوان محیط «تولید اخلاق» در نهادهای

معنوی همچون مساجد، حسینیه‌ها، مدارس و دانشگاه‌ها و رسانه ملی پدیده‌ی جدیدی است که باید به ساختارسازی برای آن اقدام نمود.

7- بنیان فرهنگ توسعه، ضد اخلاقی و ضد ارزش‌ها است. از این رو با بنیان ازدواج و تشکیل خانواده درگیر است. بنابراین تنها راه برون رفت، تولید الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و تدوین سبک زندگی اجتماعی برای تحقق تمدن اسلامی است.

جریان فرهنگ «اقتصاد محور» توسعه، تعریف ارزش‌ها را به فرهنگ قیمت‌گذاری مادی و سهم تأثیر در تولید ثروت جامعه معنا می‌کند، لذا خانواده در فرهنگ توسعه به این معناست و نهایتاً نیاز عاطفه و جنسی را قیمت‌گذاری نموده و جوانان را در مقابل انتخاب فرهنگ ازدواج یا فرهنگ فحشاء قرار داده که در این صورت، عقلانیت انسان اکونومیک، فرهنگ فحشاء را ترجیح داده و جوانان را از موانع مادی و کمرشکن ازدواج فراری می‌دهد.

8- چون انسان در نظام اسلامی به انسان اکونومیک تعریف نمی‌شود بلکه هویت انسان به امور معنوی، آزادی‌ها و آگاهی‌های آن مشخص می‌گردد و انسان، اصل در مخلوقات محسوب می‌گردد افزایش باروری، محدودیتی ندارد، زیرا انسان دارای بالاترین راندمان است و نگاه حیوانی بر آن حاکم نمی‌شود. این نگاه مادی و حیوانی به انسان است که باروری را برای جوامع مادی دچار چالش می‌کند و لذا کنترل باروری به‌عنوان یکی از مقولات جمعیت‌شناسی باید مورد دقت مجدد قرار گیرد.

9 و 15- سیاست‌های دولت در راستای بهبود سلامت خانواده‌ها و زنان، تدوین و تقویت «الگوهای بهداشت اسلامی - ایرانی» است. لذا اگر رویکرد سلامت از «درمان‌محوری» به «بهداشت‌محوری» تغییر جهت دهد و به جای «بهداشت فردی» به محیط زیست، الگوهای مصرف در کلان شهرها و سلامت محیط‌های زندگی

اندیشیده شود، هزینه‌های درمان بسیار پایین می‌آید که این امر از منزلت سبک زندگی اجتماعی اسلام قابل تحقق است.

در مسائل زنان به دلیل بار مسئولیت زایمان و انتقال نسل که به عهده آن‌ها می‌باشد، باید بهداشت اسلامی و احکام اسلام در سرلوحه‌ی بهداشت و درمان و محیط زیست قرار گیرد.

10 و 11 و 12- پدیده اعتیاد، خودکشی، سرقت، فرار از خانه، قتل و نزاع و ... مفاسد اجتماعی زاینده فرهنگ توسعه است و ریشه‌ی آن «فقر فرهنگی» آمریکا، اروپا و کشورهای توسعه‌یافته است، نه فقر اقتصادی. گرچه در کشورهای جهان سوم که با همه‌ی مشکلات استعماری ناشی از فرهنگ مدرنیته روبه‌رو هستند، فقر اقتصادی در تشدید این مفاسد اجتماعی نیز مؤثر است.

مهمترین اقدامات برای پیش‌گیری از آسیب‌های فرهنگی، هویت‌سازی براساس فرهنگ مقاومتی و فرهنگ ارزشی دین و صیانت از هویت خودی در مقابل فرهنگ توسعه است.

13 و 14- ورزش‌های قهرمانی دارای فرهنگ سرگرمی و ایجاد هیجان‌های روحی در مسابقات مصنوعی می‌باشد، لذا نباید در حد «هویت اجتماعی انسان» مطرح باشند، بلکه بنا به نظر مقام معظم رهبری (دام ظلّه) باید حامل فرهنگ مقاومت و فرهنگ ارزشی نظام باشند. لذا نگاه موجود به ورزش فوتبال و امثال آن صحیح نمی‌باشد. در واقع اقتدار و همبستگی ملی ما نه از ورزش که برخاسته از دین و مکتب ماست و لذا ما نسبت به ورزش قهرمانی نگاه ابزاری داریم.

19- نظام اسلامی به دلیل مردمی بودن آن، با عوارض و مفاسد نظام سرمایه‌داری - که طبقاتی بودن، لازمه ذاتی آن است - بسیار فاصله دارد و امروزه افراد آسیب‌دیده به جا مانده از رژیم سابق هم به عزت مالی و شغلی

رسیده و درگیر شئون رفاهی شده‌اند. لذا با مهندسی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و سبک زندگی اجتماعی اسلامی، همه‌ی اقشار از امکانات و خدمات اجتماعی بهره‌مند شده و نیاز به نرم‌افزارهای غربی همچون بیمه تأمین خدمات اجتماعی و از این قبیل امور نخواهد بود و تا تحقق آرمان‌ها و اهداف اخلاقی نظام به طور اضطرار از این امور به صورت موقت استفاده می‌نماییم.

20- بیماری‌ها باید طبقه‌بندی شده و نسبت آن‌ها به ظرفیت‌های ایمانی مختلف معین شود، لذا لازم نیست تا نظام برای قشرهایی که نسبت به پذیرش فرهنگ مقاومت و فرهنگ ارزشی بی‌مبالات هستند هزینه کند. از این رو بسیاری از بیماری‌های ناشی از فرهنگ مدرنیته باید از فهرست تخصیص ارز و تهیه دارو خارج شود و منابع محدود در این بخش، صرف قرار دادن فرهنگ بهداشت اسلامی بعنوان جزئی از فرهنگ سلامت جامعه شود و برای آن برنامه‌ریزی گردد.

21- براساس تغییر رویکرد فوق به راحتی می‌توان هزینه بیماران خاص و صعب‌العلاج را از طریق بیمه‌ها تأمین کرد.

22- از آنجا که زیر ساخت فرهنگ تأمین معیشت و نظام سلامت، تابع الگوی درآمدی غربی و مادی است و تربیت نیروی انسانی در چهارچوب تعریف انسان اکونومیک و فرهنگ توسعه انجام می‌گیرد؛ آسیب‌های اخلاقی در همه اصناف و از جمله در جامعه پزشکی بوجود می‌آید. با تربیت نیروی انسانی در فرهنگ اسلامی به نحو وقف و همچنین جریان اینار در الگوی درآمدها از آسیب‌های فوق جلوگیری خواهد شد.

25- با توسعه کلان شهری، بیماری‌های زیستی تمدن موجود را در جامعه فراگیر کرده‌ایم، بیماری‌هایی ناشی از

(آلودگی هوا - آلودگی صوتی - ناهنجاری‌های اجتماعی و آپارتمان‌نشینی و ...)

با نگاه غلط جمعیت‌شناسی به جامعه زنان و تعریف آن‌ها به‌عنوان منبعی برای تولید ثروت ملی به نهاد

خانواده و این قشر مهم ضربه زده‌ایم که لازمه آن، ضربه به الگوی تغذیه، تربیت و توسعه‌ی اخلاقی جامعه

است. با تغییر نگاه مادی به تمدن مدرنیته و توجه به تمدن اسلامی و منزلت مادری در نهاد خانواده، نظام

سلامت ما بهداشت‌محور شده و نیازی به پزشک خانواده نمی‌باشد.

27- پاسخ این سؤال در بند 7 بخش اقتصادی داده شده است.

پاسخ به سوالات سیاست داخلی و خارجی

شبکہ خیر سیما



سوالات پیشنهادی

سیاست داخلی :

- نظر شما راجع به ظرفیتهای قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران چیست؟ آیا اختیارات رییس جمهور در این قانون از منظر شما رضایت بخش است؟
- از منظر شما کارایی رییس جمهور بیشتر به حدود اختیارات او مرتبط است یا توانایی مدیریتی؟
- میزان تحمل شما در برابر نقد دیگران چیست؟
- چقدر توان کار با مخالفین و منتقدین خود دارید؟ آیا منتقدین شما که صلاحیت کاری و توانایی وزارتخانه ای را داشته باشند در کابینه شما خواهند بود؟
- تا چه میزان گرایش های حزبی و جناحی در تصمیم گیری های دولت شما ممکن است موثر باشد؟
- مشخصه اصلی کابینه خود را چه می دانید؟
- آیا به چرخش نخبگان در کابینه خود اعتقاد دارید؟
- آیا شما شاخص هایی را برای انتخاب و انتصاب وزرا و مدیران ارشد دولت آینده در صورتی که رای بیاورید تدوین کرده اید؟ بیشتر برای مردم توضیح دهید که قرار است با چه تیمی کار کنید؟
- آیا به اصطلاح تغییر اتوبوسی مدیران اعتقاد دارید؟
- آیا به حضور افراد تکنوکرات در کابینه معتقدید؟ (افراد متخصصی که دین را از سیاست جدا دانسته و الگوهای غربی را در اقتصاد پذیرفته اند)
- به نظر شما مهمترین نقاط قوتی که باید شما نیز آنها را تقویت کنید چیست؟
- تا چه میزان قطار دولت خود را متعهد به حرکت بر روی ریل گذاری مجلس می دانید؟
- در صورت تغییر ماهوی لوایح دولت در مجلس آیا همچنان خود را متعهد به این مصوبات می دانید؟
- مهمترین آموزه سیاسی امام راحل که به نظر شما باید در فضای سیاسی کنونی به عنوان اولویت مورد توجه قرار گیرد کدام است؟

سیاست خارجی :

- اولویت سیاست خارجی دولت شما چیست ؟ کشورهای همسایه و منطقه ، آمریکای لاتین یا کشورهای اروپایی و یا مورد دیگری مد نظر شماست ؟
- راهبرد جمهوری اسلامی ایران در منطقه باید از چه مولفه هایی برخوردار باشد ؟
- برنامه دولت شما برای بحران های منطقه ای از جمله سوریه چیست ؟
- ارزیابی شما از تحولات سوریه چیست ؟ در مقابل تلاش های آمریکا و کشورهایی همچون قطر ، عربستان ، ترکیه برای تجهیز تروریست ها چه اقدامی خواهید کرد ؟
- ارزیابی شما از روند موضوع هسته ای ایران چیست ؟ آیا به مسیر پیموده شده اعتقاد دارید ؟ و آیا موضوع هسته ای ایران در طول عمر دولت شما به سرانجام خواهد رسید ؟
- اگر آمریکا و کشورهای اروپایی رفع تحریم را منوط به تعلیق غنی سازی کنند شما چه پاسخی به آنها خواهید داد ؟
- اگر آمریکا رسماً اعلام کند که در صورتی که شما رییس جمهور شوید حاضر است مذاکره مستقیم کند شما چه پاسخی خواهید داد ؟
- دیپلماسی عمومی و نوع نگاه شما به آن چگونه است ؟
- جایگاه مقاومت و مسئله فلسطین در سیاست خارجی دولت شما چیست ؟
- تا چه میزان از ظرفیت بیداری اسلامی در منطقه استفاده خواهید کرد ؟ تدبیر دولت شما برای استفاده بهینه از این ظرفیت چیست ؟ بیداری اسلامی در سیاست خارجی شما چه جایگاهی دارد ؟ آیا برنامه مشخصی برای کشورهایی که این تحولات در آنها رخ داده دارید ؟

بسمه تعالی

شبکه خبری

سیاست داخلی

۱. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به دلیل تکیه بر اصول اسلامی به ویژه اصل متریقی ولایت مطلقه فقیه دارای ظرفیت‌های بسیار است. و اختیارات رئیس جمهور در این قانون رضایت‌بخش است.

۲. حدود اختیارات رئیس جمهور در قانون اساسی‌های متداول و مرسوم بسیار زیاد است و به حدی است که ضعف‌های مدیریتی افراد را نیز پوشش می‌دهد و این مهم باید از مجاری قانونی خود (بازنگری قانون اساسی) بهینه شود.

۳. میزان تحمل رئیس‌جمهورها در برابر نقد به عنوان یک شاخص در مجاری قانونی باید در صلاحیت‌ها از منظر شورای نگهبان باید کنترل شود در عین حال نقد دارای دو تعریف است در فرهنگ مدرنیته ابزاری برای تحت فشار قرار دادن هیئت حاکمه و گرفتن امتیاز و دادن امتیاز به صاحبان ثروت و قدرت است و در ادبیات انقلاب ابزار خرد جمعی برای تعاون سازمانی به مسئولین نظام و ابزاری برای تعامل بین مردم و هیئت حاکمه است که پاسخ‌گو بودن مسئولین نظام را به عنوان یک امر اخلاقی نهادینه نماید.

۴. با تعریف فوق روشن و واضح شد که جریان نقد انقلابی، نرم‌افزاری برای انتخاب مسئولین و همکاران باشد.

۵. انقلاب اسلامی با صبر و تحمل با فرهنگ تخریب در ۳۰ سال گذشته تعامل کرده و در قضیه فتنه ۸۸ اخلاق تخریب در جمهوری اسلامی به بن‌بست رسیده است و گفتمان انقلاب که مقام معظم رهبری پرچم‌دار آن هستند در بخش ساختاری مسئولیت قوه مجریه را به عهده این‌جانب است امیدوارم باید

ساز و کار انقلابی بتوانیم گرایش‌های حزبی و جناحی را به فرهنگ مقاومت نزدیک نموده و آثار سوء آن جلوگیری نماییم.

۶. به دنبال حل چالش‌های نظام از منظر گفتمان اسلام ناب هستیم.

۷. در مدیریت‌ها در قرن بیستم علمی است و نظام جمهوری اسلامی باید بتواند پاسخ‌گوی مدیریت‌های علمی از منظر گفتمان اسلام ناب باشد از این منظر نقش نخبگان در کابینه و تصمیمات قوه مجریه، بسیار حیاتی و حساس است.

۸. اعتقاد به اصل ولایت فقیه و گفتمان اسلام ناب در جریان تصمیمات و تصمیم‌سازی و اجرا شاخصه اصلی بنده در انتخاب وزرا و مدیران ارشد می‌دانم.

۹. چنین اعتقادی را درست نمی‌دانم و به آن عمل نمی‌کنم و بر اساس دو بند گذشته تصمیم می‌گیرم.

۱۰. برای فهم صحیح از شرایط منطقه، بین‌الملل و جهانی، مشورت با آن‌ها را لازم و ضروری می‌دانم و در مهندسی ساز و کارهای انقلاب برای حل مشکلات نظام آن‌ها را به عنوان چشم ناظر می‌پذیرم و این دو منزلت برای آن‌ها تا استقرار تمدن اسلامی ضروری و لازم است.

۱۱. نقاط قوت نظام جمهوری اسلامی راهی است که بنیان‌گذار جمهوری اسلامی برای ما باز کرده‌اند و نقش نهادها و ساز و کارهای انقلابی - مردمی - ارزشی را باید تئوریزه کرد و برای حل چالش‌های جدید اقتصادی و فرهنگی همان راه را پیمود و نهادها و سازوکارهای جدید مهندسی کرد. عدالت اقتصادی - دفاع مردمی - اطلاعات مردمی - مردم‌سالاری دینی - آزادی‌های سیاسی - پاسخ‌گو بودن مسئولین - ضد استبداد بودن نظام و دفاع از حقوق مظلومین عالم و کمک به نهضت‌های امت اسلامی - نگاه بسیجی و تعمیم آن در همه عرصه‌های علی - فرهنگی - اقتصادی نظام و ...

۱۲. پذیرش حق مجلس در ریل‌گذاری و پذیرش مجلس به حق قوه مجریه در رانندگی در میدان عمل و پذیرش رابطه دو طرفه بین قوه مقننه و قوه مجریه برای مقابل عقلانی و کارشناسانه بر محور عقلانیت ولایت فقیه

۱۳. آنچه از مجاری قانونی به قوه مجریه ابلاغ می‌شود باید در دستور کار اجرا قرار گیرد با قبول مسؤولیت نسبت به پیدایش مشکلات پیش آمده از منظر به ریل‌گذاری شده و یا به اجرا کردن قوا.

۱۴. در بند ۱۱ پاسخ داده شد.

بسمه تعالی

شبکه خبر

سیاست خارجی

۱. بیداری اسلامی اولویت اول سیاست خارجی نظام جمهوری اسلامی است و برای آن باید برنامه جدید تدوین کرد و نقش حج پررنگ دیده شود.
و سپس به عراق به دلیل عتبات عالیات باید به عنوان منافع آرمانی جمهوری اسلامی نگاه شود و به بازسازی مرز مشترک ایران و عراق به عنوان زیرساخت‌های پیشرفت در الگوی پیشرفت دقت شود. سپس بقیه همسایه‌ها به تناسب نزدیک بودن فرهنگ آن‌ها با فرهنگ مقاومت برنامه‌ریزی شود. امریکای لاتین نیز به عنوان یک فرصت ضد استکباری نیز باید در اولویت قرار گیرد.
کشورهای اروپایی نیز به اندازه تأمین نیازمندی‌های علمی، فن‌آوری، سخت‌افزاری در اولویت هستند تا بتوان نیازهای سازمانی فرهنگ مقاومت تأمین شود باید برنامه‌ریزی شود و ارتباط با اروپا برای ارتقاء رفاه مادی در داخل یا بالا بردن تولید ثروت داخل پرهیز نمود.
۲. پیام صلح، دوستی، برادری با کشورهای مسلمان در سیاست، انتقال تجارب فرهنگ مقاومت و تجارب ۳۴ ساله انقلاب و دعوت به استحکام ارزش‌های دینی در صحنه اداره کشور و بها دادن به مردم و مشارکت آن‌ها در بخش فرهنگ و اولویت قرار دادن صادرات به منطقه در بخش اقتصاد.
۳. بحران‌های منطقه را باید تبدیل به فرصت برای فرهنگ مقاومت نمود و جنگ در سوریه را باید به عنوان منافع فرهنگ مقاومت، مشارکت حداکثری در آن داشت زیرا سوریه از مهم‌ترین حلقه‌های مقاومت است.
۴. تلاش دشمنان اسلام ابر می‌ماند اگر از اندیشه حضرت امام در دفاع مقدس بهره گرفته و به وعده‌های خدای متعال در قرآن برای بار دیگر عمل کرده و تردید نکرده و برای مقاومت برنامه‌ریزی نموده و مشارکت حداکثری داشته باشیم. جنگ رسانه‌ای را در اولویت اول با آن‌ها قرار داده و به هر اندازه در

بخش دفاعی - امنیتی و نظامی در دولت بشار اسد آمادگی وجود داشته باشد به سازماندهی حرکت‌های مردمی در این بخش که تجربه جمهوری اسلامی در آن‌ها موفقیت‌آمیز بوده است، اقدام نماییم.

۵. مسأله هسته‌ای با روند مثبتی که در گذشته داشته است تمام شده است، حالا باید از دستاوردهای آن در ادامه حفاظت کرد و با همان جهت‌گیری کار را پی‌گیری کرد.

۶. قبول نخواهیم کرد.

۷. مذاکره با امریکا خط قرمز رهبری نظام است و تشخیص معظم له فصل الخطاب مسؤولین نظام است.

۸. دیپلماسی عمومی که برای تولید ثروت و توسعه‌یافتگی به قرائت فرهنگ مدرنیته را قبول نداشته و دیپلماسی عمومی را برای آرمان‌های نظام و فرهنگ مقاومت و بیداری اسلامی قبول دارم. این امر را در تولید ثروت و الگوی پیشرفت مؤثر می‌دانم.

۹. بنا به بیان مقام معظم رهبری، اولویت مسأله فلسطین شاخص رفتار نظام‌ها در منطقه می‌باشد و جمهوری اسلامی ایران پرچم‌دار دفاع از قدس شریف است؛ به تبع رهبری مبارزه علیه رژیم اشغال‌گر را در دست دارد.

۱۰. در سوال اول پاسخ دادیم.

پاسخ به سوالات

رادیو معارف

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

سؤالات رادیو معارف از نامزدهای یازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری

ردیف	موضوع	پرسش
۱	سند چشم انداز	برای تحقق شاخصه هویت اسلامی و انقلابی سند چشم انداز ۱۴۰۴ نظام چه برنامه‌هایی دارید؟
۲	شورای عالی انقلاب فرهنگی	رئیس جمهور، ریاست شورای عالی انقلاب فرهنگی را بر عهده دارد. ارزیابی شما از عملکرد این شورا در سالهای گذشته چیست و برای ارتقای جایگاه و تأثیرگذاری بیشتر آن چه برنامه‌ای دارید؟
۳	بودجه فرهنگی	معمولاً بودجه فرهنگی در اولیتهای نخست قرار نمی‌گیرد که منجر به مظلومیت فرهنگی و نادیده انگاشتن اهمیت آن می‌شود. نگاه جنابعالی به بودجه ریزی فرهنگی چگونه است و برای ساماندهی آن چه برنامه‌ای دارید و اولویت فرهنگی شما چیست؟
۴	تهاجم فرهنگی	یکی از راهبردهای دشمن، تهاجم فرهنگی است. دیدگاه شما در این باره چیست و برای امنیت فرهنگی چه برنامه‌هایی دارید؟
۵	سوزده علمی	برای تعامل بیشتر و بهره گرفتن از ظرفیت های حوزه علمیه چه برنامه‌هایی دارید؟
۶	دانشگاه	اسلامی سازی دانشگاه‌ها و تحول در علوم انسانی از اصلی ترین آرمان های نظام اسلامی است، شما برای تحقق این امر مهم چه برنامه‌هایی دارید؟
۷	وزارتخانه‌ها و نهادهای فرهنگی	با عنایت به این که شرایط، ابزارها و نیازها در هر مه فرهنگ تغییر کرده است، آیا ساختار موجود دستگاه‌ها و وزارتخانه‌های فرهنگی می‌تواند کارایی مناسب داشته باشد؟ برای ارتقای سطح کارایی آنها چه برنامه‌هایی دارید؟
۸	آموزش و پرورش	برنامه‌های شما برای تحقق سند تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش چیست؟
۹	حجاب و عفاف	گسترش حجاب و عفاف از اهداف مهم نظام اسلامی است که قانون آن نیز در شورای عالی انقلاب فرهنگی به تصویب رسیده است، با توجه به اینکه متولی اصلی اجرای این قانون، دستگاه‌های دولتی است، چه برنامه‌هایی برای اجرای کامل این قانون دارید؟
۱۰	جهان اسلام	با توجه به اینکه یکی از ابزارها و راه‌های نشر فرهنگ اسلامی، گسترش رابطه و تعامل با مسلمانان جهان است، برای ارتقای روابط فرهنگی بین مردم کشورهای اسلامی و مسلمانان جهان چه برنامه‌هایی دارید؟
۱۱	بیداری اسلامی	دیدگاه شما درباره بیداری اسلامی چیست؟ چه راهکارهایی برای تقویت جنبه مقاومت در منطقه دارید؟
۱۲	بانکداری اسلامی	نظام بانکی کشور ما بر اساس بانکداری بدون ربا پایه‌ریزی شده است، اما برای رسیدن به تمامی اهداف این نظام بانکی، مشکلاتی وجود دارد، شما چه راهکارهایی برای اصلاح ساختار نظام بانکی کشور بر اساس شاخص‌های بانکداری اسلامی دارید؟
۱۳	خانواده	نهاد خانواده از مهم‌ترین عناصری است که می‌تواند باعث شکل‌گیری و شکل‌دهی شبکه زندگی ایرانی اسلامی گردد. چه برنامه‌هایی برای حفظ، تقویت و رشد خانواده و ازدواج به هنگام پیش‌بینی کرده‌اید؟
۱۴	هنر دینی	هنر دینی از نظر شما چه تعاریف یا مشخصه‌هایی دارد؟ آیا در حال حاضر سیر اصلی آفرینش‌های هنری در ایران را با غلبه دیدگاه دینی می‌دانید یا نه؟ چه راهکارهایی برای غلبه ارزش‌های دینی در فضای هنری دارید؟
۱۵	وحدت حوزه و دانشگاه	همانگونه که مستحضرید مسأله وحدت حوزه و دانشگاه یکی از اساسی‌ترین مسائل فرهنگی انقلاب اسلامی است، شما در حال حاضر روند وحدت حوزه و دانشگاه را چگونه ارزیابی می‌کنید و چه راهکارهای اجرایی برای تحقق وحدت حوزه و دانشگاه دارید؟
۱۶	پژوهش	یکی از اصلی‌ترین بخش‌های فرهنگ که بطور مستقیم با توسعه و فناوری ارتباط دارد، بخش پژوهش است. آیا در این بخش در کشور سرمایه‌گذاری‌ها کافی است؟ شما چه می‌کنید؟

با توجه به اینکه در قانون اساسی یکی از وظایف دولت «رشد فضایل اخلاقی است» برای اجرایی شدن این اصل چه برنامه‌ای دارید؟	فضایل اخلاقی	۱۷.
یکی از شاخص‌های جوامع فرهنگی، میزان مطالعه و اقبال مردم به کتاب و کتابخوانی است، شما برای افزایش سرانه مطالعه در جامعه چه برنامه‌ای دارید؟	کتاب و کتابخوانی	۱۸
با توجه به اهمیت جایگاه خانواده و ضرورت استحکام آن و نقش مسووری زنان به عنوان مادر، راهکارهایی شما برای کاهش ساعات حضور بانوان شاغل در محیط کاری چیست و چه برنامه‌ای برای تخصصی‌سازی اشتغال آنان دارید؟	تخصصی سازی	۱۹
معیارهای شما برای انتخاب وزیران و مسئولین فرهنگی دولت چیست؟ (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی - وزارت آموزش و پرورش - وزارت علوم، تحقیقات و فناوری - وزارت ورزش و جوانان)	انتخاب مسئولان فرهنگی	۲۰

جواب به سؤالات رادیو معارف

1- هویت اسلامی انقلابی با انقلاب اسلامی توانسته است وجدان عمومی بشریت را در دعوت به خداپرستی؛ عدالت و فطرت بشری بیدار نماید و برای پایداری آن نیازمند به تئوریزه کردن هستیم تا به شاخصه‌های آن دست یابیم.

2- رویکرد آن به سمت انقلاب فرهنگی نبوده بلکه به دنبال سازش بین ادبیات حجیت‌گرا و ادبیات حس‌گرا بوده که در این امر موفق بوده است.

3- براساس رویکرد سازشی فوق در بخش فرهنگ، بودجه‌ها کافی بوده است، اما رویکرد بودجه نسبت به سفارشات ادبیات انقلاب، باعث مظلومیت «فرهنگ مقاومتی» شده است. این مشکل، با اقامه فرهنگ گفتمان حول «فرهنگ مقاومتی» ساماندهی می‌شود.

4- باید به آسیب‌شناسی سه مرجع فرهنگی در نظام یعنی 1. ادبیات تخصصی حوزه 2. ادبیات تخصصی دانشگاه و 3. ادبیات انقلاب پرداخت و سپس به دنبال انقلاب فرهنگی برخاسته از انقلاب اسلامی رفت تا فرهنگ مقاومتی تبدیل به هویت اجتماعی شود.

5 و 6- باید عزمی ملی در نخبگان حوزه و دانشگاه پیرامون گفتمان‌سازی در بند 4 به وجود آورد که آن هم از طریق:

الف. نشست با نخبگان ب. کارگاه با اساتید و ج. مناظره برای دانش‌جویان و طلاب محقق می‌شود.

اسلامی شدن دانشگاه از منظر سه سطح: 1. محتوی (علم) 2. برنامه (ساختار پژوهش، آموزش، ارتباط) 3. سازمان (نظام ارزشی) قابل دقت است.

اسلامی شدن علوم به معنای بررسی آسیب‌منزلیت «اصلی بودن علوم پایه نسبت به علوم پزشکی» و منزلیت «اصلی بودن علوم پزشکی نسبت به علوم انسانی» است.

در «برنامه» باید سهم تأثیر پژوهش و تولید علم را در مقابل برخورد ترجمه‌ای با منابع غربی افزایش داد.

در «سازمان»، نظام ارزش‌گذاری و پژوهشی مدارج دکتری، فوق لیسانس، لیسانس، دیپلم به تکامل مادی اهتمام جدی دارند و نسبت به کلمات وحی و ادبیات حجت‌گرا در پژوهش‌ها نسبت علمی داده نمی‌شود تا چه برسد به اینکه نسبت به آن ارزش‌گذاری شود. از این رو تحول در علوم انسانی با رویکرد جدید باید در دستور کار ساختارها قرار گیرد.

7- با تغییر در جهت و رویکرد فرهنگ بر اساس بند 2 و 3 و 4، باید شرایط، ابزارها و نیازها در عرصه فرهنگ تغییر کند و ساختارها و نرم‌افزارها در جهت فرهنگ مقاومت بهینه و ساماندهی جدید شوند.

8- سند تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش براساس رویکرد «سازش بین ادبیات حجت‌گرا و ادبیات حس‌گرا» تنظیم شده و از آنجا که «شاخصه‌های کاربردی» به ادبیات حس‌گرا منحصر است؛ انگیزش‌ها، پژوهش‌ها و گزینش‌ها در عمل به نفع «توسعه تربیت مادی» منحل می‌شوند و آرمان‌های ارزشی این سند - که بر اساس ادبیات حجت‌گرا تنظیم شده - قابلیت تحقق و کنترل ندارند و در حد شعار باقی خواهند ماند.

9 و 13 و 19- نگاه مادی به زنان و ظرفیت اشتغال زنان در تولید ثروت مالی، ضربه جدی به نهاد خانواده است. باید نگاه مادی به زنان و تعیین قیمت برای جنسیت آن‌ها در امور تبلیغی و هنری و رفتار غیر قاعده‌مند در فرهنگ مدرنیته به نگاه فرهنگ مقاومتی و ارزشی تبدیل شود و برای آن ساختارسازی شود، سپس کار فرهنگی شود و در نهایت به قانون‌گذاری توجه کرد.

همچنین نگاه جمعیت‌شناسی به زنان و ترسیم سهم تأثیر آنان در تولید ناخالص ملی (نگاه اشتغالی) به نهاد خانواده ضربه می‌زند و از طرف دیگر نگاه اقتصادی به جنسیت زنان در زمینه‌های تبلیغی و هنری و روابط غیر قاعده‌مند آنان به عنوان جایگاهی رسمی در جهان، بنیان زن و خانواده را از بین برده است.

این روند در نظام جمهوری اسلامی مشروط به عدم مخالفت با احکام اسلامی جریان یافته است و وضعیت فعلی عفاف و حجاب در جامعه را رقم زده است. راه چاره، تغییر «فرهنگ مادی برنامه‌های توسعه» به «فرهنگ انقلاب و اندیشه مقام معظم رهبری» است؛ لذا مهندسی «خانواده» به عنوان «سلول اصلی جامعه» باید جایگزین «تعریف شهروند به عنوان سلول اصلی جامعه» گردد.

10 - پیام صلح، دوستی، برادری با کشورهای مسلمان در سیاست، انتقال تجارب فرهنگ مقاومت و تجارب 34 ساله انقلاب و دعوت به استحکام ارزش‌های دینی در صحنه اداره کشور و بها دادن به مردم و مشارکت آن‌ها در بخش فرهنگ و در اولویت قرار دادن این کشورها برای صادرات در بخش اقتصاد.

11- بیداری اسلامی اولویت اول سیاست خارجی نظام جمهوری اسلامی است و برای آن باید برنامه جدید تدوین کرد که در آن، نقش حج پررنگ دیده شود.

بحران‌های منطقه را باید تبدیل به فرصت برای فرهنگ مقاومت نمود و در جنگ سوریه باید به عنوان منافع فرهنگ مقاومت، مشارکت حداکثری داشت زیرا سوریه از مهم‌ترین حلقه‌های مقاومت است. لذا تلاش دشمنان اسلام ابرتر می‌ماند اگر از اندیشه حضرت امام در دفاع مقدس بهره گرفته و به وعده‌های خدای متعال در قرآن برای بار دیگر عمل کرده و تردید نکرده و برای مقاومت برنامه‌ریزی نموده و مشارکت حداکثری داشته باشیم. به هر اندازه که در بخش دفاعی - امنیتی و نظامی در دولت بشار اسد آمادگی وجود داشته باشد، باید به سازماندهی حرکت‌های مردمی - که تجربه جمهوری اسلامی در آن‌ها موفقیت‌آمیز بوده است - اقدام نماییم.

12- پایه‌های تعاریف اصولی و فقهی حوزه‌های علمیه به عقلانیت قبل از رنسانس و منطق صوری بازگشت می‌کند، لذا عقلانیت حاکم بر مهندسی اقتصاد سرمایه‌داری توانسته آن را در خود منحل و به تعریف جدید برساند و ارکان سیستم بانک‌داری جدید به راه خود ادامه دهد، از این رو فرض مطرح شده غلط است.

14- هنر، آینه منعکس‌کننده نظام اختیارات در هر جامعه و به عبارت دیگر تجسم آرمان‌ها و اهداف نظامات اجتماعی است که کارکرد آن، تئوریزه کردن ارزش‌ها و انگیزش‌های اجتماعی است. توجه به هنر و ظرفیت‌های هنری در برنامه مکفی است؛ اما جهت حاکم بر بخش هنر، «اخلاقی، مقاومتی و واقعی» نیست و لذا جریان انقلاب در بخش هنر با گفتمان‌سازی به وجود می‌آید.

وضعیت سینمایی امروز با فرهنگ مقاومت و انقلاب و ارزش‌های دینی بیگانه است و تا سپینمای ایرانی با این واقعیتها گره نخورده و به این معنا سیاسی نشود، قدرت فرهنگ‌سازی ندارد.

15- «نظری بودن» فرهنگِ حجیت‌گرای ادبیات حوزه در مقابل «کاربردی بودن» فرهنگ حس‌گرای ادبیات دانشگاه، باعث عدم ارتباط منطقی بین این دو دستگاه تخصصی شده و چالش نظام را در ارائه «نظام فکری

واحد» در پی داشته است^۱. (البته این روند، نافی وحدت سیاسی و انگیزشی این دو دستگاه نیست)

توضیح آنکه، فرهنگ «حجیت‌گرا»، دنیا را یک ابزار و مسیر (نه هدف و غایت) جهت رسیدن به فلاح و رستگاری می‌داند و از این رو، به قناعت و مصرف کم دعوت می‌کند؛ اما فرهنگ «حس‌گرا» (در علوم انسانی ۲ موجود) دنیا را عزیز می‌شمارد و به مصرف انبوه و تنوع‌گرایی دعوت می‌کند و به فرهنگ‌سازی برای آزادی در رسیدن به شهوات (مدگرایی) می‌پردازد. علاوه بر آن که قدرت خرده فرهنگ‌ها را در راستای افزایش «ثروت و رفاه مادی» بسیج می‌کند.

16 - برنامه حمایت از تولید فکر و علم در دانشگاه باید در ارتباط با استراتژی صنعت تنظیم شود و صنعت نیز به Hi تکنولوژی و تکنولوژی متوسط و تکنولوژی ساده تقسیم می‌شود. بخش اول فقط باید در جهت نیاز نظام اسلامی (مانند اقتدار، تهدیدزدایی، امنیت و...) متمرکز شود و برای تامین نیاز عمومی و اصناف، از بخش دوم و سوم استفاده شود.

از سوی دیگر نخبگان دانشگاه باید با واقعیت‌های جامعه انقلابی و سفارشات گفتمان انقلاب مواجه شوند و با گفتمان‌سازی، عزم ملی در نخبگان به وجود آورد. لذا کرسی‌های آزاداندیشی و احیای گفتمان‌ها باید در سه سطح: الف) نشست با «نخبگان» در حوزه و دانشگاه ب) کارگاه با «اساتید» و ج) مناظره برای «دانشجویان» مهندسی شود.

1. حضرت امام خمینی (قدس سره): فرهنگ دانشگاه‌ها و مراکز غیرحوزه‌ای، به صورتی است که با تجربه و لمس واقعیت‌ها بیشتر عادت کرده تا فرهنگ نظری و فلسفی، باید با تلفیق این دو فرهنگ و کم کردن فاصله‌ها، حوزه و دانشگاه در هم ذوب شوند تا میدان برای گسترش و بسط معارف اسلام وسیع‌تر گردد. (صحیفه امام، جلد 21، صفحه 99)

2. اینکه بنده درباره‌ی علوم انسانی در دانشگاه‌ها و خطر این دانش‌های ذاتاً مسموم هشدار دادم - هم به دانشگاه‌ها، هم به مسئولان - به خاطر همین است. این علوم انسانی‌ای که امروز رائج است، محتوایی دارد که ماهیتاً معارض و مخالف با حرکت اسلامی و نظام اسلامی است؛ متکی بر جهان‌بینی دیگری است؛ حرف دیگری دارد، هدف دیگری دارد. وقتی اینها رائج شد، مدیران بر اساس آنها تربیت می‌شوند. (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار طلاب، فضلا و اساتید حوزه علمیه قم 89/7/29)

- 17- از آن جا که تمدن حقه الهی قبل از ظهور حضرت ولی عصر(عج) یک تمدن مقاومتی است، نیازمند رشد فضائل اخلاقی تحت پرتو «عقلانیت دین محور» هستیم تا بستر ظهور حضرت در سرفصل سوم تاریخ - که اخلاق محوری تحت ولایت مستقیم حضرت ولی عصر(عج) است - فراهم شود.
- 18- اگر کتاب و کتابخوانی به سمت اطلاعات ارزشی جامعه معطوف سازید، فرهنگ مطالعه و کتابخوانی در جامعه ارتقاء می یابد. هر جا این کار به صورت موردی انجام گرفته، جهش خوبی در کتابخوانی حاصل شده است. به طور مثال کتاب هایی مثل «دا» یا «نورالدین پسر ایران» یا «پایی که جا ماند» بیشترین تیراژ سال را داشته اند. باید این کار از حالت موردی در آمده و به صورت روند متداول در سیاستگذاری های این حوزه درآید.
- 20- رویکرد ما نسبت به مسئولین فرهنگی نظام اعم از ستاد انقلاب فرهنگی، مسئولین وزارتخانه ها و نهادهای دینی، ایمان به فرهنگ مقاومتی و انقلاب فرهنگی است.

پاسخ به سوالات

رادیو جوان

زادیوجوان

- ۱- برنامه های حمایتی شما برای حمایت از کار و سرمایه ایرانی چیست ؟ مهمترین اقدامات شما بر اساس الویت ها چه تصمیمات و اقداماتی است ؟
- ۲- با کاهش ظرفیت های شغلی و همچنین ورود نیروهای جوان دهه ۶۰ به بازار کار مشکلات متعددی در حوزه های اقتصادی و اجتماعی کشور ایجاد شده. برنامه شما برای مهار بیکاری و ایجاد اشتغال چیست؟
- ۳- با توجه به کاهش ارزش پول ملی و تورم موجود در کشور شاهد مساله کاهش قدرت خرید یا فقر در شاغلین هستیم. برنامه عملیاتی شما برای این مشکل چیست و چه برنامه ها و راهکارهایی را پیشنهاد می کنید؟
- ۴- ارزیابی شما از اجرای فاز اول هدفمندی یارانه ها چیست؟ نقاط ضعف و قوت آن از نظر شما چیست؟
- ۵- اختصاص ۳۰ درصد از درآمدهای هدفمندی یارانه ها به صنعت و بخش تولید محقق نشده. شما چه برنامه ای برای رفع این مشکل دارید؟
- ۶- تفاوت در پوشش خدمات پزشکی و بیمه ها میان خدمات مختلف کشور شامل خدمات درمانی / تامین اجتماعی و برخی از سازمان های دولتی مقوله عدالت در سلامت را مخدوش کرده. برای تحقق عدالت چه راه حلی مد نظر شما است؟
- ۷- تامین هزینه درمان یکی از معضلات خانواده هایی است که درگیر بیمارهای صعب العلاج و بیماری های خاص هستند آیا برنامه ای برای این معضل دارید؟
- ۸- سیاست ها و برنامه های خود را در حوزه اقتصاد بدون نفت و خصوصی سازی تشریح کنید؟ اولین اقدام اساسی شما در هر دو مورد چیست ؟
- ۹- در چه زمینه هایی خود را پاسخگوی مردم می دانید ؟ اگر دولت شما در اجرای یک طرح یا تصمیم اشتباه کرد ، این مسئله را چگونه با مردم در میان می گذارید؟

رأب و جوان

۱- روابط ایران با دیگر کشورها، شامل کشورهای اسلامی، همسایگان، کشورهای حوزه آمریکای لاتین، اتحادیه اروپا و آمریکا را بظهور ارزیابی می‌کنید؟ برنامه شما برای آینده این روابط با توجه به مسایل بین المللی و تحریمها چیست؟

۱۱- اخیراً مقام معظم رهبری سیاست های کلی ایجاد تحول در نظام آموزش و پرورش کشور را ابلاغ کردند. آیا برنامه ای برای اصلاح نظام آموزشی دارید یا سیستم فعلی را کارآمد می‌دانید؟

۱۲- برای ارتباط برنامه های آموزش و پرورش با برنامه های توسعه کشور راهکارهای اجرایی و عملیاتی در این خصوص را تشریح کنید.

۱۳- با توجه به جوان بودن جمعیت کشور، لطفاً راهکارهای اجرایی و عملیاتی برطرف شدن مشکل کمبود محیط های تفریحی و سرگرمی سالم و فرهنگ سازی برای جوانان در امر ورزش را تشریح کنید؟

۱۴- یکی از مشکلاتی که جوانان همیشه با آن مواجهند ازدواج و تشکیل خانواده است این مشکل باعث افزایش سن ازدواج، تغییر الگوی ازدواج در کشور و مشکلات دیگر شده است؟ برای رفع این مشکلات چه تدابیری اندیشیده اید؟ مسائل اقتصادی و فرهنگی مرتبط را چگونه تحلیل و تدبیر می‌کنید؟

۱۵- برای حمایت از تولید فکر و علم در دانشگاه چه برنامه ای دارید؟

۱۶- برنامه شما برای حمایت از نخبگان جوان چیست؟

۱۷- مهمترین نقد شما به وضع دانشگاه ها و پژوهش چیست؟ برای غلبه بر کمبود بودجه در این حوزه و تحریمهای علمی چه برنامه ای دارید؟

۱۸- مهمترین و فوریترین امور فرهنگی و هنری را که اجرا یا عدم اجرای آن را لازم می‌دانید کدام است؟

۱۹- رسانه های جمعی رسمی ترین روابط مردم و دولت هستند که از وظایف اصلی آنها ایفای نقش نظارتی بر عملکرد دولت است، تعامل رسانه و دولت را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ آیا برای ارتقاء یا تغییر شیوه این تعامل راهکار دارید؟

۲۰- از نظر شما مهمترین دغدغه فرهنگی و هنری جوانان در تمام حوزه ها مثل کتاب، موسیقی، سینما و تئاتر، هنرهای تجسمی، و ... چیست؟ برای آن چه برنامه ای دارید؟

داریو جوان

۲۱- رویکرده شما در برابر الگوسازی رسانه های خارج از کشور برای جوانان ما که ممکن است باعث افزایش برهنی نامندجاریهای فرهنگی و اجتماعی شود چیست؟

۲۲- یکی از موضوعات مورد بحث جامعه و به خصوص جوانان اجرای طرح های موسوم به ارتقای امنیت اخلاقی است. آیا با این طرح ها و و شیوه اجرای آن موفقید؟ در این خصوص چه برنامه های جدیدی دارید؟

۲۳- برهنی از هنرمندان معتقدند عملکرد حوزه نظارت و ارزشیابی در بعضی موارد انقباضی است و مانع خلق آثار یا کیفیت می شود. نظر شما در این باره چیست؟

۲۴- برای ارتقای سطح معنوی و اخلاقی جامعه چه راهکارهایی پیشنهاد می کنید؟

1 و 2- آسیب ها:

بر مبنای علم اقتصاد، کار ایرانی گران قیمت است و به صرفه نبوده و باید واردات نیروی کار را برای کاهش هزینه واحدهای تولیدی دنبال کرد.

سرمایه ایرانی نیز به دلیل قطب توسعه نشدن «بخش تولید» در اقتصاد ایران و پایین بودن رشد تولید ناخالص ملی نمی تواند تکیه گاه مناسبی برای رونق بخش تولید باشد و لذا بهینه قانون سرمایه گذاری و استفاده از سرمایه خارجی توصیه می شود.

راه حل:

با تدوین اقتصاد مقاومتی بر اساس توجه به سه مؤلفه

1. تحریمها 2. فشار اقتصاد جهانی بر اقتصاد داخل و 3. تحلیل از تورم انتظاراتی

می توان به سرمایه و کار ایرانی بها داد. با ایجاد فرهنگ کار در موضوع الگوی جدید تولید (حرکت از Hi تکنولوژی به تکنولوژی متوسط و تجزیه تکنولوژی های متمرکز) می توان به بافت جدید اشتغال دست یافت و تولید را رونق بخشید؛ یعنی راه و رسم جدید تولید ثروت، تنها راه حمایت از کار و سرمایه ایرانی است.

3- با تحلیل از تورم انتظاراتی باید از هدف قرار دادن «رفاه مادی» دست برداشت و به جای توسعه یافتگی در معنای اصطلاحی آن، «تعمیم عدالت» را به عنوان اولویت محسوب کرد تا ارزش پول ملی در نظام موازنه ارزی، به صورت «مقاومتی» مهندسی شود و قدرت خرید مردم، امنیت پیدا کند.

4 و 5- هدف مندی یارانه ها به دلیل عدم تحلیل از تورم انتظاراتی موفق نبوده و باید با نگاه ارائه شده در بندهای بالا بهینه شود.

اگر تمامی درآمد حاصل از هدف‌مند کردن یارانه‌ها هم به بخش تولید اختصاص یابد، مشکل تولید با رویکرد علم اقتصاد موجود قابل درمان نیست.

6 و 7- متأسفانه نظام سلامت ما به جای «بهداشت محوری»، درمان محور است و این معضل، ناشی از اولویت دادن به سبک زندگی رفاه محور غربی است؛ یعنی با توسعه کلان شهرها، بیماری‌های زیستی تمدن موجود را (بیماری‌هایی ناشی از آلودگی هوا - آلودگی صوتی - ناهنجاری‌های اجتماعی و آپارتمان‌نشینی و ...) در جامعه فراگیر کرده‌ایم.

سیاست دولت در راستای بهبود سلامت ملی، خانواده‌ها و زنان، تدوین و تقویت «الگوهای بهداشت اسلامی - ایرانی» است. لذا اگر رویکرد سلامت از «درمان محوری» به «بهداشت محوری» تغییر جهت دهد و به جای «بهداشت فردی» به محیط زیست، الگوهای مصرف در کلان شهرها و سلامت محیط‌های زندگی اندیشیده شود، هزینه‌های درمان بسیار پایین می‌آید که این امر از منزلت سبک زندگی اجتماعی اسلام قابل تحقق است. یعنی با تغییر نگاه مادی به تمدن مدرنیته و توجه به تمدن اسلامی و منزلت مادری در نهاد خانواده، نظام سلامت ما بهداشت محور شده و نیازی به هزینه‌های سنگین برای تعمیم پزشکی خانواده نمی‌باشد.

بیماری‌ها باید طبقه‌بندی شده و نسبت آن‌ها به ظرفیت‌های ایمانی مختلف معین شود، لذا لازم نیست تا نظام برای قشرهایی که نسبت به پذیرش فرهنگ مقاومت و فرهنگ ارزشی بی‌مبالات هستند هزینه‌های سنگین را به عهده بگیرد. از این رو بسیاری از بیماری‌های ناشی از فرهنگ مدرنیته باید از فهرست تخصیص ارز و تهیه دارو خارج شود و منابع محدود در این بخش، صرف قرار دادن فرهنگ بهداشت اسلامی بعنوان جزئی از فرهنگ سلامت جامعه شود و برای آن برنامه‌ریزی گردد. براساس تغییر رویکرد فوق به راحتی می‌توان هزینه بیماران خاص و صعب‌العلاج را از طریق بیمه‌ها تأمین کرد.

8- ایران اسلامی باید نگاه به نفت بعنوان منبعی ثروت‌زا را کنار بگذارد و با نگاهی سیاسی و مقاومتی به آن برخورد کند تا فشار نظام استکبار را بر جمهوری اسلامی و محرومان و مستضعفین عالم کاهش دهد.

اقتصاد مقاومتی، عدالت‌محور بوده و با نظام سرمایه‌داری ذاتاً درگیر است، لذا سپردن شئون نظام اقتصاد مقاومتی به بخش خصوصی را غلط می‌دانیم.

9- پاسخ‌گویی، اخلاقی است که مخصوص نظامات دینی اخلاق‌محور می‌باشد. از این رو به عنوان یک فرهنگ در همه امور و بخش‌ها باید جاری و ساری شود. این فرهنگ با اخلاق مرسوم در تئوری قدرت و وضعیت اطلاع‌رسانی در دموکراسی‌های موجود درگیر بوده و بدون بهینه‌سازی فرهنگ حاکم بر رسانه‌ها و مطبوعات قابل پی‌گیری نمی‌باشد.

10- روابط خارجی ایران بدلیل هم‌پستگی بالا در داخل، و بیداری اسلامی در خارج در اوج عزت است. لذا برنامه‌های نظام در این بخش باید تغییر مقیاس داده و با تکیه به قدرت فعلی به دنبال ایجاد فرصت‌های جدید و منحل کردن تهدیدات دشمن در افق جدید باشد.

کمک سیاسی، فرهنگی، اقتصادی به حلقه مقاومت و تهدید بیش‌تر دشمنان در عرصه‌های سیاسی و نظامی و امنیتی از یک طرف

و از طرف دیگر عمق‌بخشی به آرمان‌ها و اهداف نظام در تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و سبک زندگی اجتماعی در بخش فرهنگی

و نگاه سیاسی و مقاومتی به بخش اقتصاد به جای نگاه ثروت‌زایی در شکل غربی باید در دستور کار قرار گیرد.

11 و 12- سند تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش براساس رویکرد «سازش بین ادبیات حجیت‌گرا و ادبیات

حس‌گرا» تنظیم شده و از آنجا که «شاخصه‌های کاربردی» به ادبیات حس‌گرا منحصر است؛ انگیزش‌ها، پژوهش‌ها

و گزینش‌ها در عمل به نفع «توسعه تربیت مادی» منحل می‌شوند و آرمان‌های ارزشی این سند - که بر اساس ادبیات حجیت‌گرا تنظیم شده - قابلیت تحقق و کنترل ندارند و در حد شعار باقی خواهند ماند.

13 و 14 - بنیان فرهنگ توسعه، ضد اخلاقی و ضد ارزش‌ها است. از این رو با بنیان ازدواج و تشکیل خانواده درگیر است. بنابراین تنها راه برون رفت، تولید الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و تدوین سبک زندگی اجتماعی برای تحقق تمدن اسلامی است.

جریان فرهنگ «اقتصاد محور» توسعه، تعریف ارزش‌ها را به فرهنگ قیمت‌گذاری مادی و سهم تأثیر در تولید ثروت جامعه معنا می‌کند، لذا خانواده در فرهنگ توسعه به این معناست و نهایتاً نیاز عاطفه و جنسی را قیمت‌گذاری نموده و جوانان را در مقابل انتخاب فرهنگ ازدواج یا فرهنگ فحشاء قرار داده که در این صورت، عقلانیت انسان اکونومیک، فرهنگ فحشاء را ترجیح داده و جوانان را از موانع مادی و کمرشکن ازدواج فراری می‌دهد. بنا بر نظر مقام معظم رهبری (دام ظلّه) که خانواده، سلول اصلی جامعه است، باید نگاه خود را در فرهنگ دینی و ارزشی خود بجوییم. از این رو کیفیت تئوریزه کردن خانواده به عنوان محیط «تولید اخلاق» در نهادهای معنوی همچون مساجد، حسینیه‌ها، مدارس و دانشگاه‌ها و رسانه ملی پدیده‌ی جدیدی است که باید به ساختارسازی برای آن اقدام نمود.

15- برنامه حمایت از تولید فکر و علم در دانشگاه باید در ارتباط با استراتژی صنعت تنظیم شود و صنعت نیز به Hi تکنولوژی و تکنولوژی متوسط و تکنولوژی ساده تقسیم می‌شود. بخش اول فقط باید در جهت نیاز نظام اسلامی (مانند اقتدار، تهدیدزدایی، امنیت و...) متمرکز شود و برای تامین نیاز عمومی و اصناف، از بخش دوم و سوم استفاده شود.

16- ایجاد هویت و منزلت اجتماعی برای این قشر از طریق درگیر کردن آنان با نظام سؤالات گفتمان انقلاب باهمکاری در

تدوین اقتصاد مقاومتی

تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

تدوین سبک زندگی اجتماعی اسلامی برای تحقق «مرحله تمدن اسلامی»

تامین نیازهای نظام در «مرحله اضطرار علمی» مانند فن‌آوری هسته‌ای، فن‌آوری مخابرات، فن‌آوری دفاعی و فن‌آوری هوا و فضا و....

17- نخبگان دانشگاه باید با واقعیت‌های جامعه انقلابی و سفارشات گفتمان انقلاب مواجه شوند و با گفتمان‌سازی، عزم ملی در نخبگان به وجود آورد. لذا کرسی‌های آزاداندیشی و احیای گفتمان‌ها باید در سه سطح: الف) نشست با «نخبگان» در حوزه و دانشگاه ب) کارگاه با «اساتید» و ج) مناظره برای «دانشجویان» مهندسی شود.

18- مهمترین آسیب، عدم توجه به درگیری فرهنگ کاربردی مدرنیته با فرهنگ ضد استکباری و مقاومتی نظام جمهوری اسلامی است. از طرفی، فرهنگ اسلامی را به ادبیات قبل از رنسانس ترجمه می‌کنند (یعنی فرهنگ مسلمانان در دوره‌های حکومت‌های اسلامی تا امپراطوری عثمانی را به اسلام نسبت می‌دهند) که این امر بسیار غلط است که قدرت کاربردی شدن و توانایی رویارویی با شبهات عینی و کاربردی فرهنگ مدرنیته را ندارد. در واقع ساختارهای موجود دستگاه‌های فرهنگی کارایی مناسب را ندارد، زیرا ترسیمی محتوایی از درگیری فرهنگ مدرنیته با فرهنگ مقاومتی و فرهنگ ارزشی مبانی دینی ما ندارد.

مولفه‌های حوزه فرهنگ در نظام مبارک جمهوری اسلامی به دو تخصص حوزه‌های علمی و دانشگاه‌ها بازگشت می‌کند که وظیفه دولت جمهوری اسلامی، فراهم آوردن زمینه قرابت علمی این دو نهاد با هم در جهت پاسخ به سفارشات گفتمان انقلاب است تا تداوم و توسعه انقلاب اسلامی تضمین گردد. لذا نگاه قاعده‌مند به ادبیات انقلاب و بهینه مطالبات از دو مرجع تخصصی دانشگاه و حوزه برای تدوین سبک زندگی اسلامی و الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت امری ضروری و فوری است. با تعریف جدید از محتوای فرهنگ موجود در چارچوب فرهنگ مقاومتی می‌توان بستر انتقال وضع موجود به سمت وضع مطلوب را فراهم نمود.

19- رسانه‌های جمعی، ابزار تولید قدرت از طریق طبقه‌بندی هدفمند اطلاعات در هر نظام هستند. لذا هر چه از تئوری قدرت در فلسفه‌ی دموکراسی پرهیز کنند و به تئوری اخلاق‌محور ولایت مطلقه فقیه در طبقه‌بندی اطلاعات نزدیک‌تر شوند؛ اهداف ارزشی بستر تحقق پیدا خواهند کرد و هم‌بستگی ملی افزایش می‌یابد.

بر همین اساس، «رسانه‌ی ملی» باید به دنبال «هویت اسلامی - انقلابی نظام» باشد؛ «رسانه‌های استانی» به دنبال «هویت خانواده و امور اخلاقی» باشند و «رسانه‌های صنفی» به دنبال «هویت توسعه مادی و رفاه مادی» مردم باشند.

20- مهمترین راهکار برای رسیدگی به دغدغه‌های فرهنگی جوانان، پرهیز از هویت علمی فرهنگ مدرنیته و پرهیز از فرهنگ علمی مسلمانان در قبل از رنسانس - که به اشتباه، به عنوان تمدن اسلامی معرفی می‌شود - و تکیه به توانایی فرهنگ مقاومت و ادبیات انقلاب که حضرت امام(ره) بنیانگذار آن بودند و برخاسته از کلمات وحی می‌باشد.

لذا جوانان ما باید به آرمان‌ها و ارزش‌های دینی را بر همه‌ی حوزه‌ها اولویت داده و هنر اسلامی را بر سینما، تئاتر و موسیقی و... حاکم نماید؛ زیرا هنر اسلامی، معرف اخلاق «تاریخی و اجتماعی و فردی» ائمه دین و امت اسلام است و زیبایی‌شناسی معنوی با زیبایی‌شناسی مادی - که تکیه بر هیجان‌ات و شهوات جنسی و خشونت دارد - بسیار متفاوت است.

21- از آن‌جا که اسلام دارای جاذبه‌ها و الگوهای تاریخی و اجتماعی است و انبیاء، امامان، علماء و شهدا مظهر آن هستند؛ می‌توان با هویت‌سازی در فرهنگ اسلامی ایرانی، جوانان را بیمه نمود.

22- آسیب‌شناسی مفاسد اجتماعی و حل ریشه‌ای آن به وسیله‌ی فرهنگ دینی، بستر ارتقاء امنیت اخلاقی است و عمل به احکام اسلامی می‌تواند به مقدار بسیار زیادی مفاسد اجتماعی را به انزوا بکشانند.

23- عدم تدوین هنر انقلاب اسلامی، علت قبض و بسط در سیاست‌های هنری کشور و باعث انفعال هنرمندان عزیز می‌گردد؛ لذا با تعیین جایگاه هنر مقاومتی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و مشارکت نخبگان هنر کشور در آن، این سوء تفاهمات از بین می‌رود.

24- در صورت حاکم کردن «عقلانیت دین‌محور» بر «عقلانیت تجربی و عقلانیت ارسطویی»، مقدمات «انقلاب فرهنگی» و «بستر ارتقای سطح معنوی جامعه» فراهم می‌شود.

پاسخ به سوالات

رادیو ورزش

رادیو ورزش

۱. طبق قانون اساسی رئیس جمهور رئیس شورای عالی ورزش می باشد.

به نظر شما مهمترین و اساسی ترین مسایل حوزه ورزش کدام است؟

۲. جامعه ورزش و ورزشکاران بعنوان گروه مرجع در جامعه شناخته می شوند و اهتمام به استفاده از الگوی موفق ورزشی در گسترش سببای اخلاقی و تقویت جریان سالم سازی اجتماع در جهت مقابله با ابزارهای تهاجمی بیگانه در شبیخون فرهنگی یک ضرورت است. با توجه به تاکید مسئولان بر توسعه ورزش قهرمانی بر مبنای ارزش ها و اخلاقیات پدر ورزش آیا برنامه ای برای بهبود اخلاقیات در ورزش قهرمانی دارید؟

۳. می دانید هدف از ورزش کردن تنها کسب عناوین قهرمانی نیست بلکه از ورزش به عنوان ابزاری برای سلامت بخشی و تکامل جسمی و روحی انسانها بخصوص جوانان استفاده می کنیم. حال با توجه به اصل سوم قانون اساسی که به صراحت تاکید بر رایگان بودن تربیت بدنی دارد. چنانچه عالی برای توسعه ورزش همگانی و فراگیر شدن آن به ذهنی که در سید خانوار قرار گیرد چه برنامه هایی دارید؟

۴. ورزش به عنوان تاثیر گذارترین عامل اجتماعی در تولید شادی و غرور ملی و نیز در بعد قهرمانی به منظور بهره گیری از غرور ملی حاصل از کسب افتخارات ملی برای تقویت حس برتری جویی نسبت به بیگانگان در مردم دارای اهمیت ویژه ای است. برنامه های شما برای اهتمام ورزش قهرمانی و حرفه ای و ارتقا جایگاه ورزش و تثبیت اقتدار ملی در عرصه های بین المللی چیست؟

۵. با توجه به برنامه های توسعه کشور (برنامه پنجساله پنجم) ضرورت کاهش تصدیی گری دولت و تاکید مقام معظم رهبری بر اجرایی شدن اصل ۴۴ قانون اساسی و نیز با عنایت به اینکه در حال حاضر دولت و نهادهای دولتی رقیب قدرتمند و مانع سرمایه گذاری در حوزه ورزش هستند:

دادیه ورزشی

جنابعالی برای اجرایی شدن اصل ۴۴ قانون اساسی و توجیه پذیر کردن حضور بخش خصوصی برای سرمایه گذاری در امر ورزش چیست؟

۶. با توجه به جوان بودن جمعیت کشور کمبود محیط های تفریحی و سرگرمی های سالم افزوده شدن ارزش جهانی ورزش ضرورت شکوفایی شکوفایی استعداد های نفیس ورزشی جوانان و همچنین تأثیر سیاست و ورزش در یکدیگر ضرورت توجه بیشتر به امر ورزش و لزوم فرهنگ سازی برای جوانان را می طلبد.

راه کار های اجرایی و عملیاتی در این خصوص را تشریح نمایید. در برنامه های خود چقدر نگاه کلان به افزایش فضاهای ورزشی و تکمیل طرح های نیمه تمام ورزشی در سراسر ایران دارید؟

۷. رهبر معظم انقلاب و بسیاری از دلسوزان نظام همواره بر ضرورت تزریق امید و نشاط به جامعه تاکید می کنند. شما برای اینکه چنین امید و نشاطی را ایجاد کنید چه برنامه ای دارید؟ به صورت مشخص و ماهداتی برنامه های امید بخش خود را معرفی کنید. آیا فکر میکنید با این برنامه می شود جامعه را با نشاط کرد؟

۸. از اهداف عالی نظام ارائه الگوی ورزش بانوان به کشورهای جهان علی الخصوص کشورهای اسلامی است در حالی که همگانی کردن ورزش بانوان که حدود نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می دهند یک برنامه ویژه ای را طلب می کند.

استراتژی جنابعالی در این حوزه چیست؟ چه برنامه هایی برای توسعه و حمایت از ورزش بانوان در پی دارید؟

۹. همواره یکی از ابزارهای بی اثر کردن تحریمها نواخته شدن سرود جمهوری اسلامی در میادین ورزشی دنیا بوده و هست بطوریکه جهانیان خواهند فهمید که ملت ایران ملتی مستقل پرتوان و پویاست که توانسته در مقابله با دشمنی ای غرب قدم علم کند و با برداشتن موانع نظیر تحریمها در میادین ورزشی جهان نموش بدرخشد. آیا برنامه ای در حوزه دیپلماسی ورزش و حضور پررنگتر در مراسم تصمیم

گیری ورزش جهان دارید؟ اگر دارید با چه ابزار و امکاناتی؟

۱۰. همانگونه که مستحضرید امروزه برای سلامت چهار بعد جسمانی روانی اجتماعی و معنوی تعریف شده است. در کشور اکثر بودجه سلامت در حوزه درمان صرف میشود برای بهبود سلامت روانی / اجتماعی / معنوی در کشور که از ارکان تشکیل دهنده سبک زندگی سالم است چه تمهیدی اندیشیده اید؟

۱۱. با توجه به آمار بالای بیماریهای غیبه و آگیر مانند بیماری قلبی عروقی سرطان و... آیا در برنامه های شمارا همکاریهای عملی برای کاهش عوامل خطر این بیماریها مانند مصرف سیگار / چاقی و... مانند ورزش همگانی وجود دارد؟

۱۲. همان طور که مستحضرید مقام معظم رهبری در سیاست های کلی ابلاغی بخش آموزش و پرورش به روسای سه قوه تاکید بر سلامت جسمی و توسعه تربیت بدنی و ورزش در مدارس داشته اند. و از سوی دیگر تاکید بر نامه توسعه کشور بر ورزش مدارس و دانشگاهها بنظر مایید برنامه های چندبعدی برای

محققان این امر چیست؟

داریو ورزشی

۱۳. آیا برای تشکیل کابینه صرفاً از نیروهای همفکر خود استفاده میکنید؟ با توجه به نوپا بودن وزارت ورزش و جوانان و نظرات گوناگون در حوزه وزارت ورزش و شخص وزیر ورزش و جوانان یعنی اگر فرد توانمندی باشد اما از نظر فکری با شما اختلاف داشته باشد آیا حاضرید از او استفاده کنید؟
۱۴. یکی از معضلات حوزه ورزش نابسامانی در هماهنگی و همراهی ارگانهای مختلف ورزش (از جمله آموزش و پرورش و دانشگاهها) کشور و یا اختلاف مدیران ورزشی دولت و فدراسیونها بر سر الویت تخصیص بودجه هاست. در این خصوص چه باید کرد؟ و به نظر جناب عالی اگر میکنید اولویت بودجه با کدام بخش از ورزش است؟ ورزش همگانی یا حرفه ای؟
۱۵. چه روشی برای تسهیل تعامل مدیران کل ورزش استانها که با حکم وزیر ورزش و جوانان تعیین میشوند و روسای فدراسیونها که در فرایندی ۴ ساله از طریق انتخابات آزاد بر سر کار میآیند پیش بینی کرده اید. فکر میکنید کابینه شما چقدر بتواند پایبند بماند که روسای فدراسیونها مدیرانی با سابقه شغلی در ورزش و مورد اقبال جامعه ورزشی و دارای تخصص در همان رشته باشند؟
۱۶. عدالت ورزشی در ارایه فرصتهای برابر به جوانان کشور تجلی می یابد. آیا قصد دارید برنامه های استعدادیابی در ورزش را برای رفع محرومیت و بی عدالتی بکار گیرید تا افراد شایسته وارد میادین ورزشی و مسئولیتهای اجرایی شوند؟ اگر بله با چه اولیوی؟

رادیو ورزش:

2 و 3 و 4 و 6- در شبیخون فرهنگی، دشمن به وسیله‌ی زیبایی شناسی دنیایی و هنر مادی (بمثابه منعکس کننده و آینه تمدن کاربردی غرب) از مرزها می‌گذارد و ایجاد جاذبه می‌نماید. در این میان، بخشی از آینه تمدن مدرنیته را ورزش قهرمانی به خود اختصاص داده است و لذا تحلیل آسیب‌های ورزش قهرمانی از این منظر قابل ملاحظه است.

در تمدن موجود، هر چیز باید نسبت به سهم تأثیر آن در «تولید ثروت» سنجیده شود و بر این اساس به توسعه و بسط آن پرداخته شود. لذا هنگامی که در نگاه جمعیت‌شناسی به مقوله‌ی جوانان، تولید ثروت بعنوان یک اصل قرار گیرد و بر همین اساس، «ورزش» به «هویت جوانان» تبدیل شود؛ یک خطر جدی برای جامعه جهانی رخ داده است. کالا شدن نیروی جوانی برای حس برتری جویی و منزلت یافتن این امر در نظام اقتصاد سرمایه‌داری به نفع ثروتمند شدن یک قشر خاص در جامعه جهانی - که در باشگاه‌های ورزشی درآمدزا تبلور یافته - بزرگترین توهین به بشر است، زیرا هویت جوانی بعنوان دوره شکوفایی انسانی و برترین مقطع حیات جوامع مورد حمله واقع شده است و منزلت اخلاقی، عقلانی، علمی و فرهنگی در هویت‌بخشی به جوانان در اولویت قرار نمی‌گیرد. این امر ذاتاً با سجایای اخلاقی درگیر بوده و علت سقوط اخلاق جوامع می‌شود.

اما در نظام جمهوری اسلامی با آرمان‌های ارزشی و مکتبی خود، می‌توان تعریف جدیدی از ورزش را مطرح کرد و بعنوان وسیله‌ای برای گسترش فرهنگ و اخلاق به آن پرداخت. پس ورزش هم‌هنگ با فرهنگ مقاومت:

اولاً به ورزش‌های رزمی اولویت می‌دهد

و ثانیاً برای جلوگیری از آسیب‌های شهرنشینی به ورزش همگانی و خانوادگی اهتمام می‌ورزد

و در درجه سوم به ورزش قهرمانی برای صدور هویت اسلامی انقلابی نظام و ارزش‌های مکتب مبادرت می‌نماید.

1- بنابر آنچه گذشت، اصلی‌ترین مسایل حوزه ورزش، توجه به تدوین استراتژی صنعت و تکنولوژی ورزش و زیرساخت‌های ورزش بر اساس رویکرد ذکر شده در بند 2 می‌باشد.

5 و 6 و 8 و 12 و 16- هزینه‌های ورزش رزمی باید دولتی باشد؛ هزینه ورزش همگانی باید به عهده بخش تعاونی‌ها و اوقاف باشد و هزینه‌های ورزش قهرمانی باید به عهده بخش خصوصی باشد و تعریف «عدالت و تعادل» در بخش ورزش را به اولویت‌بندی ارائه شده می‌دانیم.

ورزش برای جامعه بانوان باید براساس احکام اسلام و در ورزش همگانی دیده شود و ورزش رزمی و ورزش قهرمانی را فقط با شروط خاص و برای رساندن پیام عفاف و حجاب به فرهنگ بیمار غرب تجویز نمود (مانند تیراندازی با کمان)

9- تا قبل از انقلاب فرهنگی، صدور آرمان‌های انقلاب از طریق ورزش قهرمانی متناسب با امکانات و توانایی‌های درون نظام با جهت‌دهی خاص می‌تواند در اولویت ورزش قرار گیرد.

11- آسیب‌های زندگی شهری را باید از طریق ورزش همگانی تقلیل داد و به نظام سلامت کمک کرد.

7- امید و نشاط اجتماعی در فرهنگ مقاومت از امور معنوی است که در ارتباط با خدای متعال معنا می‌شود اما امید و نشاط اجتماعی با تعریف فرهنگ مدرنیته در تعارض با فرهنگ ارزشی نظام است. لذا ورزش نمی‌تواند جزئی از اهداف و آرمان‌های نظام معرفی شود بلکه می‌تواند وسیله‌ای برای اهداف نظام قرار گیرد.

نقد و بررسی جزوه

اصلاح ساختار اجرایی

(تنظیم حیات ملیه)

حسینیه اندیشه - خردادماه ۱۳۹۲

برگرفته از اندیشه علامه سیدمنیرالدین حسینی الهاشمی

سرپرست پژوهش: حجت‌الاسلام والمسلمین مسعود صدوق

تدوین: گروه مدل حسینیه اندیشه

کارشناسان تدوین: حجج اسلام محمدصادق حیدری، احمد زیبایی نژاد

کنترل نهایی: حجت‌الاسلام احمد زیبایی نژاد

تاریخ تدوین: خردادماه ۱۳۹۲

۰۹۱۲۷۵۰۲۹۹۴ - ۰۹۱۹۲۵۳۸۴۶۹

حسینیه اندیشه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱. نقد و بررسی کلیات

در ابتدا باید توجه داشت که این برنامه، تنها معطوف به اصلاح ساختار اجرایی نیست، بلکه به اصلاح وضعیت موجود «رابطه ساختار اجرایی با دین» توجه کرده است و لذا نحوه استفاده از آیات و روایات و ادبیات انقلاب باید در همین بخش مورد بررسی قرار گیرد.

به نظر می رسد در برخورد با دین، سه نگاه «تجربه‌گرا»، «عقل‌گرا» و «حجیت‌گرا» وجود دارد که نگاه ما حجیت‌گراست و در آن، تعبد و رعایت قاعده‌مندی در استناد به شارع، محور اصلی است. لذا برای تطبیق احکام کلیه در رساله‌های عملیه بر موضوعات مرکب و پیچیده‌ای مانند ساختار اجرایی کشور حتماً به یک منطق در جهت جلوگیری از انحراف و خطا نیازمندیم که در این جزوه به این امر اساسی و خطیر توجه نشده‌است.^۱

پس رعایت این مهم در برقراری ارتباط بین ساختار اجرایی با دین بسیار ضروری است؛ همچنان که توجه به این مهم در استفاده از ادبیات انقلاب - که در بیانات امام و رهبری تجلی یافته و بعنوان محور حجیت در نظام اسلامی محسوب می شود - امری ناگزیر خواهد بود. در این صورت، تبعیت از رهبری تنها در اجرایی کردن سیاست‌های کلان منحصر نشده و مبنای ادبیات انقلاب در اموری همانند اهداف کلان، استراتژی‌ها، راهبردها و ... نیز موضوع فهم مشترک روسای قوا و برنامه ریزی و عمل آنان قرار خواهد گرفت.

۱. دستاورد اولیه مرحوم علامه حسینی الهاشمی در این زمینه، «منطق انطباق» بوده است. سپس با تکامل مباحث خود، «فلسفه نظام ولایت» (به‌عنوان تئوریزه‌کننده ربط بین اعتقاد و عمل) را تولید نمودند تا فضای جدیدی در «قاعده‌مندی استناد به شارع» پدید آورد که مبنای جزوه اثباتی پیشنهادی «تحول در نظام اداری کشور» قرار گرفته است.

۲. نقد و بررسی مباحث «روشی، فلسفی و مصداقی»

در این جزوه برای تبیین موضوع اصلاح ساختار اجرایی به بحث‌های «روشی، فلسفی و مصداقی» پرداخته شده است.

۲/۱. نقد و بررسی مباحث «روشی»

مباحث روشی در این جزوه، در بخش‌هایی مانند «از تصویب تا اجرا» و «شاخص‌سازی برای پیشرفت» (صفحات ۴، ۸ و ۹) قابل ردیابی است. روشن است که بخش‌هایی که به منطق کلی و جزئی (منطق صوری) انصراف دارد، ارتباطی به منطق مدیریت و اداره کشور و مهندسی سیستم‌ها - که بر اساس کل و جزء بنا شده - ندارد. گذشته از این نکته، حتی اگر بر اساس ادبیات دانشگاه، منطق سیستمی به درستی در مدیریت کشور به کار گرفته شود، باز هم بر اساس آرمان‌های انقلاب با یک خلا منطقی روبرو هستیم و آن، ناتوانی ادبیات دانشگاه در تحلیل جهت‌گیری مادی یا الهی حاکم بر سیستم‌هاست و فرهنگستان مدعی دستیابی به ریاضیاتی است که قدرت ارزیابی جهت‌گیری سیستم‌ها را داراست. به‌عنوان مثال اگر جامعه دارای سه وصف «سیاست، فرهنگ و اقتصاد» باشد، نظام سرمایه‌داری «اقتصاد محور» است و سیاست و فرهنگ را خدمه اقتصاد می‌داند و منافع ملی را بر اساس لوازم تولید ثروت ملی تعریف می‌کند و بر این مبنا تکلیف جنگ یا صلح یا مذاکره و... را معین می‌کند. حتی شکل‌گیری رژیم مجعول اسرائیل نیز در همین راستا یعنی ارباب کشورهای منطقه و بهره‌برداری بی‌هزینه از بازارها و منابع سرشار آنها قابل تحلیل است. در مقابل مدیریت الهی حضرت امام (ره) اخلاق، حساسیتها و تمایلات الهی (یعنی سیاست) را اصل در نظام می‌داند و معتقد است باید بر این اساس به ساماندهی فرهنگ و اقتصاد پرداخت. پس نظام جمهوری اسلامی برای حاکم کردن دین بر سیستم‌ها به نحو قاعده‌مند نیاز مبرمی به چنین منطقی دارد.

۲/۲. نقد و بررسی مباحث «فلسفی»

اگر مباحث فلسفی درباره ساختار اجرایی را در سه محور «محتوا، برنامه و سازمان» ملاحظه کنیم، تمرکز اصلی این جزوه بر بخش «سازمان» و در این بخش نیز بر «مدیریت شبکه‌ای» است؛ آنجا که بر ضرورت

تبدیل موضوعات به پروژه - بجای پروسه - (صفحه ۶) تاکید شده است. در واقع همان طور که به محور «محتوا» توجهی نشده، در بخش سازمان هم، به «مدیریت متمرکز» و «مدیریت کارگاهی» توجهی نشده است.

به نظر ما موضوعات سیاسی (به عنوان متغیر اصلی در نظام الهی) به مدیریت «متمرکز» نیازمندند؛ چون این موضوعات مربوط به امر ولایت هستند. اما «شبکه‌ای بودن» مدیریت در عرصه فرهنگ امری قابل قبول است؛ همچنان که «کارگاهی بودن» مدیریت در عرصه اقتصاد مورد تاکید ماست.^۲

بحثی که شاید بتوان آن را به محور «برنامه» مرتبط دانست، تشریح مدیریت در سه عرصه «فرهنگ، سازوکار و ساختار» است؛ گرچه فرهنگ در اینجا بصورت فردی و بر اساس ادبیات حوزه توضیح داده شده (خصلتهای غلط فردی در صفحه ۶) و تبیینی اجتماعی و مدیریتی از آن به چشم نمی‌خورد. البته وجود چنین مشکلاتی قابل نفی نیست - که علت اساسی آن نیز جذب نیرو از نهادهایی است که برخلاف محیط‌های دانشگاهی، دارای اخلاق فردی و فاقد روحیه کار سازمانی هستند - اما همانطور که در بخش مدل‌سازی موضوعی خواهد آمد، چنین چالش‌هایی، مشکلات روبنایی است. علاوه بر اینکه ساختارها در معنای اصطلاحی خود اموری نسبتاً ثابت هستند و به راحتی تابعی از ساز و کارها قرار نمی‌گیرند، بلکه بر آنها حکومت دارند.

۲/۳. نقد و بررسی مباحث «مصدیقی»

در بحث سوم یعنی بحثهای مصدیقی به مسائلی مانند ساز و کارهای مردمی و رابطه آن با آموزش و پرورش، کشاورزی، صنعت و ... (صفحه ۱۰) اشاره و تاکید شده که این دستگاه‌ها باید به دنبال مردم باشند و نه بالعکس. به نظر ما این آسیب به فقدان «عدالت» در سیستم آموزش و پرورش و آموزش عالی در نظام سرمایه‌داری باز می‌گردد؛ به‌طور مثال فرزند یک سرمایه‌دار که از نظر مالی تامین بوده، در دوره

۲. توضیح تفصیلی چگونگی هر بخش، در جزوه پیشنهادی «تحول در نظام اداری کشور» آمده است.

تحصیل، تربیت و آگاهی‌های لازم را درباره هفت خوان نظام اداری بدست آورده و لذا کاملاً مطلع است چگونه عمل کند تا با کمترین وقت و هزینه به نتیجه مورد نظر دست یابد.

البته در نحوه مدل‌سازی بومی به «ضرورت مدنظر قراردادن منافع همه فعالان بخش هدف» اشاره شده که به نظر، این امر باید مؤخر از «تعریف صحیح منافع ملی و جریان آن در همه بخش‌ها» تبیین شود.

۳. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

آنچه باید در تحلیل مشکلات نظام اداری و بالتبع مدل‌سازی‌های موضوعی مورد توجه قرار گیرد، چالش و درگیری (قبض و بسط) میان «نظام سرمایه‌داری» و «مدیریت عدالت محور امام و رهبری» در ماموریت‌های نظام اداری است. به عبارت دیگر ساختارها و هنجارها و استانداردها و تعاریف عملیاتی این نظام در همه ابعاد اداره کشور واضح و روشن است و از زمان پهلوی تا کنون در کشور مستقر شده و موجود است و ماموریت‌ها و وظایف خاصی را - بر خلاف سفارشات رهبری - بر دستگاه‌های اجرایی تحمیل می‌کند و در صورت فقدان تحلیل از نحوه مادی‌شدن جهت حاکم بر این سیستم‌ها همیشه محکوم آنها خواهیم بود. به نظر ما علت موفقیت نظام در عرصه‌های نظامی و امنیتی خروج از همین معادلات روز است و به‌عنوان نمونه آنچه پیروزی‌هایی را در غزه و لبنان رقم زده، اجبار دشمن بر مقابله مستقیم و زمینی با نیروی انسانی شهادت طلب و تعریف جدید از سلاح بر این اساس و خارج کردن سلاح‌ها و موشک‌های پیشرفته از عرصه توازن نظامی است؛ در حالی که آنچه تمامی کشورهای دنیا را - که برخی از آنها ارتش مجهزی هم دارند - در مقابل امریکا منفعل کرد، همین سلاح‌های پیشرفته بود. جمع‌بندی صحیح از این اطمینان به نیروی مردمی و چنین دستاوردهایی است که می‌تواند ماموریت‌های جدیدی را برای نظام اداری بر اساس جهت‌گیری‌های الهی تعریف کند و راه تداوم و پیشرفت آن را در آینده مشخص نماید.

پیش نویس اولیه طرح

تحول در نظام اداری کشور

با ضرورت تحول در

«نظام تصمیم سازی، نظام تصمیم گیری و نظام اجرا»

براساس

رویکرد قاعده مند به گفتمان انقلاب اسلامی

برگرفته از اندیشه علامه سیدمنیرالدین حسینی الهاشمی

سرپرست پژوهش: حجت الاسلام والمسلمین مسعود صدوق

تدوین: گروه مدل حسینه اندیشه

کارشناسان تدوین: حجج اسلام محمدصادق حیدری، احمد زیبایی نژاد و روح الله صدوق

کنترل نهایی: حجت الاسلام احمد زیبایی نژاد

۰۹۱۲۷۵۰۲۹۹۴ - ۹۱۹۲۵۳۸۴۶۹

حسینه اندیشه

دین اسلام

فهرست مندرجات

۱. مبانی نظری تحول در نظام اداری کشور..... ۴
- ۱/۱. بخش اول: مقایسه اصول اساسی «فرهنگ مدرنیته» با «فرهنگ گفتمان انقلاب» در ساختار اداری کشور..... ۵
- ۱/۲. بخش دوم: مبانی تحول در «الگوی تنظیم برنامه»..... ۱۰
۲. مدل سازی موضوعی برای تحول در نظام اداری کشور..... ۱۳
- ۲/۱. فصل اول: ضرورت تغییر رویکرد در «مدل سازی موضوعی»..... ۱۴
- ۲/۲. فصل دوم: مدل سازی موضوعی برای تغییر مأموریتها در بخش اقتصاد..... ۱۷
- ۲/۳. فصل سوم: مدل سازی موضوعی برای تغییر مأموریتها در بخش سیاست..... ۱۹
- ۲/۴. فصل چهارم: مدل سازی موضوعی برای تغییر مأموریتها در بخش فرهنگ..... ۲۱

مبانی نظری

تحول در نظام اداری کشور

با رویکرد قاعده‌مند به گفتمان انقلاب اسلامی

بخش اول:

مقایسه اصول اساسی

«فرهنگ مدرنیته» با «فرهنگ گفتمان انقلاب»

در ساختار اداری کشور

اصل اول: مدیریت حادثه‌سازی

ساختار اجرایی نظام‌ها از «مدیریت حادثه‌سازی» تبعیت می‌کند؛ بر این اساس:

- در فرهنگ مدرنیته، جاذبه‌ی مدیریت حادثه‌سازی از طریق تولید و توسعه تکنولوژی و عرضه

آن در نمایشگاه‌های صنعتی، جریان می‌یابد که مقیاس تصرف قدرت بشر در طبیعت را

ارتقاء می‌دهد و حاصل آن رفاه مادی و دعوت به دنیاست.

- فرهنگ گفتمان انقلاب اسلامی، جاذبه‌ی مدیریت حادثه‌سازی را در دعوت به آخرت ترسیم

می‌کند و از طریق نرم‌افزار «اقامه کلمه حق در درگیری با اقامه کلمه‌ی باطل» و افشای

«مظالم فرهنگ مدرنیته» وجدان عمومی بشریت را زنده کرده است و از فقر فرهنگی غرب

که حاصل «ارتقاء دائم‌التزاید رفاه مادی» است، پرده برداشته است.

اصل دوم: تحلیل «سطوح، ابعاد و مراحل» مدیریت

«سطوح، ابعاد و مراحل» مدیریت عبارت‌اند از:

۱. سطوح مدیریت

۱/۱- مدیریت توسعه (حادثه‌سازی) ۱/۲- مدیریت کلان (ساختاری) ۱/۳- مدیریت خرد

۲. ابعاد مدیریت

۲/۱- سیاسی ۲/۲- فرهنگی ۲/۳- اقتصادی

۳. مراحل مدیریت

۳/۱- تصمیم‌گیری ۳/۲- تصمیم‌سازی ۳/۳- اجرا

براساس طبقه‌بندی فوق، عملکرد نظام مبارک جمهوری اسلامی در حفظ جهت‌گیری (سطح توسعه) و در بُعد «موضوعات سیاسی» توانسته است مدیریت مورد نظر خود را جاری سازد که این امر مستقل و متفاوت از اندیشه سیستمی جامعه‌شناسی، برنامه‌ریزی و مدیریت اقتصادی بوده است. اما عملکرد مدیریت نظام مبارک جمهوری اسلامی در رفتار ساختاری (سطح کلان) و در ابعاد «سیاسی، فرهنگی، اقتصادی» وابسته به

اندیشه سیستمی و منطق جامعه‌شناسی و برنامه‌ریزی

مدیریت اقتصادی و صنعتی حاکم بر سازمان برنامه و بودجه

تقسیمات وزارتخانه‌ای هیئت وزیران و بانک مرکزی

بوده است.

عملکرد مدیریت نظام مبارک جمهوری اسلامی در «سطح خرد»، انقلابی یا جناحی و سلیقه‌ای بوده است.

اصل سوم: تفاوت اهداف مدیریت در نظام اسلامی با مدیریت در فرهنگ مدرنیته

از آن‌جا که اهداف نظام جمهوری اسلامی الهی، انسانی و اخلاقی است و ذاتاً با نظام مدیریت جهانی درگیر است، باید بتواند نرم‌افزارهای خود را مبتنی بر الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت مهندسی کند. نرم‌افزارهای الگوی توسعه‌یافتگی (مبتنی بر رفاه دائم‌التزاید) در فرهنگ مدرنیته، «مکانیکی» و «غیر ارگانیک» می‌باشند. زیرا علوم پایه مادی، زیر ساخت توسعه علوم اجتماعی را بر عهده دارد. از این رو عمر علم مدیریت در این مبنا زمان‌دار بوده و قطعات آن مانند ماشین، محتاج به تعویض و تعمیر است؛ در حالی که هدف نظام مدیریت اسلامی، «انسان و ارتقاء قوهی اختیار و آزادی‌های او» است. اما هدف مدیریت در مدرنیته، «رشد کالا و تولید» و «ارتقاء شاخصه‌های کالاها و استانداردهای آن» است.

اصل چهارم: «تعادل قوا» در نظام مدیریت

اولین تقسیم نظام‌های مدیریتی در قانون اساسی، تفکیک سه قوه «اجرا، تقنین و قضا» از یکدیگر است، اما عدم توجه به شیب و ضریب حاکم بر آن، موجب غفلت از مادی یا الهی بودن این تقسیم شده است. براساس فرهنگ مدرنیته که دارای اهداف مادی و رفاه طلبانه است، شیب (یا تعادل قوا) به نفع قوه‌ی اجرا بوده و قضا - که دستگاه وجدان‌سازی و ارتباط مستقیم با انسان‌ها است - در منزلت آخر قرار دارد. اما در نظام جمهوری اسلامی، قوه قضائیه در پیوند با اصل ولایت فقیه، مسئولیت وجدان‌سازی در داخل و خارج نظام را به عهده دارد و در تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت باید به منزلت حقیقی خود در نظام مطلوب الهی دست یابد.

بر این اساس شیب «نظام مدیریت الهی» در هیئت وزیران هم باید به نفع وزارتخانه‌هایی تغییر یابد که به جای «صنعت و کالا» به «روابط انسانی» می‌پردازند. به تعبیر دیگر، وزارتخانه‌های سیاسی و فرهنگی در فرهنگ توسعه‌یافتگی به عنوان بخش خدمه‌ی «بخش اقتصاد» جهت‌دهی می‌شوند حال آن‌که در نظام پیشرفت الهی باید وزارتخانه‌های اقتصادی در خدمت فرهنگ و سیاست باشند.

اصل پنجم: جایگاه بخش «خصوصی، دولتی و تعاونی» در نظام

ماشین تحرک نظام‌های سرمایه‌داری، بخش خصوصی است که با تولید ثروت، هزینه ماشین دولت را از طریق مالیات‌ها پرداخت کرده و با بسترسازی برای نهادهای تعاونی، خیریه و مدنی در عمل هزینه ساختارها را نیز پرداخت می‌کند و در عوض بر جهت‌گیری‌های یک نظام اعم از «قضا، تقنین و اجرا» در هر سه حوزه «خصوصی، دولتی و تعاونی» حکومت می‌کند.

اما ماشین تحرک نظام‌های الهی، بخش دولتی است که با تولید انگیزش‌ها و تولید آزادی و آگاهی باید نیروی انسانی کارآمد بخش تعاونی و بخش خصوصی را تأمین نماید تا اخلاق در نظام تئوریزه شود.

از این رو باید بخش دولتی با «الگوی درآمد زاهدانه» بالاترین قله‌ها را فتح نماید و اיתار را در «نظام توزیع اختیارات» خود نهادینه نماید.

اصل ششم: جایگاه مدیریت «متمركز، شبکه‌ای و کارگاهی» در سازمان

تعریف سازمان و اختیارات سازمانی در علم مدیریت موجود، دارای نرم‌افزار مادی و برخاسته از تقسیمات صنعت و تکنولوژی است و عامل تحقیر و تحلیل مادی انسان‌ها می‌شود که با کرامت انسانی سازگاری ندارد. لذا حاکم کردن «روابط مادی مدیریت در بخش خصوصی» بر «بخش دولتی»، ظلمی نابخشودنی در نظام مبارک جمهوری اسلامی است.

علاوه بر آن توجه به مدیریت «متمركز - شبکه‌ای - کارگاهی» و اختصاص بخش «متمركز» به «کالا و صنعت»، بخش «شبکه‌ای» به روابط انسانی و بخش «کارگاهی» به «امور خانواده» باعث منحل کردن روابط مدیریتی نظام در اخلاق رذیله است.

اما «مدیریت متمركز» در نظام اسلامی باید از طریق سه معاونت «سیاسی، فرهنگی، اقتصادی» به «ارتقاء ظرفیت انسان‌های شاغل در نظام اداری» پردازد و با «تجزیه صنعت» و «اعمال مدیریت کارگاهی در تولید کالا» به روابط مدیریتی ساده و کرامت انسانی توجه شود. همچنان که باید «مدیریت شبکه‌ای» را در بخش فرهنگ اعمال نمود.

بخش دوم:

مبانی تحول در

«الگوی تنظیم برنامه»

(مدل استخراج آمارهای کمی و کیفی، مهندسی طرح سازمانها و

هدایت و کنترل عملکردها)

الگوی تنظیم برنامه (مدل‌سازی) در فرهنگ مادی نظام سرمایه‌داری، دارای روند خاص است؛ که عدم توجه به آن، اخلاق مادی را در نظام جمهوری اسلامی تئوریزه می‌کند.

در این مبنا «ضرورت(خلاء)، موضوع و هدف» سه مؤلفه‌ی کمی در جمع‌آوری نظام آماری توسعه مادی برای تدوین چشم‌اندازها و سندهای بالادستی است که این امر در ساختار آماری هر نظام از معاونت برنامه در استانداری‌ها آغاز و در سازمان برنامه و بودجه آنالیز می‌شود و پایه تدوین برنامه‌های پنج‌ساله قرار می‌گیرد. یعنی آنالیز و تحلیل وضعیت موجود در مقایسه با آهنگ کمی «وضعیت جامعه جهانی، بین‌الملل و منطقه» سنجیده می‌شود و بر این اساس، راهبردهای اخلاقی و فرهنگی برای ارتقاء ظرفیت‌ها در چهارچوب «آیین دنیابردستی» به دستگاه تصمیم‌گیری القاء می‌شود.

حال آن‌که در نظام جمهوری اسلامی، توصیف واقعیت‌ها از درگیری با نظام استکبار آغاز می‌شود و این امر، جایگاه و منزلت اعتقادات و آرمان‌ها را در زمان و مکان فعلی مجسم می‌سازد و تجسم عینی «اسلام در عمل»، ظرفیت دین‌داری جامعه و امت دینی را ترسیم می‌نماید. یعنی بر این اساس

پتانسیل و ظرفیت موجود دشمنان

ظرفیت مطلوب نظام اسلامی

و شرایط انتقال به امت دینی

به صورت کمی تعیین می‌شود.

این مبنا چهارچوب جدیدی از سه مؤلفه «ضرورت(خلاء)، موضوع، هدف» را در جمع‌آوری نظام آماری برای پیشرفت الهی و تدوین چشم‌اندازها روبه‌روی ما قرار می‌دهد.

حال براساس چهارچوب کمی آرمان‌ها و اهداف نظام است که می‌توان گام دوم را در تدوین سیاست‌های کلان نظام برداشت؛ یعنی با نگاه جدید به «ضرورت‌ها و موضوعات و اهداف» جدید می‌توان «عوامل تغییر»

تغییر عوامل؛ ضرائب فنی» جدیدی را بدست آورد تا به وسیلهی آنها به مطالعه وضعیت گذشته؛ وضعیت حال و وضعیت آینده با رویکرد جدید پرداخت.

در گام بعدی، «استراتژی؛ راهبردها و محورهای تغییر» در موضوعات «سیاسی، فرهنگی و اقتصادی» ترسیم می‌شود و نظام آماده می‌شود تا وارد تدوین برنامه‌ها شود.

قبل از ورود در تدوین برنامه‌ها باید به تولید شاخصه‌ها در «کنترل رفتار نظام، سازمان برنامه و کلیات برنامه» پرداخت تا مقدمات «روش و مدل استخراج آمارهای کمی و کیفی» در برنامه و «مهندسی طرح سازمان‌ها» و «هدایت و کنترل عملکردها» فراهم شود.

مدل‌سازی موضوعی

برای

تحول در نظام اداری کشور

با رویکرد قاعده‌مند به گفتمان انقلاب اسلامی

فصل اول: ضرورت تغییر رویکرد در «مدل‌سازی موضوعی»

چالش اصلی در بخش اجرا آن است که قوه مجریه به دنبال «توسعه‌یافتگی» است و دستور عمل وزارتخانه‌ها و هیئت وزیران بر همین اساس شکل گرفته و همه سازمان‌ها پی‌گیر ایجاد زیرساخت‌های توسعه در بخش‌های فیزیکی، حمل و نقل، علوم، ارتباطات و... می‌باشند. یعنی عملاً بخش «تقنین، اجرا و قضا» بر اساس «مدل تری‌گپس» هماهنگ می‌شوند تا رفاه مادی برای مردم محقق شود که این امر ذاتاً با اهداف و سیاست‌های عدالت‌خواهانه نظام درگیر است. در این روند است که قبض و بسط بین مأموریت‌ها در نظام به وجود می‌آید و عملکردها در کشمکش «توسعه‌یافتگی غربی» و «عدالت‌محوری انقلابی» دچار چالش و سایش می‌شوند. پس مشکل اصلی در غیر واقعی بودن برخی مصوبات یا خوب اجرا نشدن آن‌ها نیست. به عبارت دیگر حتی اگر به دنبال «مدل‌سازی موضوعی و مصداقی» باشیم و تغییر مدل در منزلت برنامه‌ریزی را مدنظر قرار ندهیم، باز هم باید از تغییر «رویکردها» و «مأموریت‌های بخش‌های مختلف بر اساس گفتمان انقلاب اسلامی آغاز کرد که پیشنهادهای ذیل در همین چهارچوب قابل تعریف است:

به عنوان مثال جهت حاکم بر رفتار قوا به نحو عام، بسترسازی برای جریان «اقتصاد منطقه، بین‌الملل و جهانی» در اقتصاد داخل است و مدل‌های حاکم و جاری در دنیا در قالب طرح‌های ملی، کلان و عمرانی به دنبال ارتقاء ظرفیت رفاه مادی است. اما نظام سعی دارد رفاه را به قید عدالت در همه‌ی مناطق و تمامی جغرافیای سیاسی کشور تعمیم دهد.

ساختن سد، فرودگاه، بندر، سلاح، نیروگاه اتمی، کارخانه‌های مادر، پالایشگاه و ده‌ها عناوین دیگر توسعه‌یافتگی در همه بخش‌ها، دارای فرایند خاص تولید و الگوی درآمد خاص و نرم‌افزارهای مدیریتی خاص و بالمآل ایجاد اخلاق خاص مادی در اشتغال است که در یک کلام به «صرفه اقتصادی» بازگشت

می‌کند اما در جمهوری اسلامی، این مأموریت‌ها براساس صرفه سیاسی و انقلابی انجام می‌شود و پیش‌بینی‌های کارشناسی را در بن‌بست قرار می‌دهد.

چنین روندی کاملاً با فرهنگ جنگ در دفاع مقدس متفاوت است. زیرا نرم‌افزار مدیریت در جنگ، شکل مادی سلسله مراتب جنگ کلاسیک را نداشت و الگوی هزینه‌های نیروی انسانی از الگوی درآمد انقلابی تبعیت می‌کرد. همچنان که الگوی «دفاع شهادت‌طلبانه» با الگوی «ابزار محور» جنگ کلاسیک - که دستیابی به کمترین هزینه جانی را دنبال می‌کند - متفاوت بود. به همین دلیل بود که مدیریت جنگ کمتر با چالش‌های امروزی نظام مواجه می‌شد گرچه تحلیل عدم‌فتح نظامی در دفاع مقدس مجال دیگری را می‌طلبد.

حال اگر بخواهیم سازوکار مدیریت حضرت امام (ره) در بخش سیاسی، امنیتی و دفاعی را در بخش اقتصاد پیاده کنیم و رفاه مردم را به قید عدالت تأمین کنیم، باید آسیب‌شناسی صحیحی از روند طی شده در جنگ، دوره سازندگی، دوره توسعه سیاسی و دوره گفتمان انقلاب ارائه کنیم تا راه برای تدوین مدل‌های تخمینی در اداره کشور باز شود. به نظر می‌رسد برخورد «بخشی، موضوعی و نگاه درونی» مدیران نظام در اجرا و تقنین، مسائل را به برخورد سلیقه‌ای، جناحی یا انقلابی سوق داده و مدل‌های حاکم بر رفتارهای بخش اقتصادی، علت چالش فرهنگی و سیاسی در نظام شده است.

← آسیب در بخش اقتصاد، تورم انتظاراتی است که ناشی از شعار عزت‌مندانه عدالت در نظام جمهوری اسلامی است و باعث شده تا «قیمت کار»، نرخ «سود سرمایه» را به چالش بکشد.

← آسیب در بخش فرهنگ به تأثیر مدل‌های اقتصادی غربی بر فرهنگ باز می‌گردد؛ یعنی جریان اخلاق «توسعه‌یافتگی» همه چیز را براساس هزینه و فایده تعریف می‌کند و جایی برای اخلاق الهی باقی نمی‌گذارد.

← سلاح محوری در دفاع؛ فرهنگ امتیاز دهی و امتیازگیری در مذاکرات سیاسی و در حاشیه قرار گرفتن مردم در نظام اطلاعاتی، هزینه‌های امنیتی زیادی را به نظام تحمیل می‌کند و به دستاوردهای سیاسی نظام ضربه می‌زند.

تحقق توصیه مقام معظم رهبری به پیش‌بینی حوادث و تدوین برنامه برای آنها، ارتقاء ظرفیت نظام را می‌طلبد. در واقع پافشاری نظام بر آرمان‌ها برای حل قبض و بسط‌های موجود در مأموریت‌ها بوده و لذا باید نظام را از این چالش‌ها نجات داد که این امر در شرایط فعلی باید از بخش اقتصاد آغاز شود.

فصل دوم: مدل‌سازی موضوعی برای تغییر مأموریت‌ها در بخش اقتصاد



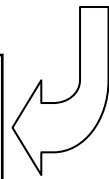
۱ با کنترل واردات در الگوی مصرف و ارائه تعریف جدید از رفاه مادی به «کنترل نظام موازنه ارزی» می‌پردازیم.

۲ با محور قرار دادن بخش کشاورزی در مجموعه‌ی «خدمات، صنعت و کشاورزی» و واگذاری آن به بخش دولتی به دنبال کنترل قیمت‌ها در داخل و خود کفایی نظام در این بخش هستیم که این امر با الگوی درآمد انقلابی و واگذاری این بخش به بسیج جهادی میسر است.

لذا اولین گام انقلابی برای حل چالش‌های اقتصادی، تنظیم اساس‌نامه‌ی نهاد مذکور است که با دو مأموریت «تنظیم قیمت نیازهای داخلی با کار و سرمایه ایرانی» و «جلوگیری از رشد مهاجرت‌ها از روستاها به شهرها» شکل می‌گیرد.

در بخش خدمات باید «مساجد، هیئات و بسیج» شهرها و روستاها وارد صحنه شوند و به شکستن قیمت‌ها بپردازند و آماده مأموریت‌های سازمانی در جهت ساماندهی توزیع شوند و در این مسیر باید از خدمات الکترونیک بهره‌مند گردند.

در بخش صنعت الگوی تولید کشور از Hi تکنولوژی به تکنولوژی متوسط تغییر رویکرد دهد که مأموریت‌های تولیدی را از وابستگی به قدرت‌های جهانی اقتصاد به اقتصاد داخلی باز می‌گرداند و صنعت داخلی را در جهت «استقلال» قرار می‌دهد. لذا وزارت صنایع و وزارت نفت به حفظ وضعیت موجود در تکنولوژی اهتمام نمایند؛ اما وزارت دفاع، جهاد کشاورزی و قرارگاه خاتم‌الانبیاء سپاه مسئول تغییر رویکرد تکنولوژی خواهند بود.



برای تحقق برنامه فوق در صنعت، باید ارتباط بین دانشگاه و بازار را تقویت نمود و به سودآور کردن صنعت کشور (تکنولوژی متوسط، با دوام و فراگیر) پرداخت و با توجه به «جهاد دانشگاهی» به عنوان یک نهاد انقلابی، ستاد انقلابی برای اقتصاد کشور تکمیل شود. از طرف دیگر لازم است نظام مالی، حامی نهادهای جدید کشور شود و صندوق‌های قرض‌الحسنه ملی برای حمایت از نهادهای فوق طراحی گردد.

با این نگاه، در «سند تحول نظام آموزش و پرورش و آموزش عالی کشور» و «نقشه جامع علمی» تحول مهمی ایجاد می‌کند که در این صورت عموم دانشگاه‌ها مأمور تولید علم در صحنه جهانی خواهند بود؛ اما دانشگاه‌های تأسیس شده بعد از انقلاب (مانند تربیت مدرس، امام صادق (ع) و...) مأمور تغییر رویکرد تولید علم در جهت استراتژی جدید صنعت و تکنولوژی خواهند بود.

فصل سوم: مدل‌سازی موضوعی برای تغییر مأموریت‌ها در بخش سیاست



بعد از ساماندهی «نظام مأموریت‌ها» در عرصه اقتصاد باید به دنبال ساماندهی مأموریت‌ها در عرصه سیاست با رویکرد «استراتژی دفاع همه جانبه» بود.

در بخش نظامی باید به دنبال آن بود که نیروهای نظامی آمریکا از کشورهای همسایه کوچ نموده و آرایش نظامی خود را به خارج از مرزهای عراق، افغانستان و پاکستان منتقل کنند. علاوه بر این، به جای تمرکز بر تأمین امنیت داخل کشور باید تأمین امنیت در خارج از مرزها طراحی شود که این امر با ایجاد هسته‌های مقاومت مردمی در مرزها و ارتباطات مرزی ایران با این سه کشور در امور نظامی، امنیتی، اقتصادی و فرهنگی ممکن است.

توسعه زیر ساخت‌های حمل و نقل، مخابرات و ... با بودجه جمهوری اسلامی، علت روان‌سازی ارتباطات مردمی بین کشورهای مذکور با شهروندان ایرانی شده و تشریفات قانونی برای مردم ملغی می‌شود. از سوی دیگر آزاد شدن ترانزیت نیروی کار سه کشور همسایه با جمهوری اسلامی در پروژه‌های عمرانی و غیر آن همراه با پیوست فرهنگی، روح جدیدی به کالبد اقتصاد نظام می‌دمد.

۲

هزینه بودجه‌های گردشگری برای روان‌سازی تورهای زیارتی به عتبات و بالعکس و شدت بخشیدن به رفت و آمد شهروندان ایرانی و عراقی - علی‌رغم هزینه‌های احتمالی اولیه - در دراز مدت، عتبات عالیات را به مرزهای جغرافیایی ایران پیوند می‌دهد و امنیت پایدار این بخش از کشور را تضمین می‌کند. همچنان که برای جلوگیری از قاچاق مواد مخدر در مرزهای شرقی، استفاده از راهکار نظامی در داخل خاک افغانستان ضروری است.

۳

باید تأمین امنیت داخلی شهرهای مرزی و حادثه‌خیز را به بسیج و سپاه واگذار کرد.

۴

اداره استان‌ها نیز باید به مردم واگذار شود و در این راستا باید آئمه جمعه و امامان جماعت را درگیر موضوعات استانداری‌ها، شوراها و شهرداری‌ها نمود.

فصل چهارم: مدل‌سازی موضوعی برای تغییر مأموریت‌ها در بخش فرهنگ



۱ باید حوزه هنری را مأمور تحقق «هنر مقاومتی» نمود و شبکه‌ها و نشریات استانی را به این نهاد سپرد تا مأموریت‌های جدید فوق‌الذکر در عرصه اقتصاد و امنیت، پوشش خبری داده شوند. با این هدف که مردم در این حوزه‌ها برخورداردی فعال داشته باشند.

۲ حوزه‌های علمیه باید تولید «مبانی نظری زیباشناسی» براساس رویکرد قرآنی و آموزش آن به جامعه هنری را بر عهده گیرند تا جایگزینی برای زیباشناسی حسی و مادی فرهنگ مدرنیته فراهم آید و با تکیه بر عقلانیت دین‌محور به تولید فلسفه تاریخ انبیاء و فلسفه اسلامیت جامعه پردازند تا فراگیری قرآن و معارف اهل بیت (ع) و فقه محمد و آل محمد (ص) در همه مقاطع تحصیلی به امری کاربردی و مرتبط با زندگی تبدیل شود که در این صورت، مقدمات طرح تحول در نظام آموزش و پرورش و آموزش عالی فراهم خواهد شد.

۳ با ایجاد فضای فرهنگ مقاومت (بعد از چند سال) از طریق اقدامات انقلابی در عرصه اقتصادی و سیاسی و فرهنگی، باید به احیا نهاد امر به معروف و نهی از منکر همت گماشت و تئوریزه کردن آن را در شبکه‌های استانی پی‌گیری نمود و به اقدامات عملی و شهروندی در محیط کلان شهرها پرداخت که این امر باید از تعریف وظایف جدید برای نهاد مسجد و هیئت آغاز شود.

۴

گفتمان‌سازی پیرامون ادبیات انقلاب در قالب «نشست با نخبگان، کارگاه با اساتید و مناظرات برای دانشجویان»، ظرفیت نظام را برای یک حرکت عظیم و انقلاب فرهنگی به وجود می‌آورد.

۵

تحول نظام آماری کشور از نگاه «شهروندی» به نگاه «خانواده‌محور»، انقلابی در تدوین برنامه‌ها به وجود می‌آورد و نظام را برای تحول در نظام اداری کشور به پیش می‌برد.

۶

بعد از یک دهه با عملیاتی شدن برنامه‌های جدید اقتصاد مقاومتی و امنیت مقاومتی، مهاجرت‌ها از روستاها به شهرها کنترل شده و مقدمه‌ی نگاه جدید به شهر و روستا و تدوین سبک زندگی اجتماعی فراهم می‌شود.

با ضعیف شدن «رویکرد مادی به عرصه سیاست، فرهنگ و اقتصاد» پیش‌گیری از جرم قوت گرفته و بستر تولید پرونده‌های قضایی و اختلافات بین شهروندان، اقشار و احزاب به شدت کاهش خواهد یافت و هم‌بستگی‌ها افزایش می‌یابد.

به دنبال ایجاد بستر «اخلاق اجتماعی»؛ محیط زیست نیز از تخریب‌ها، دست‌اندازی‌ها و... پالایش شده و پاکیزگی و طراوت خود را حفظ خواهد کرد.

۷

خدمت سربازی باید از دو سال به پنج سال افزایش یابد تا بتوان مشکل اشتغال جوانان و آینده‌ی آن‌ها را به وسیله‌ی تأمین خدمات نظام حل و فصل کرد. در دوران سربازی با آموزش و شروع به کار، جوانان در شرکت‌های تولیدی زودبازده شریک می‌شوند تا از این طریق مشکل‌های مالی ازدواج آن‌ها نیز حل گردد.

۸

احیا فرهنگ وقف و توسعه خیریه‌ها می‌تواند در گردش مالی کشور بسیار مؤثر باشد و پشتوانه‌ای برای قدرت پول ملی کشور قرار گیرد.

۹

فرهنگ اسراف، لاپالی‌گری و مُدگرایی در الگوی تغذیه با مهندسی جدید اقتصاد مقاومتی، فرهنگ مقاومتی و امنیت مقاومتی ضربه خورده و لذا مقدمات تغییر رویکرد نظام سلامت کشور از «درمان محوری» به «بهداشت محوری» فراهم می‌شود و طرح‌هایی همچون پزشک خانواده از موضوعیت خارج شده و این مهم به درون خانواده‌ها منتقل می‌شود.

۱۰

وقتی یک ملت به هویت اسلامی - ایرانی خود بازگشت نماید و در بستر «فرهنگ مقاومت» زندگی کند، از «هویت‌سازی با ابزار ورزش» رهایی یافته و ورزش در زندگی شهری منزلت جدید پیدا می‌کند؛ از این رو، ورزش همگانی متغیر اصلی در ورزش می‌شود.